

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

علوم و معارف قرآنی (۲)

رشته علوم و معارف اسلامی

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه

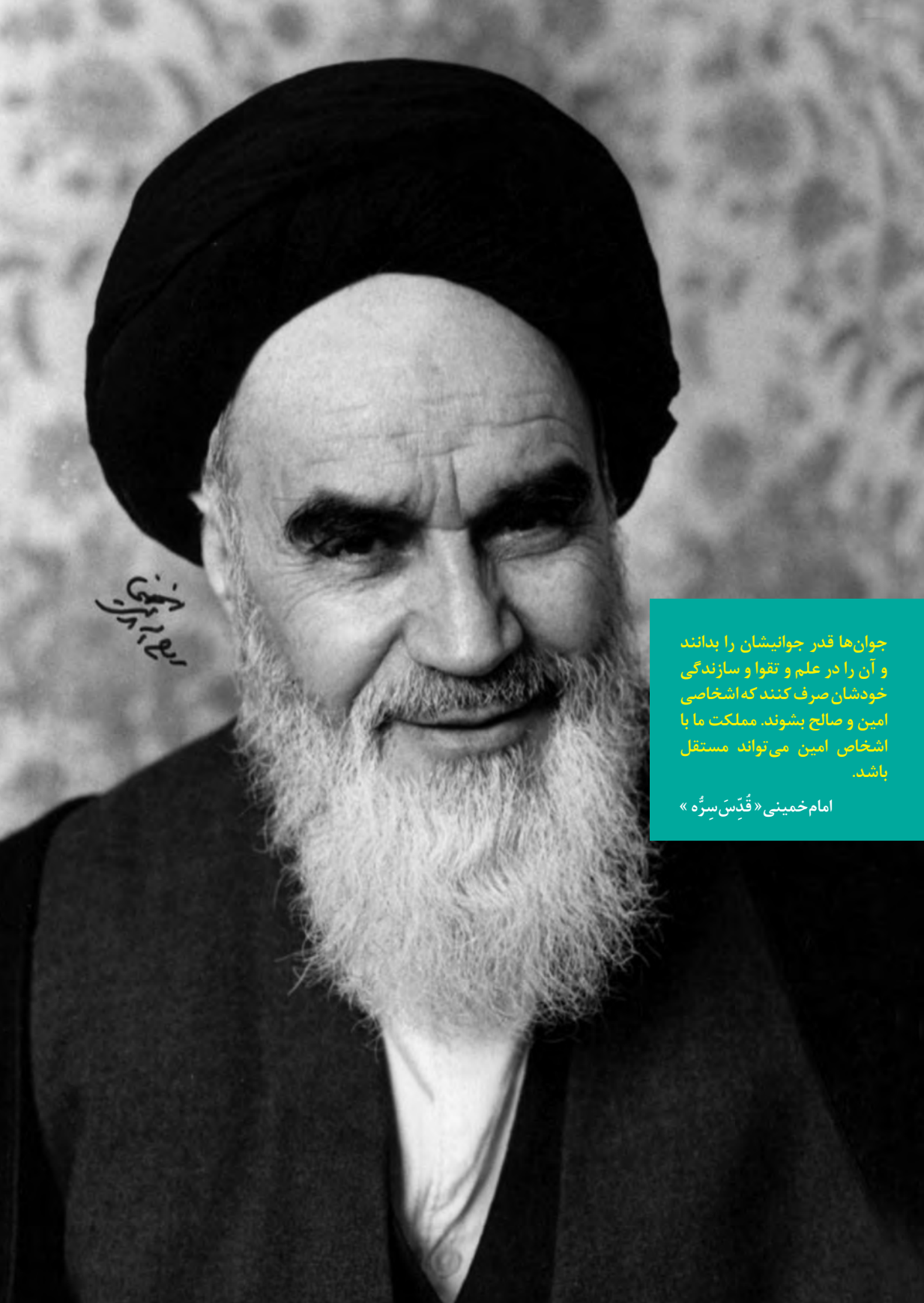




وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:	علوم و معارف قرآنی (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۳۴
پدیدآورنده:	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:	دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:	پرویز آزادی، داوود بهرامسری، حمید رضا تمدن، جمال الدین خوش خاضع، سید محمد دلبری، محمد حسین فریدونی و رضا نیاتی (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
مدیریت آماده‌سازی هنری:	سید مهدی سیف (تجوید) و سید سجاد طباطبایی نژاد (علوم قرآنی) (اعضای گروه تألیف)
شناسه افزوده آماده‌سازی:	اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی احمد رضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمدمهدی ذبیحی فرد (مدیر هنری) - آزاده امینیان (طراح گرافیک و صفحه‌آرا) - مریم کیوان (طراح جلد) - آذر روستایی فیروزآباد، سیما لطفی، فریبا سیر و راحله زادفتح‌اله (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان:	تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن: ۹-۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۰۹۲۶۶۰۸۸۳، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ وب‌گاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir
ناشر:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) - تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۰۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
چاپخانه:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ:	چاپ پنجم ۱۴۰۰

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۹۰۲-۷
ISBN: 978-964-05-2902-7



سید روح‌الله خمینی

جوان‌ها قدر جوانیشان را بدانند
و آن را در علم و تقوا و سازندگی
خودشان صرف کنند که اشخاصی
امین و صالح بشوند. مملکت ما با
اشخاص امین می‌تواند مستقل
باشد.

امام خمینی «قُدَسِ سِرِّه»

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

محتوای این کتاب تا پایان سال تحصیلی ۱۴۰۲ - ۱۴۰۱ تغییر نخواهد کرد.

بخش اول

درس ۱



- ۱ قرائت: آیات ۹۵ تا ۱۰۲ سوره نحل ۱۶
- ۲ فصاحت و تجوید: حروف و حرکات ۱۷
- ۳ علوم قرآنی: ما و قرآن ۱۹
- ۴ حفظ نور: سوره شمس ۲۸

درس ۲



- ۱ قرائت: آیات ۱۸ تا ۳۷ سوره حاقه ۳۲
- ۲ فصاحت و تجوید: حرکات کشیده ۳۳
- ۳ علوم قرآنی: علوم قرآن ۳۴
- ۴ حفظ نور: سوره بینه ۴۰

درس ۳



- ۱ قرائت: آیات ۱ تا ۱۰ سوره جن ۴۴
- ۲ فصاحت و تجوید: الف همزه و باء ۴۵
- ۳ علوم قرآنی: آیه و سوره ۴۶
- ۴ حفظ نور: سوره فجر ۵۲

درس ۴



- ۱ قرائت: آیات ۱ تا ۸ سوره شوری ۵۶
- ۲ فصاحت و تجوید: تاء، ثاء و جیم ۵۷
- ۳ علوم قرآنی: فواتح سُور ۵۸
- ۴ حفظ نور: سوره عَبَس ۶۴

درس ۵



- ۱ قرائت: آیات ۱۰۳ تا ۱۱۰ سوره کهف ۶۸
- ۲ فصاحت و تجوید: حاء، خاء، دال و ذال ۶۹
- ۳ علوم قرآنی: جمع قرآن ۷۱
- ۴ حفظ نور: سوره انشقاق ۷۶

درس ۶



- ۱ قرائت: آیات ۱ تا ۱۶ سوره مزمل ۸۰
- ۲ فصاحت و تجوید: راء ۸۱
- ۳ علوم قرآنی: تعلیم قرآن در سیره پیامبر اسلام ﷺ ۸۳
- ۴ حفظ نور: سوره مُطَفِّفین، آیات ۱ تا ۱۷ ۹۲

درس ۷



- ۱ قرائت: آیات ۴۱ تا ۴۸ سوره اسراء ۹۶
- ۲ فصاحت و تجوید: زاء، سین، شین و صاد ۹۷
- ۳ علوم قرآنی: ترجمه قرآن ۹۸
- ۴ حفظ نور: سوره مُطَفِّفین، آیات ۱۸ تا ۳۶ ۱۰۶

درس ۸



- ۱ قرائت: آیات ۲۵ تا ۳۴ سوره فرقان ۱۱۰
- ۲ فصاحت و تجوید: ضاد و طاء ۱۱۱
- ۳ علوم قرآنی: تفسیر اجتهادی ۱۱۲
- ۴ حفظ نور: سوره بُرُوج ۱۲۰

بخش دوم

درس ۹

- ۱ قرائت: آیات ۴۹ تا ۵۳ سوره شوری ۱۲۴
- ۲ فصاحت و تجوید: ظاء، عین، غین، فاء، قاف و کاف ۱۲۵
- ۳ علوم قرآنی: فهم قرآن در آینه ادبیات عرب (۱) ۱۲۷
- ۴ حفظ نور: سوره نازعات، آیات ۱ تا ۲۵ ۱۳۴

درس ۱۰

- ۱ قرائت: آیات ۲۰ تا ۳۱ سوره نمل ۱۳۸
- ۲ فصاحت و تجوید: لام ۱۳۹
- ۳ علوم قرآنی: فهم قرآن در آینه ادبیات عرب (۲) ۱۴۰
- ۴ حفظ نور: سوره نازعات، آیات ۲۶ تا ۴۶ ۱۴۶

درس ۱۱

- ۱ قرائت: آیات ۳۰ تا ۳۷ سوره انبیاء ۱۵۰
- ۲ فصاحت و تجوید: میم و نون ۱۵۱
- ۳ علوم قرآنی: فهم قرآن در آینه قرآن (۱) ۱۵۳
- ۴ حفظ نور: سوره نَبَأ، آیات ۱ تا ۲۰ ۱۵۸

درس ۱۲

- ۱ قرائت: آیات ۵۰ تا ۵۷ سوره هود ۱۶۲
- ۲ فصاحت و تجوید: واو، هاء و یاء ۱۶۳
- ۳ علوم قرآنی: فهم قرآن در آینه قرآن (۲) ۱۶۴
- ۴ حفظ نور: سوره نَبَأ، آیات ۲۱ تا ۴۰ ۱۷۴

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام :

وَمَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدًا إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ؛

زِيَادَةٍ فِي هُدًى أَوْ نُقْصَانٍ مِنْ عَمِّي .

هیچ کس با این قرآن همنشین نشد، مگر آن که چون از نزد آن برخاست با فزونی و کاستی همراه بود؛

فزونی در هدایت، و کاستی از کوردلی .

نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶

همکار گرامی؛

قرآن کریم، برترین منبع معرفتی و بهترین راهنمای زندگی انسان‌ها است و همه ما را به سوی سعادت حقیقی و بهشت برین الهی هدایت می‌کند. از این رو شایسته است در حد توان بکوشیم تا در پیشگاه این کتاب الهی حضور یابیم و برنامه زندگی خود را از آن دریافت نماییم.

حضور در محضر قرآن کریم و انس با آن، دو گام اساسی دارد :

گام اول: قرائت مستمر آیات

خواندن مستمر قرآن کریم اولین گام انس با قرآن است. برنامه‌ریزی برای قرائت روزانه قرآن کریم و حفظ سوره‌های آن نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق این گام دارد.

هر چند قرائت آیات اهمیت بسیاری دارد و کسی که روزانه قرآن قرائت می‌کند، به مرحله‌ای از انس با قرآن رسیده است، اما نباید در این مرحله متوقف شد و به آن کفایت کرد.

گام دوم: تدبیر در آیات الهی

گام دوم تفکر در آیات الهی همراه با قرائت آن است، زیرا قدم گذاشتن در مسیر تعالی و پیشرفت جز با ژرفاندیشی در آیات و درک عمیق نکات هدایتی آن به دست نمی‌آید. تفکر و تدبیر در آیات الهی، مهم‌ترین نقش را در انس حقیقی با قرآن کریم دارد.

کتابی که در پیش رو دارید در راستای دستیابی به این دو گام اساسی تألیف شده است. بر همین اساس، هر درس از دروس این کتاب، از چهار بخش زیر تشکیل شده است :

الف - قرائت :

در ابتدای هر درس، یک صفحه از آیات مرتبط با مطالب درس آمده است. هدف از این بخش تقویت مهارت خواندن، تقویت انس با قرآن کریم و نیز تمرین قواعد تجویدی است. دانش آموزان پیش از آغاز درس به منظور ارزشیابی تشخیصی و پس از آموختن قواعد، به منظور ارزشیابی تکوینی از سوی دبیر، آیات را قرائت می کنند.

ب - فصاحت و تجوید :

دانش آموزان در سال های گذشته با برخی از قواعد روخوانی و روان خوانی آشنا شده اند؛ مانند تلفظ صحیح حروف و حرکات، انواع وقف و علائم آن، الف وصل و در این کتاب، با برخی دیگر از قواعد قرائت و تجوید آشنا می شوند. البته با بیانی ساده، کاربردی و متناسب با نیاز دانش آموزان در رشته علوم و معارف اسلامی.

ج - علوم قرآنی :

این بخش به منظور آشنایی بیشتر دانش آموزان با قرآن کریم آورده شده است. مباحث علوم قرآنی در هر درس، از مقدمات فهم قرآن و ژرف اندیشی در آیات بوده و در راستای گام دوم انس با قرآن، طراحی شده است. آشنایی با این علوم، زمینه تفکر دقیق تر و عمیق تر در آیات را فراهم می آورد و دانش آموزان را با علوم مورد نیاز تفسیر قرآن آشنا می نماید. این موضوعات از میان انبوهی از موضوعات علوم قرآنی با سیر مشخص و متناسب با نیاز و قدرت فهم دانش آموزان انتخاب شده است.

د - حفظ سوره های کوتاه :

در انتهای هر درس، بخشی با عنوان « حفظ نور » ارائه شده است. دانش آموزان در این بخش، سوره های باقیمانده از جزء ۳^۰ و برخی از سوره های جزء ۲۸ قرآن کریم را تمرین می کنند. هر چند ممکن است تعدادی از دانش آموزان این سوره ها را از قبل، حفظ باشند، اما دبیر محترم، همه دانش آموزان را به حفظ این سوره ها تشویق و ترغیب می نماید.



روش تدریس

برای تدریس هر درس، دو جلسه (دو هفته آموزشی) در نظر گرفته شده است.

جلسه اول

این جلسه دارای دو بخش است :

الف - آموزش و تمرین قرائت (۳۰ دقیقه)

زمان اختصاص یافته به این بخش به گونه‌ای مدیریت گردد که به موضوعات زیر پرداخته شود :

- ۱ خواندن متن قواعد از روی کتاب توسط دانش آموزان و در صورت نیاز توضیح مختصر دبیر محترم.
- ۲ قرائت آیات درس توسط دانش آموزان (هر دانش آموز یک جمله می‌خواند تا آیات درس با مشارکت همه دانش آموزان قرائت شود).
- ۳ رفع اشکالات قرائت دانش آموزان به شیوه مناسب

تذکر : استفاده از قرائت تحقیق و ترتیل آیات درس، در زمان‌های مناسب، در تسهیل یادگیری و پیروی از قرائت الگو و نیز ایجاد انگیزه بسیار مؤثر و مفید خواهد بود.

ب - آموزش مباحث علوم قرآنی (۷۰ دقیقه)

با توجه به اینکه بیش از ۷۰ درصد مباحث کتاب، به طرح موضوعات علوم قرآنی پرداخته است، زمان تدریس نیز متناسب با آن باید تنظیم گردد.

۱۲ عنوان از موضوعات علوم قرآنی در این قسمت ارائه شده است. این موضوعات متناسب با نیاز و فهم دانش آموزان در قالب سیری مشخص و منسجم انتخاب و به ترتیب در دروس قرار داده شده است :

اولین درس به بیان آداب قرائت قرآن می‌پردازد، چرا که پیش‌نیاز برقراری هر گونه ارتباط با این کتاب آسمانی - از جمله مراجعه برای فهم و تفسیر آن - آشنایی با این آداب و رعایت آن‌هاست. سپس با توجه به هدف کلی کتاب، اصطلاح علوم قرآن و مصادیق گوناگون آن تعریف و تبیین می‌گردند. پس از آن قرآن از منظر اجزای تشکیل دهنده آن مورد توجه قرار گرفته و دو درس «آیه و سوره» و «فواتح سور» این اجزا را به خوبی تبیین می‌نماید.

در ادامه کیفیت و مراحل ارائه آیات و سوره‌های قرآن به صورت یک متن مکتوب، زیر نظر پیامبر و اصحاب بزرگ ایشان در درس «جمع قرآن» مورد توجه قرار گرفته و چگونگی آموزش این کتاب آسمانی به مسلمانان دور و نزدیک توسط پیامبر و اصحاب ایشان تبیین گشته است.

پس از آن شیوه‌ها و رویکردهای مختلف در فهم این کتاب آسمانی در دنیای معاصر، در دو درس «ترجمه قرآن» و «تفسیر اجتهادی» مورد توجه قرار گرفته است و در پایان، در قالب چهار درس به صورت کارگاهی روش این فهم در سطح درک و فهم دانش آموزان مطرح شده است.

این چهار درس، با رویکردی متفاوت نسبت به هشت درس پیشین آن تدوین شده است که از همین جهت با ارائه یک پیش‌گفتار از این هشت درس مجزا شده است. در این چهار درس، دانش‌آموزان شیوه عملی فهم و تفسیر قرآن را خود تجربه می‌نمایند.

به منظور آموزش مباحث بخش علوم قرآنی، به نکات زیر توجه داشته باشید:

۱ ابتدای هر درس، یک ورودیه در نظر گرفته شده است که با جلب توجه و انگیزش دانش‌آموزان به موضوع، مقدمه و زمینه‌ساز ورود به مباحث درس می‌باشد. این قسمت به وسیله سه ستاره از متن اصلی درس مجزا شده است که معلم می‌تواند در آغاز تدریس خود برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان نسبت به موضوع از آن بهره‌برداری نماید.

۲ با توجه به اینکه مباحث دروس، تا حدودی نظری است، معلمان محترم سعی نمایند فرایند یاددهی - یادگیری را با مشارکت فعال دانش‌آموزان برنامه‌ریزی نمایند تا از یکنواختی و خشکی مخاطبان اجتناب گردد.

۳ در آموزش مباحث، از بیان مطالب اختلافی و نظرات سایر دانشمندان علوم قرآنی فراتر از محتوای درس، اجتناب نمایید تا سطح مباحث برای دانش‌آموزان سنگین نشود و برای ایشان ایجاد شبهه نکند.

۴ فعالیت‌های کلاسی متنوعی در خلال مباحث هر درس، طراحی شده که ایستگاه تمرین و تحلیل مباحث نظری بوده و نقش مهمی در یادگیری ایفا می‌نماید. از مشارکت همه دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌ها استفاده نمایید. دانش‌آموزان باید در این قسمت، خود در کلاس به انجام فعالیت‌ها پرداخته و معلم در صورت نیاز توضیحات تکمیلی را ارائه نماید.

۵ در انتهای هر درس، فعالیتی با عنوان «اندیشه و تحقیق» طراحی شده است. این فعالیت، برای خارج از کلاس طراحی شده است. تعدادی از این فعالیت‌ها، تنها با تحقیق و پژوهش از سوی دانش‌آموزان امکان‌پذیر خواهد بود که معلم محترم می‌تواند برای جلب انگیزش دانش‌آموزان، برای مواردی از این فعالیت‌ها، نمره اضافی (علاوه بر ۲۰ نمره) تا حداکثر دو نمره برای هر دانش‌آموز، در نظر بگیرد. نتیجه انجام این تحقیقات، در جلسه بعد ارائه خواهد شد که معلم محترم زمانی را برای آن اختصاص می‌دهد.

۶ در انتهای برخی دروس، بخشی با عنوان «برای خواندن» قرار داده شده است؛ بدیهی است مباحث این قسمت در امتحان طرح نخواهد شد.

جلسه دوم

این جلسه دارای دو بخش است:

الف - ادامه آموزش مباحث علوم قرآنی (۷۰ دقیقه)

از آنجا که در این جلسه، به ادامه آموزش مباحث علوم قرآنی پرداخته می‌شود، در ابتدای جلسه زمانی کوتاه برای یادآوری مباحث پیشین و پرسش از دانش‌آموزان اختصاص دهید.

ب - حفظ سوره‌ها (۳۰ دقیقه)

مراحل آموزش حفظ :

- ۱ ابتدا صحت قرائت آیات آموزش داده می‌شود. برای این کار می‌توانید از قرائت ترتیل و یا تحقیق استفاده کنید.
 - ۲ درباره سوره اطلاعات اجمالی ارائه می‌شود (مانند نام سوره، تعداد آیات، شأن نزول و ...). حداکثر در سه دقیقه
 - ۳ معلم به دانش آموزان فرصت کوتاهی می‌دهد تا سوره (یا بخشی از آن) را در کلاس حفظ کنند (حدود پنج دقیقه)
 - ۴ ابتدا از دانش آموزان داوطلب سپس از سایر دانش آموزان پرسش می‌شود.
 - ۵ در صورت نیاز دانش آموزان می‌توانند به متن نگاه کنند و از روی کتاب بخوانند.
 - ۶ معلم به عنوان تکلیف درس، از دانش آموزان می‌خواهد تا جلسه بعد این سوره را حفظ کنند.
- پیشنهاد :** دانش آموزان را به خواندن این سوره ها در نماز تشویق کنیم.

ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

نحوه زمان بندی و میزان اهمیت اجزاء هر درس، در ارتباط مستقیم با توزیع نمرات مربوط به هر قسمت در ارزشیابی مستمر و پایانی خواهد بود. بر این اساس، ارزشیابی مستمر و پایانی به شرح زیر است :

الف - ارزشیابی مستمر؛ شامل :

- ۱ قرائت آیات درس به صورت روان، با رعایت دقیق قواعد تجوید و انجام فعالیت‌های کلاسی این بخش (۵ نمره)
- ۲ پرسش از مباحث علوم قرآنی و انجام فعالیت‌های کلاسی (۱۳ نمره)
- ۳ حفظ سوره‌های منتخب (۲ نمره)

ب- ارزشیابی پایانی :

این ارزشیابی در پایان هر نیمسال و در سه بخش انجام می‌شود :

- ۱ آزمون شفاهی از قرائت آیات درس با رعایت قواعد تجویدی (۵ نمره)
- ۲ آزمون شفاهی از حفظ سوره‌های منتخب (۲ نمره)
- ۳ آزمون کتبی از مجموعه مباحث علوم قرآنی (۱۳ نمره)

نکته مهم : برای هر نیمسال تحصیلی، شش درس در نظر گرفته شده است. در نیمسال اول، شش درس اول و در نیمسال دوم، شش درس بعدی ارزشیابی می‌شود؛ بنابراین در نیمسال دوم، از شش درس اول، سوآلی طرح نخواهد شد.

دانش آموزان عزیز!

سلام

ورود شما را به پایه یازدهم خیرمقدم می‌گوییم و امیدواریم که در طول این سال تحصیلی با یادگیری علوم و معارف اسلامی، زمینه تهذیب و تزکیه خود و جامعه را بیش از پیش، فراهم آورید. همان‌طور که می‌دانید یکی از مهم‌ترین کتاب‌های این رشته، کتاب علوم و معارف قرآنی است، زیرا که قرآن کریم راهنمای زندگی انسان‌هاست و مردم را به استوارترین راه‌ها هدایت می‌کند. خداوند در این کتاب با مردم سخن گفته و آنها را مخاطب قرار داده است. دوره نوجوانی و جوانی بهترین دوره برای آشنایی با قرآن کریم و توجه به سخنان خدای مهربان و حکیم است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ، حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ، أَوْ يَكُونَ فِي تَعْلِيمِهِ

شایسته است که مؤمن از دنیا نرود، مگر آن که قرآن را فرا گیرد و

یا در حال آموختن آن باشد.

اصول کافی ج ۲ ص ۶۰۷

برای بهره‌مندی از هدایت‌های قرآن، ضروری است مهارت استفاده از قرآن را به دست آوریم. کتاب «علوم و معارف قرآنی» سعی دارد تا توانایی‌های شما را در مهارت قرائت قرآن، افزایش دهد و زمینه حفظ بخشی از آن را برایتان فراهم سازد و برخی از علومی را که به شما در شناخت و فهم بیشتر و بهتر قرآن کمک می‌نماید، ارائه دهد.

امید است با همت خود و با توکل بر خدای رحمان و استفاده از رهنمودهای اساتید خوب، در مسیر «انس هر چه بیشتر با قرآن کریم» موفق و مؤید باشید.

ان شاء الله

بخش اول

پیش‌گفتار

مجموعه مباحث علوم قرآنی این کتاب، در دو بخش کلی و ۱۲ درس ارائه و تنظیم شده است. بخش اول کتاب به معرفی مهم‌ترین علوم و دانش‌های مورد نیاز یک مفسر برای ورود به تفسیر قرآن می‌پردازد. این علوم و دانش‌ها که با عنوان «علوم قرآن» شناخته می‌شوند، در هشت درس تدوین و ارائه شده است.

در این دروس ابتدا با آداب ارتباط و تعامل با قرآن آشنا می‌شویم. این آداب، پیش‌نیاز هر گونه برقراری ارتباط با این کتاب آسمانی - از جمله مراجعه برای فهم و تفسیر آن - است. سپس به تعریف علوم قرآن و بیان تفاوت آن با معارف قرآن کریم خواهیم پرداخت و در ادامه با تعدادی از مهم‌ترین دانش‌های مطرح شده در این علم در قالب شش درس به صورت تفصیلی آشنا خواهیم شد.



درس اول



شامل:

۱ قرائت: آیات ۹۵ تا ۱۰۲ سوره نحل

۲ فصاحت و تجوید: حروف و حرکات

۳ علوم قرآنی: ما و قرآن

۴ حفظ نور: سوره شمس

وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّ مَا عِنْدَ اللَّهِ
 هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩٥﴾ مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ
 وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ ۖ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ
 بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ
 ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً
 وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾
 فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
 ﴿٩٨﴾ إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطٰنٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ
 رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٩٩﴾ إِنَّمَا سُلْطٰنُهُ عَلَى الَّذِينَ
 يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ ﴿١٠٠﴾ وَإِذَا
 بَدَّلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنزِّلُ
 قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ ۖ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ
 ﴿١٠١﴾ قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ
 لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿١٠٢﴾

فصاحت و تجويد حروف و حرکات

در سال‌های گذشته، با تلفظ خاص ۱۰ حرف (ث ح ذ ص ض ط ظ ع غ ق) که در فارسی مانند حروف (س ه ز ت ا ق) تلفظ می‌شوند، آشنا شدیم. با کوتاهی و کشیدگی حرکات نیز آشنا شدیم تا آیات قرآن و اذکار نماز را به طور صحیح بخوانیم و معانی کلمات و عبارات را تغییر ندهیم.

اکنون ضمن یادآوری نحوه تلفظ این حروف خاص و مقایسه آنها با حروف مشابه خود، همچنین یادآوری کوتاهی و کشیدگی حرکات، با فصاحت، تجويد و زیبایی قرائت **یک به یک حروف و حرکات آشنا می‌شویم.**

منظور از فصاحت و تجويد این است که هر حرف و حرکت علاوه بر صحت، به زیباترین حالت، با لهجه ناب عربی معیار، به اندازه مطلوب و به صورت طبیعی و روان تلفظ شود؛ البته بدون افراط و تفریط یا وسواس و تکلف.

سعی شده قواعد فصاحت و تجويد، به زبان ساده، کوتاه و کاربردی بیان گردد و از اصطلاحات و شرح و توضیح مفصل پرهیز شود.

حتماً می‌دانید که مؤثرترین فعالیت و تمرین برای کسب مهارت در تلفظ صحیح و فصیح حروف و کلمات، گوش دادن به قرائت فصیح و زیبای اساتید قرائت و قاریان ممتاز و پیروی از قرائت آنهاست، البته به طور مستمر و همه روزه.

این فعالیت را با استفاده از لوح فشرده یا همراه با قرائت دبیر محترم انجام دهید.

اینک فصاحت و تجويد یک به یک حروف و حرکات را در درس‌های این کتاب به ترتیب بررسی می‌کنیم.

صحت و فصاحت حرکات کوتاه

حرکات کوتاه (اَ - اِ - اُ) معمولاً کوتاه و درست خوانده می‌شوند، ولی گاهی در اثر حالت‌های خاص زبان فارسی به ویژه فاصله افتادن بین کلمات، کشیده می‌شوند. برای تلفظ صحیح حرکات کوتاه، باید کلمات، متصل به هم خوانده شوند، مانند:

اللَّهُ أَكْبَرُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

فتحه: از نظر فصاحت و تجوید، دو حالت دارد:

با ۸ حرف (حَ رَ صَ ضَ طَ ظَ غَ قَ) شبیه **اولی کوتاه** خوانده می‌شود،

یعنی فتحه به حالت درشت تلفظ می‌گردد، مانند:

خَيْرٌ رَبِّ صَلَّى صَلَّ صِرَاطَ ظَهَرَ غَيْرٌ قَدْ

ولی با ۲۰ حرف دیگر، فتحه به طور معمولی خوانده می‌شود.

در اصطلاح تجوید، به درشت تلفظ کردن حروف و حرکات «**تفخیم**» می‌گویند.

کسره: از نظر فصاحت و تجوید، شبیه **ای ولی کوتاه** تلفظ می‌شود، مانند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لِلَّهِ رَبِّ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِهْدِنَا الصِّرَاطَ

نکته: در سوره مبارکه فرقان، آیه ۶۹، در جمله «وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا» زیره‌ها،

کسره اشباعی نوشته شده است؛ یعنی کسره باید کشیده خوانده شود: **فِيهِ** ← **فِيهِ**

ضمه: از نظر فصاحت و تجوید، شبیه **او ولی کوتاه** تلفظ می‌شود، مانند:

اللَّهُ أَشْهَدُ رَسُولُ وَلِيٌّ أَعُوذُ بِالْحَمْدِ نَعْبُدُ

تمرین: آیات درس و اذکار نماز را با رعایت کوتاهی و فصاحت حرکات بخوانید.



علوم قرآنی

ما و قرآن

قرآن، وحی آسمانی و معجزه جاوید پیامبر اسلام ﷺ برای سعادت و هدایت بشر است و از این رو جایگاه رفیعی میان مسلمانان دارد. پیامبر اسلام می‌فرماید :

فَضْلُ الْقُرْآنِ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ، كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ^۱

به دلیل این تقدس و جایگاه رفیع، احکام و آدابی برای تعامل و ارتباط با این کتاب آسمانی قرار داده شده که رعایت آنها نشانگر احترام و بزرگداشت نسبت به این کتاب آسمانی است. رعایت این آداب نه تنها ثواب قرائت را دوچندان می‌کند، بلکه موجب بهره‌مندی بیشتر از هدایت قرآن می‌گردد.

برخی از این آداب و احکام، واجب و برخی مستحب هستند.

فعالیت کلاسی

دو نمونه از احکام واجب دینی را در برقراری تعامل و ارتباط با قرآن، در کلاس بیان کنید.

بهترین منبع استخراج آداب ارتباط با قرآن، سیره پیامبر و اهل بیت است. بر اساس حدیث ثقلین، قرآن و اهل بیت پیامبر هیچ‌گاه از یکدیگر جدا نمی‌شوند و هر یک همواره در کنار دیگری است. بنابراین اهل بیت بهترین افرادی هستند که حقیقت قرآن را می‌شناسند و ما را به آداب ارتباط با آن رهنمون می‌شوند.

ایشان برگزیدگانی هستند که به شهادت آیه تطهیر از هر گونه پلیدی به دورند و در اوج پاکی و قداست قرار دارند. روش ارتباط با قرآن در سخن و عمل ایشان، الگویی نیکو و پسندیده برای همه مسلمانان است.

البته فراموش نکنیم که هرچند رعایت این آداب، موجب برقراری کمال ارتباط با قرآن می‌شود، اما اصل ارتباط با این کتاب آسمانی حتی بدون رعایت آداب آن بسیار پسندیده بوده و وظیفه هر مسلمان است.

بر اساس معارف اهل بیت علیهم‌السلام، آداب برقراری ارتباط با قرآن کریم را می‌توان به دو دسته اصلی آداب ظاهری و آداب باطنی تقسیم کرد.

الف) آداب ظاهری ارتباط با قرآن کریم

۱- وضو و مسواک

اولین ادب ارتباط با قرآن، طهارت و پاکی بدن است. بسیاری از مفسران در تفسیر آیه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» واقعه ۷۹ معتقدند برای تماس بدن انسان با خط قرآن، وضو گرفتن واجب است.

هرچند قرائت بدون وضو، مستحب و نیکو است، اما رعایت احترام کلام الهی به وضو داشتن هنگام قرائت است.

تمیز و خوشبو بودن نمودن دهان نیز از آنجا که راه خروج الفاظ و کلمات قرآن به شمار می‌رود، از دیگر مستحبات قرائت قرآن است. امیر المؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید:

إِنَّ أَفْوَاهَكُمْ طُرُقُ الْقُرْآنِ فَطَهِّرُوهَا بِالسَّوَاكِ

۲- نگاه به مصحف

قرائت از روی مصحف موجب دقت بیشتر قاری نسبت به الفاظ و معانی قرآن می‌شود و این مسئله، زمینه بیشتر قرائت همراه با تدبیر و تفکر را فراهم می‌آورد. یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام از ایشان می‌پرسد: من قرآن را حفظ هستم؛ آن را از حفظ بخوانم بهتر است یا از روی مصحف؟ امام به او فرمودند:

بَلِ اقْرَأْهُ وَانظُرْ فِي الْمُسْخَفِ فَهُوَ أَفْضَلُ
أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ التَّظَرَ فِي الْمُسْخَفِ عِبَادَةٌ^۱

۳- ترتیل در قرائت

این ادب قرائت، اولین بار از سوی خود قرآن مطرح شده است:

وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا مزمّل/۴

امام صادق علیه السلام در تعریف «ترتیل» دو ویژگی برای آن برمی‌شمارند:

هُوَ أَنْ تَتَمَكَّثَ فِيهِ وَتُحَسِّنَ بِهِ صَوْتَكَ^۲

۱ همراه با مکث؛ ترتیل، بیان کامل حروف و حرکات و قرائت با تأنی و بدون شتاب است. این نوع قرائت، بر خلاف قرائت تند و باشتاب، زمینه تدبیر و اندیشیدن در آیات را فراهم می‌آورد.

۲ با صوت زیبا؛ قرائت با صوت زیبا و به صورت زمزمه‌ای آهنگین، به قرائت قاری زینت می‌بخشد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ وَحَلِيَّةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ^۳

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۰۷.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۵.

قرائت به صورت زمزمه‌ای آهنگین، باعث جاذبه آن و افزایش اثرگذاری بر دل‌ها می‌شود، هم‌چنانکه قرائت زیبای پیامبر و اهل بیتشان، افراد بسیاری را به ایشان جذب می‌کرد. هنگامی که زمزمه ایشان به قرائت قرآن بلند می‌شد، رهگذران و عابران می‌ایستادند و به نوای قرآن خوانی آنها دل می‌دادند:

امام صادق علیه السلام درباره قرائت امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ
وَكَانَ السَّقَاوُونَ يَمْرُونَ فَيَقِفُونَ بِبَابِهِ يَسْمَعُونَ قِرَاءَتَهُ^۱

باید توجه کرد که معنای «صوت حسن»، قرائت به معنای مصطلح آن در مسابقات و مجالس و محافل قرآنی نیست؛ هر چند که این نوع قرائت در مجالس و محافل، کاری پسندیده و هنری است که می‌تواند برای تبلیغ قرآن و جذب دل‌ها به سوی آن سودمند و مؤثر واقع شود.

۴- دعا هنگام قرائت قرآن

دعا کردن در زمان‌های خاصی به اجابت نزدیک‌تر است؛ یکی از این مواقع، هنگام قرائت قرآن است.^۲

امه علیه السلام، خود قرائت قرآن را فرصتی مغتنم برای دعا می‌شمردند و دیگران را نیز به آن سفارش می‌کردند. دعاهای مخصوصی از ایشان قبل، بعد یا هنگام قرائت قرآن نقل شده است؛ به عنوان نمونه، امام صادق علیه السلام قرائت خود را با دعایی آغاز می‌کردند که بخشی از آن چنین است:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا تَتَبِيعَ حَلَالَهُ، وَتَجْتَنِبُ حَرَامَهُ، وَتُقِيمُ حُدُودَهُ، وَتُوَدِّي قَرَائِصَهُ،
اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا حَلَاوَةً فِي تِلَاوَتِهِ، وَقُوَّةً فِي اسْتِعْمَالِهِ^۳

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۶.

۲- اِغْتَنِبُوا الدُّعَاءَ عِنْدَ رُبْعِ عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَ عِنْدَ الْآذَانِ وَ عِنْدَ نُزُولِ الْعَيْثِ وَ عِنْدَ التِّقَاءِ الصَّغِيرِ لِلشَّهَادَةِ (کافی، ج ۲، ص ۴۷۷)

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۵۷۳، نیز نگاه کنید به: بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۰۷.

فعالیت کلاسی

در این آیه دو نمونه دیگر از آداب ظاهری مربوط به قرائت قرآن معرفی شده است. آنها را در جاهای خالی بنویسید.

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

أعراف/۲۰۴

ب) آداب باطنی ارتباط با قرآن کریم

مراد از آداب باطنی ارتباط با قرآن، آدابی است که به قلب و دل انسان مربوط می‌شود. این آداب عبارتند از:

۱- اخلاص در قرائت

هدف از قرائت و انس با قرآن، باید برخوردار بودن از هدایت آن و نزدیکی به خدا باشد؛ این گونه قرائت موجب افزایش ایمان و نهادینه شدن عمل صالح در انسان می‌شود. قرائت با اهداف و نیت‌های دنیایی چون خودنمایی، مشهور شدن و کسب جاه و مال، نه تنها اجری ندارد، بلکه غضب الهی را به دنبال دارد و مانع بهره‌مندی از هدایت قرآن می‌شود. همان اندازه که نیت صحیح، موجب نزدیکی قاری قرآن به پروردگار می‌شود، نیت باطل، او را از خدا دور خواهد کرد.

خدا در قرآن می‌فرماید :

وَ نُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا

و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید.

سوره اسراء/ ۸۲

یکی از دستورهایی که زمینه اخلاص در قرائت را برای قاری فراهم می‌کند، «استعاذه» و «تسمیه» قبل از قرائت قرآن است.

«استعاذه» به معنای «پناه بردن» است؛ به این معنا که قاری پیش از قرائت، از وسوسه‌های نفس و شیطان به خدا پناه ببرد و با خلوص نیت، قرائت خود را آغاز کند.

قرآن خود از استعاذه به عنوان یکی از آداب قرائت یاد می‌کند :

«تسمیه» نیز گفتن «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ»، پس از استعاذه است؛ چرا که هر امر مهمی بدون تسمیه، ابتر و ناقص خواهد بود.^۱ قاری پس از دل بردن از وسوسه‌های درونی، به وسیله تسمیه به خدا روی می‌آورد و توجه خود را به‌طور کامل به او معطوف می‌دارد.

پیامبر اسلام و ائمه معصوم علیهم‌السلام، خود از اولین عاملان به این ادب قرآنی بودند. ایشان برای قرائت یک آیه از قرآن کریم نیز استعاذه و تسمیه می‌کردند. درباره امام موسی کاظم علیه‌السلام چنین نقل شده است :

أَنَّهُ لَمَّا أَرَادَ أَنْ يَسْتَشْهَدَ بِآيَةٍ قَالَ:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ثُمَّ قَرَأَ الْآيَةَ^۲

۱- دانش‌آموزان عزیز، آیه مربوط به استعاذه را خود در این قسمت یادداشت کنید.

۲- كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُدْرَكُ بِسْمِ اللّٰهِ فِيهِ فَهُوَ أَبْتَرُ (وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۷۰).

۳- بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۱۰.

۲- تفکر و تدبر در آیات الهی

همان گونه که پیش از این دانستیم، قرآن به عنوان کتاب هدایت، نابترین برنامه هدایتی برای زندگی انسان را ارائه کرده که تنها راه رسیدن به این مفاهیم متعالی و بهره‌مندی از آن، دقت و تدبر در آیات است. از این رو قرآن خود همواره مسلمانان را به تدبر در آیاتش دعوت می‌کند:

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ **سوره ص/ ۲۹**

و کسانی را که در آیاتش تدبر نمی‌کنند، ملامت می‌کند.
تدبر و تفکر در قرآن به معنای توجه به معانی و مفاهیم آیات آن است که این، موجب تذکر و بهره‌مندی صاحبان اندیشه از هدایت قرآن می‌شود.

فعالیت کلاسی

این دعا از امام صادق علیه السلام را در کلاس برای دوستانتان ترجمه کنید^۱.

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ عِبَادَةً وَقِرَاءَتِي فِيهِ فِكْرًا وَفِكْرِي فِيهِ اعْتِبَارًا
وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ اتَّعَظَ بِبَيَانِ مَوَاعِظِكَ فِيهِ ...
وَلَا تَجْعَلْ قِرَاءَتِي قِرَاءَةً لَا تَدَّبَّرُ فِيهَا بَلْ اجْعَلْنِي أَتَدَّبَّرُ آيَاتِهِ
وَاحْكَامَهُ وَآخِذًا بِشَرَائِعِ دِينِكَ
وَلَا تَجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ غَفْلَةً وَلَا قِرَاءَتِي هَذْرًا إِنَّكَ أَنْتَ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ.^۲

بخش‌های این دعا با کدام یک از آداب ظاهری و کدام یک از آداب باطنی که تاکنون خواندیم، تناسب بیشتری دارد؟

۱- معانی برخی واژگان مشکل آن برای آسانی در ترجمه چنین است: اعتبار: عبرت‌گیری؛ هَدَّر: با سرعت و شتاب.

۲- بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۰۷.

۳- خشوع دل

از دیگر آداب باطنی قرائت این است که انسان وقتی قرآن می‌خواند، قلب و روحش را مخاطب آیات قرار دهد و تحت تأثیر آیات نورانی قرآن، دلش را خاشع گرداند؛ یعنی به حسب معانی موجود در آیات، قلبش تحت تأثیر قرار گیرد و در او رجاء و امید به وجود آید. قرآن مؤمنانی را که دل‌هایشان در اثر قساوت قلب در مقابل آیاتش خاشع نمی‌شود، سرزنش می‌کند:

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ ...

سوره حدید/۱۶

خشوع قلبی در مقابل آیات، بهره‌مندی از هدایت قرآن را نه تنها برای خواننده، بلکه برای شنونده نیز به دنبال خواهد داشت؛ چنانکه فضیل بن عیاض با شنیدن این آیه و ایجاد خشیت و خشوع در قلبش راه هدایت را بازیافت. قرائتی که رقت و خشوع قلبی را به دنبال دارد، معمولاً با صدایی حزین انجام می‌شود تا قلب و روح قاری تحت تأثیر مفاهیم آیات قرار گیرد. درباره قرائت امام کاظم علیه السلام چنین نقل شده است که:

وَكَانَتْ قِرَاءَتُهُ حَزَنًا^۱

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۰۶.

اندیشه و تحقیق

این روایات به کدامیک از آداب قرائت مربوط می باشد؟

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ:

لَيْسَ شَيْءٌ أَشَدَّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ الْقِرَاءَةِ فِي الْمُصْحَفِ نَظْرًا!

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِذَا خَتَمَ الْقُرْآنَ قَالَ:

اللَّهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْآنِ صَدْرِي، وَاسْتَعْمِلْ بِالْقُرْآنِ بَدَنِي،

وَنَوِّرْ بِالْقُرْآنِ بَصْرِي

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ « يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ »

فَقَالَ الْوُقُوفُ عِنْدَ ذِكْرِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ

آیات شریفه **سوره شمس** را بر اساس برنامه پیشنهادی دبیر محترم حفظ کنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ① وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا ②
 وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا ③ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ④
 وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ⑤ وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا ⑥
 وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ⑦ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا
 ⑧ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ⑨ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا
 ⑩ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ⑪ إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا
 ⑫ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ⑬
 فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدمدمَ عَلَيْهِم رُبُّهُم
 بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا ⑭ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ⑮



به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

- سوگند به خورشید و تابندگی اش» (۱)
 سوگند به مه چون بی [خورشید] رود» (۲)
 سوگند به روز هنگامی که آن [زمین] را روشن کند» (۳)
 سوگند به شب هنگامی که آن [زمین] را ببوشاند و فراگیرد» (۴)
 سوگند به آسمان و آن [مقتدری] که آن را برافراشت» (۵)
 سوگند به زمین و کسی که آن را گستراند» (۶)
 سوگند به نفس و کسی که آن را و بی کم و کاست قرار داد» (۷)
 سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به او الهام کرد» (۸)
 که هر کس آن را رشد دهد قطعاً رستگار خواهد شد» (۹)
 و هر کس آن [نفس] را در مسیر منفی قرار دهد نا کام خواهد ماند» (۱۰)
 [قوم] نمود به سبب طغیان گری شان، [پیامبرشان] را دروغگو شمردند (۱۱)
 آنگاه که شقی تریشان بر [یا] خاست» (۱۲)
 پس فرستاده خدا به آنان گفت ز نهار ماده شتر خدا و [نوبت] آب خوردنش را [حرمت نهید]» (۱۳)
 و [لی] دروغگویش خواندند و آن [ماده شتر] را بی کردند و پروردگارشان به [سزای] گناهشان بر سرشان عذاب آورد و آنان را با خاک یکسان کرد» (۱۴)
 و از پیامد کار خویش بیمی به خود راه نداد» (۱۵)

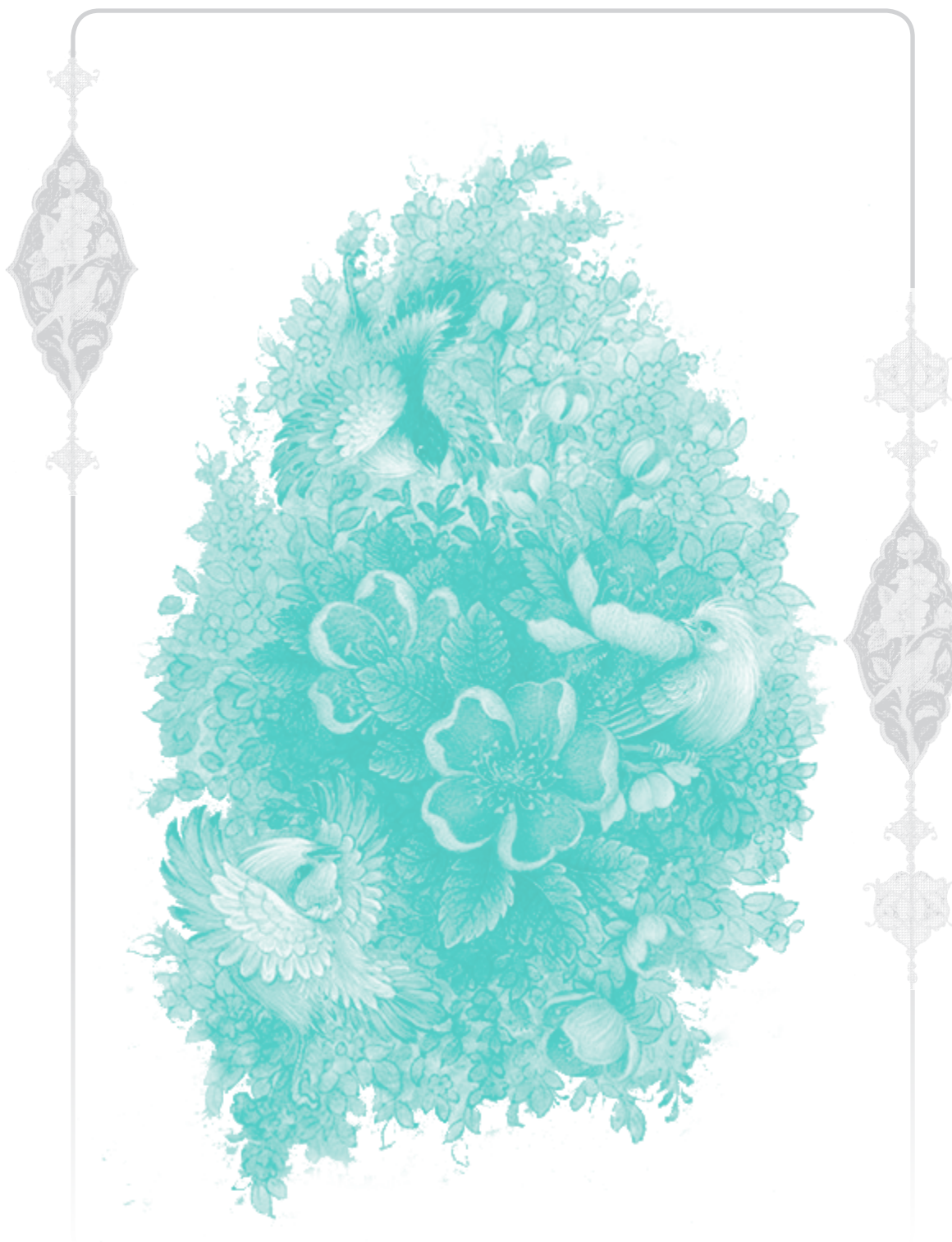
محتوای کلی سوره شمس

سوره شمس نود و یکمین سوره قرآن کریم است که مکی و ۱۵ آیه دارد.
 رسول خدا ﷺ در فضیلت این سوره فرموده اند: هر کس سوره شمس را قرائت نماید مانند آن است که به اندازه آنچه خورشید و ماه بر آن تأییده است صدقه داده است.^۱
 امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است: هر کس سوره شمس را قرائت کند در روز قیامت تمامی اعضای بدن او و اشیای کنار او به سود او گواهی می دهند و خداوند می فرماید: شهادت شما در مورد بنده ام می پذیرم و به او پاداش می دهم او را تا بهشت همراهی کنید تا هر آنچه که دوست دارد برگزیند نعمت های بهشتی بر او گوارا باشد.^۲
 رسول خدا ﷺ به اصحاب و یاران شان سفارش می کردند تا در نمازهای مختلف سوره شمس را قرائت نمایند.^۳

۱- مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۶۷

۲- نواب الاعمال، ص ۱۲۳

۳- بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۳۲۶





درس دوم



شامل:

۱ قرائت: آیات ۱۸ تا ۳۷ سوره حاقّه

۲ فصاحت و تجوید: حرکات کشیده

۳ علوم قرآنی: علوم قرآن

۴ حفظ نور: سوره بینه

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ﴿١٨﴾ فَأَمَّا
مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَٰؤُلَاءِ مَا أقرءوا
كِتَابِيهِ ﴿١٩﴾ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلِقٌ حِسَابِيهِ ﴿٢٠﴾
فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿٢١﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿٢٢﴾
قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ﴿٢٣﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ
فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ ﴿٢٤﴾ وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ
فَيَقُولُ يُلَيِّتَنِي لَمْ أُوْتِ كِتَابِيهِ ﴿٢٥﴾ وَلَمْ أَدْرِ
مَا حِسَابِيهِ ﴿٢٦﴾ يُلَيِّتُهَا كَانَتْ الْقَاضِيَةَ ﴿٢٧﴾ مَا اغْنَىٰ
عَنِّي مَالِيهِ ﴿٢٨﴾ هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيهِ ﴿٢٩﴾ خُدُوهُ
فَعُغْلُوهُ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلَّوهُ ﴿٣١﴾ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا
سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ﴿٣٢﴾ إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ
بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ﴿٣٣﴾ وَلَا يَحْضُرُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ
﴿٣٤﴾ فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هُنَا حَمِيمٌ ﴿٣٥﴾ وَلَا طَعَامٌ
إِلَّا مِنْ غِسْلِينَ ﴿٣٦﴾ لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ ﴿٣٧﴾

صحت ، فصاحت و تجوید حرکات کشیده

حرکات کشیده به شکل (ای و) نوشته می‌شوند ، و به آنها **حروف مدی** می‌گویند .

الف مدی : از نظر فصاحت و تجوید ، مانند فتحه دو حالت دارد :

با ۲۰ حرف (آ با تا ثا جا حا دا ذ ا سا شا عا فا کا لا ما نا وا ها یا)

شبهه **ـ ولی کشیده** تلفظ می‌گردد ، یعنی الف به حالت نازک تلفظ می‌شود ، مانند :

أَلِ حَتَّى النَّفَّاثَاتِ جَاءَ سُبْحَانَ يَدَا إِذَا زَلْزَلَهَا سَافِلِينَ
شَانِيكَ الْعَالَمِينَ بَرَكَاتُ إِلَهَ مَالِكِ عَلَيْنَا تَوَابًا إِيَّاكَ

ولی با ۸ حرف دیگر ، الف مدی به طور معمولی خوانده می‌شود .

در اصطلاح تجوید ، به نازک تلفظ کردن حروف و حرکات « **ترقیق** » می‌گویند .

اگر روی الف ، علامت مد باشد (آ) کشش آن دو تا سه برابر افزایش می‌یابد ، مانند :

وَلَا الضَّالِّينَ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ

یاء مدی : به طور معمولی خوانده می‌شود ، ولی از نظر تجوید ، در مواردی که روی

آن علامت مد باشد (یـ یـ) کشش آن دو تا سه برابر افزایش می‌یابد ، مانند :

سِيءَ جِيءَ سَيِّئَت

واو مدی : به طور معمولی خوانده می‌شود ، ولی از نظر تجوید ، در مواردی که

روی آن علامت مد باشد (وـ وـ) کشش آن دو تا سه برابر افزایش می‌یابد ، مانند :

سَوْءٍ تَبَوَّأَ أَتْحَاجَّوْنِي

تمرین : آیات درس و اذکار نماز را با رعایت فصاحت و کشیدگی حروف مد بخوانید .



علوم قرآنی

علوم قرآن

قرآن کریم برای راهنمایی بشر از سوی خدا نازل شده است و مردم را به استوارترین راه‌ها هدایت می‌کند:

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمُ

سوره اسراء/۹

پیش از این دانستیم که برای بهره‌مندی از هدایت قرآن و عمل به دستورهای آن، ابتدا باید مقصود آیات را به خوبی بفهمیم که این کار در علمی به نام «تفسیر»، دنبال می‌شود. مفسر پس از تحصیل «علوم مورد نیاز»، در جهت کشف معانی آیات تلاش می‌کند تا دیگران را پیش از گذشته با جنبه‌های هدایتی قرآن آشنا سازد.

مجموعه علمی که مفسر برای فهم قرآن به آن نیاز دارد، به عنوان «علوم قرآن» شناخته می‌شود که امروزه به عنوان یک رشته علمی به آن توجه می‌شود. دانش‌هایی که در این رشته علمی مطرح شده است، با شناخت جنبه‌ها و ویژگی‌های گوناگون قرآن، به مفسر در فهم عمیق‌تر و صحیح‌تر آیات یاری می‌رساند.

جنبه‌های گوناگون قرآن :

قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی، از جنبه‌ها و ویژگی‌های گوناگونی برخوردار است که هر یک از «علوم قرآن» از یکی از این جنبه‌ها به مطالعه قرآن می‌پردازد. برخی از مهمترین این جنبه‌ها عبارت است از :

۱ جنبه هدایت‌گری؛ قرآن کریم از این جنبه، سخنی است دارای معنا و مقصود که به دنبال هدایت بشر است.

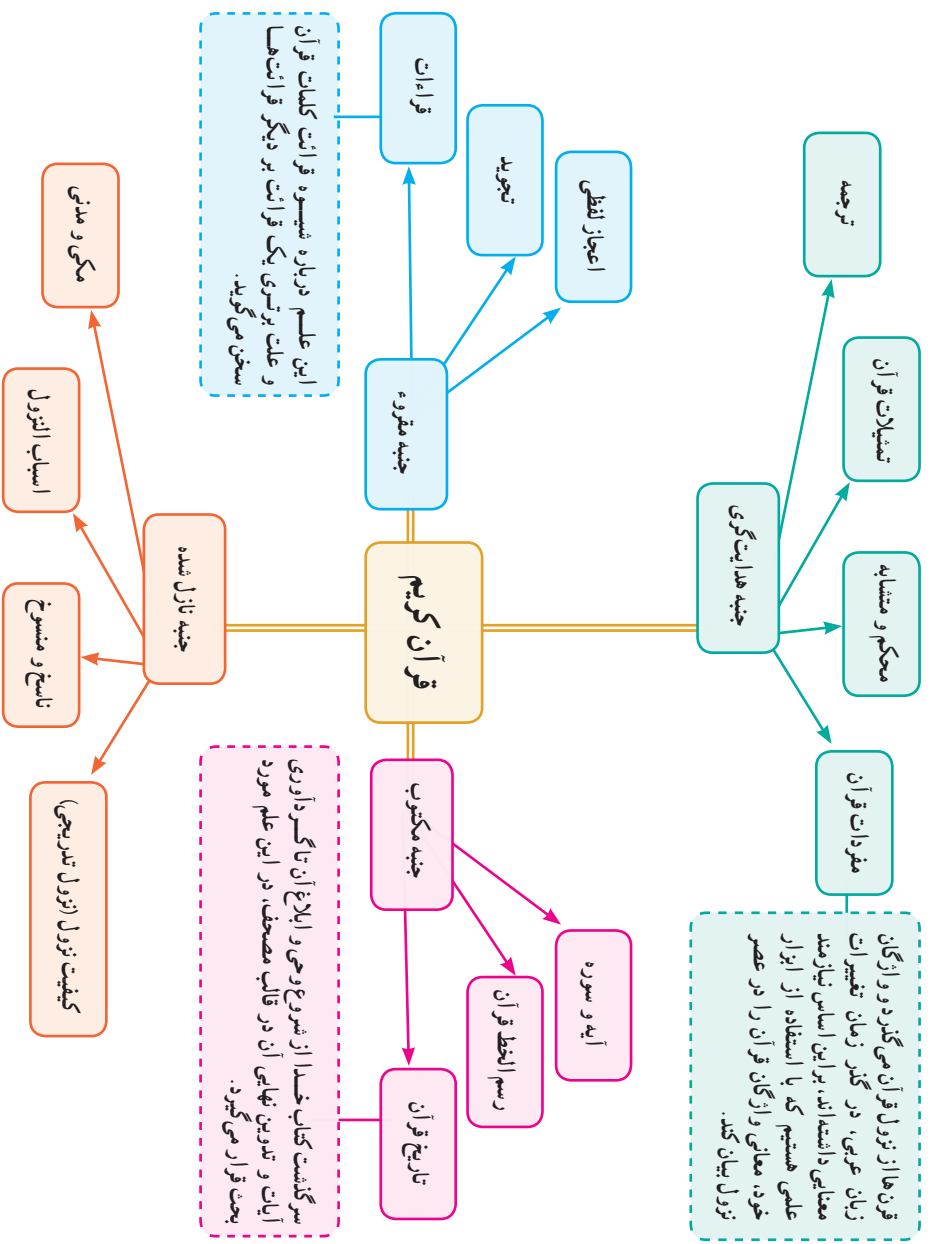
۲ جنبه مقروء (خواندنی بودن)؛

۳ جنبه مکتوب (نوشتاری بودن)؛

۴ جنبه نازل شده؛

در تصویر ارائه شده، تعدادی از مهمترین علوم قرآن، مرتبط با هر یک از این جنبه‌ها معرفی شده است.^۱

۱- به دلیل محدودیت‌های موجود، تنها تعدادی از علوم قرآن در اینجا تعریف شده است. برای مطالعه درباره دیگر علوم قرآن، که در تصویر از آنها نام آورده شده است، می‌توانید به کتاب‌های علوم قرآن از جمله «علوم قرآنی» اثر آیت الله معرفت مراجعه کنید.



فعالیت کلاسی

سال گذشته، با مبحثی در زمینه «کتابت قرآن» و نیز «شان نزول آیات» آشنا شدید. به نظر شما این موضوعات بیشتر ذیل کدام یک از جنبه‌های ارائه شده در تصویر قرار می‌گیرند؟

یک نمونه از تأثیر شناخت «مفردات قرآن» در فهم آیه

مفسّر با آگاهی نسبت به هر یک از علوم قرآن، فهم دقیق‌تر و صحیح‌تری از آیات قرآن خواهد داشت.

به این نمونه توجه کنید. به نظر شما معنای آیه «وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ» چیست؟ بسیاری از مفسران و مترجمان قرآن، آیه را این‌گونه معنا کرده‌اند: «و (دیگران را) به اطعام مسکین تشویق نمی‌کند» ماعون/۲

این درحالی است که برخی از مفسران با تسلط بر علم «شناخت مفردات قرآن» و ریشه‌یابی واژگان در عصر نزول، ترجمه دیگری از آیه ارائه کرده‌اند که با ترجمه مشهور آن تفاوت دارد. ریشه «حضض» در اصل به معنای «جدا کردن و تخصیص یک چیز» است که با در نظر گرفتن این معنا، ترجمه دقیق‌تر آیه چنین می‌شود: «و چیزی (از اموال خود) برای اطعام مسکین جدا نمی‌کند.»

فعالیت کلاسی

یکی دیگر از علومی که به فهم دقیق تر از قرآن کمک می کند، «اسباب النزول» است .

با توجه به آنچه در سال گذشته درباره این علوم خواندید، آگاهی از مبحث «اسباب النزول» چگونه به فهم دقیق تر از آیات قرآن کمک می کند؟

نسبت «علوم قرآن» با «معارف قرآن»

محققان دو نوع دانش کلی درباره آیات قرآن مطرح نموده اند :

■ دانش هایی که از دل آیات و سوره های قرآن استخراج می شود و در واقع نوعی تفسیر موضوعی از قرآن به شمار می رود؛ نظیر خداشناسی در قرآن، جهان شناسی در قرآن، نبوت در قرآن و....

■ دانش هایی که محتوای آنها مستقیماً در آیات قرآن نیامده است، بلکه در پیرامون و بیرون قرآن مطرح شده و به طور خاص در خدمت فهم قرآن و دریافت معارف آن است؛ مانند اسباب النزول، مکی و مدنی و....

دانش های دسته اول، «معارف قرآن» نامیده می شوند؛ در حالی که دانش های دسته دوم به «علوم قرآن» مشهور شده است.

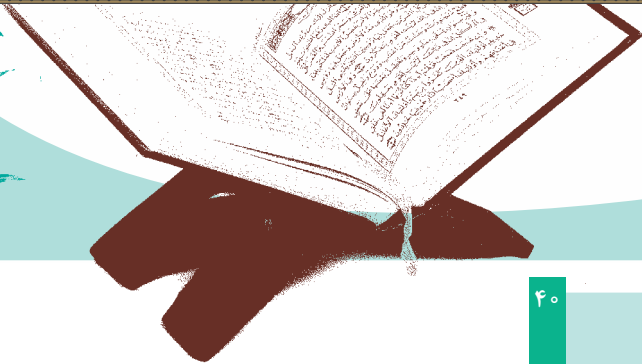
اندیشه و تحقیق

هر یک از این کتاب‌ها در کدام دسته؛ «علوم قرآن» یا «معارف قرآن»
قرار می‌گیرد؟

تفسیر و مفسران؛ اثر آیت الله معرفت
آشنایی با قرآن؛ اثر شهید مطهری؛ جلد اول
قرآن‌شناسی؛ اثر آیت الله مصباح یزدی
آشنایی با قرآن؛ اثر شهید مطهری؛ جلد هشتم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ
 مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ❶ رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُوا
 صُحُفًا مُطَهَّرَةً ❷ فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ ❸ وَمَا تَفَرَّقَ
 الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ
 ❹ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ
 حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ
 دِينُ الْقِيمَةِ ❺ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
 وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ
 هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ❻ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ❼ جَزَاءُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ
 جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا
 رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ❽



به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

کافران اهل کتاب [از روش غلط خود] به هیچ روی دست بردار نبودند، مگر اینکه دلیلی آشکار برایشان بیاید»^۱ [آن دلیل آشکار عبارت است از] فرستاده‌ای از جانب خدا که [بر آنان] صحیفه‌هایی پاک را تلاوت می‌کند»^۲ که در آنها نوشته‌های استوار [و به دور از کژی و انحراف] است»^۳ و اهل کتاب دستخوش پراکندگی [از محور حق] نشدند مگر پس از آنکه برهان آشکار برای آنان آمد»^۴ و فرمان نیافته بودند جز این دستور که خدا را بپرستند و در حالی که به توحید گراییده‌اند طاعت و فرمان برداریشان را ویژه او گردانند و نماز برپا دارند و زکات بدهند و دین [ثابت و] پایدار همین است»^۵ کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیده‌اند و [نیز] مشرکان در آتش دوزخند در حالی که در آن جاودانه اند. اینانند که بدترین آفریدگانند»^۶ در حقیقت کسانی که [به حق] گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند آنانند که بهترین آفریدگانند»^۷ پاداش آنان نزد پروردگارشان باغهای همیشگی است که از زیر [درختان] آن نهرها روان است جاودانه در آن همی مانند خدا از آنان خشنود است و [آنان نیز] از او خشنود این [پاداش] برای کسی است که از پروردگارش بترسد»^۸

محتوای کلی سوره بینه

سوره بینه نود و هشتمین سوره قرآن است که مدنی و ۸ آیه دارد و به نام‌های «الْبَرِيَّةُ» و «لَمْ يَكُنْ» نیز شهرت دارد.

در فضیلت این سوره از رسول خدا ﷺ روایت شده است: هر که سوره بینه را قرائت کند از مشرکان به دور است و جزو پیروان دین محمد ﷺ بوده و خداوند او را به مؤمن محشور کرده و به آسانی از او حسابرسی می‌کند.^۲

از رسول خدا ﷺ نقل شده است: وقتی خداوند قرائت این سوره را می‌شنود می‌گوید به بنده من بشارت دهید به عزت و جلالم سوگند چنان بهشت را برای تو فراهم می‌کنم که راضی شوی.^۳

۱- درمان با قرآن، ۱۵۵

۲- نواب الاعمال، ص ۱۲۴

۳- الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۷





درس سوم



شامل:

۱ قرائت: آیات ۱ تا ۱۰ سوره جن

۲ فصاحت و تجوید: الف همزه و باء

۳ علوم قرآنی: آیه و سوره

۴ حفظ نور: سوره فجر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قُلْ اَوْحٰی اِلَیَّ اَنْهٗ اَسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوْا
اِنَّا سَمِعْنَا قُرْاٰنًا عَجَبًا ﴿۱﴾ یَهْدٰی اِلَی الرُّشْدِ فَاَمَّا بِهٖ
وَ لَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا اَحَدًا ﴿۲﴾ وَ اَنْهٗ تَعْلٰی جَدُّ رَبِّنَا
مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَّلَا وَلَدًا ﴿۳﴾ وَ اَنْهٗ كَانَ یَقُوْلُ
سَفِیْهُنَا عَلٰی اللّٰهِ شَطَطًا ﴿۴﴾ وَ اِنَّا ظَنَنَّا اَنْ لَّنْ
تَقُوْلَ الْاِنْسُ وَالْجِبُّ عَلٰی اللّٰهِ كَذِبًا ﴿۵﴾ وَ اَنْهٗ
كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْاِنْسِ یَعُوذُوْنَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ
فَزَادُوْهُمْ رَهَقًا ﴿۶﴾ وَ اَنْهٗمْ ظَنُّوْا كَمَا ظَنَنْتُمْ
اَنْ لَّنْ یَبْعَثَ اللّٰهُ اَحَدًا ﴿۷﴾ وَ اِنَّا لَمَسْنَا السَّمٰوٰتِ
فَوَجَدْنَهَا مَلِیَّتٍ حَرَسًا شَدِیْدًا وَ شُهَبًا ﴿۸﴾ وَ اِنَّا
كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ یَسْتَمِعِ الْاَنَّ
یَجِدْ لَهُ شُهَابًا رَّصَدًا ﴿۹﴾ وَ اِنَّا لَآ نَدْرِی اَشْرًا اُرِیْدَ
بِمَنْ فِی الْاَرْضِ اَمْ اَرَادَ بِهٖمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا ﴿۱۰﴾

صحت ، فصاحت و تجوید حروف الف همزه و باء

الف همزه: معمولاً درست خوانده می‌شود، ولی از نظر فصاحت و تجوید، باید با تیزی

و ظرافت تلفظ شود، مانند:

اللَّهُ أَكْبَرُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

در اصطلاح تجوید، به تیزی الف همزه «**نَبْر**» می‌گویند.

الف همزه ساکن باید با دقت تلفظ شود؛ نه سست باشد و نه با تکان، مانند:

مَا كُولٍ مُؤَصَّدَةٌ بِئْسَ

دو نکته: در سوره مبارکه حُجُرَات، آیه ۱۱، در جمله «**بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ**»

الف دوم نیز همزه وصل بوده و ناخواناست؛ و برای التقاء ساکنین، لام مکسور می‌شود:

بِئْسَ الْإِسْمُ ← بِئْسَ لِسْمٍ

در سوره مبارکه فُصِّلَتْ، آیه ۴۴، در جمله «**أَأَعْجَبِي**» **الف دوم**، بدون نبر، نرم و

شبيه فتحه تلفظ می‌شود. در اصطلاح تجوید، به این حالت «**تسهیل**» می‌گویند.

باء: معمولاً درست خوانده می‌شود، ولی از نظر فصاحت و تجوید، **باء ساکن** با تکان

کوچکی تلفظ می‌گردد، تا صدای آن به طور واضح بیان شود، مانند:

سُبْحَانَ عَبْدِهِ صَبِحًا صَبِحًا الْأَيْتُرُ فَاَنْصَبَ فَاَرْعَبَ

در حالت وقف که باء ساکن می‌شود نیز، با تکان کوچک تلفظ می‌گردد، مانند:

وَقَبَ ← وَقَبٍ لَهَبٍ ← لَهَبٍ تَبَّ ← تَبَّ

در اصطلاح تجوید، به این تکان کوچک «**قَلْقَلَه**» می‌گویند.

نکته: در سوره مبارکه هود، آیه ۴۲، در جمله «**يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا**» باء ساکن نزد

میم، ادغام شده و به میم تبدیل می‌گردد.

تمرین: آیات درس و اذکار نماز را با رعایت فصاحت و تجوید حروف بخوانید.



علوم قرآنی

آیه و سوره

پیش از این دانستیم قرآن کریم، از آن جهت که قانون و دستورالعمل مکتوب برای هدایت بشر است، به عنوان «کتاب» مشهور شده است. وقتی این «کتاب» آسمانی را می‌گشاییم، می‌بینیم که عبارات آن با طبقه‌بندی خاصی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، و واحدها و بخش‌های جدا از هم را تشکیل داده‌اند. کلمات و عبارات قرآنی در کنار یکدیگر، واحدی به عنوان «آیه» و مجموع آیات در کنار یکدیگر، واحدی با نام «سوره» را شکل داده‌اند.

فکر می‌کنید چرا قرآن این‌گونه طبقه‌بندی شده است؟ چه کسی این تقسیم را انجام داده است؟ چرا این واحدها با عنوان «آیه» و «سوره» مشهور شده است؟

بحث درباره این دو واحد قرآنی، به منظور پاسخ‌گویی به این سؤالات و دیگر سؤالات مشابه، یکی از اولین مباحثی است که در کتاب‌های علوم قرآن به آن پرداخته شده است.

■ آیه

تعریف «آیه»

«آیه»، متنی قرآنی است که بر اساس تعلیم پیامبر اکرم ﷺ از عبارات قبل و بعد خود، جدا شده است. پیامبر اسلام ﷺ پس از دریافت وحی، به دقت محدوده آیات قرآن را برای کاتبان وحی مشخص می‌کردند تا بعدها اشتباه یا اختلافی به وجود نیاید.

هر آیه قرآن، در همان حد کوتاه و محدود خود و در کنار آیات دیگر، از نظر لفظ و مفهوم نشانه‌ای آشکار بر صدق و راستی آورنده آن است و از همین رو به عنوان «آیه» نامیده شده است. استفاده از این واژه برای بخش‌های مشخصی از قرآن، از خود این کتاب آسمانی الهام گرفته شده است:

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ

سوره ص/ ۲۹

این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیه‌های آن تدبیر کنند و خردمندان متذکر شوند.

ترتیب آیات در سوره‌ها

در دوران نزول قرآن، آیات هر سوره به‌دستور پیامبر ﷺ و با نظارت ایشان در کنار هم قرار می‌گرفت و هیچ‌یک از کاتبان وحی، اجازه اجتهاد در این زمینه را نداشتند؛ یعنی نمی‌توانستند بر اساس نظر خود، جای قرار گرفتن آیات در سوره‌ها را تغییر دهند. بر این اساس تمامی دانشمندان، قرار گرفتن آیات را در هریک از سوره‌ها «توقیفی» می‌دانند. اصطلاح «توقیفی» در مقابل «اجتهادی» قرار دارد و زمانی به کار می‌رود که تکلیف یک مطلب از سوی خداوند یا معصومین علیهم‌السلام مشخص شده و کسی اجازه دخالت و اظهار نظر شخصی در مورد آن را نداشته باشد.

آیات نامدار

برخی از آیات قرآنی متناسب با موضوع خاصی که در آنها مطرح شده، به نام خاصی مشهور شده‌است. این نام‌ها از سوی مفسران و دانشمندان علوم قرآنی برای آیات انتخاب شده‌است تا به اهمیت موضوعی اشاره کند که در آیه مطرح شده است.

برخی از آیات نامدار عبارت است از :

- ۱ آیه الکرسی: اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ... وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ... وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ بقره/۲۵۵
- ۲ آیه ذکر: ...فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ نحل/۴۳
- ۳ آیه نفی سبیل: ...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا نساء/۱۴۱

فعالیت کلاسی

با کمک دبیر خود، این آیات را در قرآن پیدا کنید و در کلاس بخوانید.
آیه «ولایت» آیه «تطهیر» آیه «استعاذه» آیه «تبلیغ»

سوره

تعریف (سوره)

«سوره» بخش مستقلی از قرآن کریم است که مانند یک دیوار، تعدادی آیه را در خود جای می‌دهد و با «بسم الله الرحمن الرحيم» از بخش بعدی جدا می‌شود.^۱
محدوده هر سوره، «توقیفی» است و با دستور و تعلیم پیامبر اسلام ﷺ مشخص شده است. در آن هنگام که آیات قرآن نازل می‌شد، پیامبر اکرم ﷺ، علاوه بر ترتیب آیات، محدوده هر سوره را نیز مشخص می‌کردند تا آیات یک سوره در سوره دیگر قرار نگیرد. همین دقت و اهتمام ایشان موجب شد در میان نسخه‌های متعدد قرآن، اختلافی به وجود نیاید.
استفاده از واژه «سوره» نیز مانند واژه «آیه» می‌تواند الهام گرفته از خود قرآن باشد :

سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ
(این) سوره ای است که آن را نازل کردیم و (عمل به آن را) واجب نمودیم و در آن آیات
روشنی نازل کردیم؛ شاید شما متذکر شوید. سوره نور/۱

۱- البته این تعریف دو استثناء دارد: سوره «توبه» که با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز نمی‌شود و سوره «نمل» که این عبارت در خلال آیات آن به کار رفته است و نشان‌دهنده آغاز سوره بعدی نیست.

ارتباط و هماهنگی میان آیات هر سوره

سوره‌های قرآن، اهداف و موضوعات تربیتی گوناگونی را در راستای هدایت بشر مورد توجه قرار داده‌اند. آیات هر سوره، متناسب با اهداف تربیتی مطرح شده در آن سوره در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. از این رو میان آیات هر سوره ارتباط مفهومی و هم‌بستگی خاصی برقرار است، تا اهداف مورد نظر تحقق پیدا کند.

میان آیات یک سوره، دو گونه ارتباط و هماهنگی وجود دارد :

الف) ارتباط میان دسته‌ای از آیات یک سوره که موضوعی خاص را بیان می‌کند.
ب) ارتباط میان مجموع آیات یک سوره که هدف یا اهداف تربیتی مشخصی را دنبال می‌کند و پس از رسیدن به آن، سوره به پایان می‌رسد.
برخی از مفسران به منظور ارائه تفسیری دقیق‌تر، آیات یک سوره را به چند بخش تقسیم و آیات هر قسمت را در کنار یکدیگر تفسیر می‌کنند؛ سپس با قرار دادن این بخش‌ها در کنار یکدیگر، مفهوم کل سوره را بیان می‌کنند.

ملاک تقسیم‌بندی این آیات، اهداف و موضوعات جزئی ارائه شده در هر سوره است. با قرار گرفتن این موضوعات جزئی در کنار یکدیگر، هدف یا اهداف کلی سوره مشخص می‌شود.
ارتباط نوع اول، به هماهنگی میان آیات در هر قسمت جزئی اشاره می‌کند و ارتباط نوع دوم، هماهنگی میان کل آیات سوره را مورد توجه قرار می‌دهد.

به عنوان نمونه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، آیات سوره «جمعه» را به دو بخش کلی تقسیم می‌کند و به تفسیر آنها می‌پردازد. ایشان هدف تربیتی کل سوره را تشویق مؤمنان به نماز جمعه - به عنوان یکی از دستورهای اساسی قرآن - می‌داند که این دو بخش، این هدف را دنبال می‌کند :

■ **بخش اول : آیات اول تا هشتم؛** خداوند در این آیات، پیامبر ﷺ را به عنوان هدایتگر مسلمانان معرفی می‌کند؛ کسی که کتاب آسمانی و حکمت را به آنها می‌آموزد. آنها نیز برای رسیدن به سعادت، باید به دستورهای آن عمل کنند. سپس به آنها هشدار می‌دهد که مانند یهودیان نباشند که خداوند کتاب آسمانی را به ایشان داد؛ اما آنها به معارف کتاب خدا و احکامش عمل نکردند و در نتیجه مانند الاغی بارکش شدند و از راه سعادت بازماندند و به بیراهه رفتند.

■ **بخش دوم : آیات نهم تا یازدهم؛** این آیات به یکی از دستورهای اساسی قرآن برای هدایت انسان‌ها - نماز جمعه - اشاره می‌کند و مسلمانان را به برپایی آن دستور می‌دهد. سپس مسلمانانی را که تجارت را بر نماز جمعه ترجیح می‌دهند، سرزنش می‌کند و رفتارشان را نشانه عدم پذیرش کامل معارف کتاب خدا و احکامش می‌داند^۱.

براین اساس، دو نوع هماهنگی و ارتباط میان آیات سوره جمعه به چشم می‌خورد :
الف) ارتباط میان آیات هر یک از بخش‌ها (آیات اول تا هشتم با هم و آیات نهم تا یازدهم نیز با یکدیگر)
ب) ارتباط میان آیات کل سوره در رساندن هدف تربیتی سوره (تشویق مسلمانان به برپایی نماز جمعه)

فعالیت کلاسی

آیات سوره «مطففین» را یک‌بار بخوانید. به نظر شما آیات این سوره به چند بخش جزئی قابل تقسیم است؟

نام سوره‌های قرآن

در قرآن‌های امروزی، هر سوره نام مشخصی دارد. این نام‌ها اغلب از مطالب بیان شده در هر سوره گرفته شده است؛ برای نمونه، سوره بقره به این دلیل به این نام نامیده شده که جریان گاو بنی اسرائیل در آن بیان شده؛ یا سوره انعام از آن سبب به این نام خوانده شده که در آن درباره چهارپایان و احکام آنها بحث شده است؛ همچنین سوره «تکویر» از آن جهت به این نام مشهور شده که در آن به تکویر (درهم بیچیدن) خورشید به عنوان یکی از نشانه‌های روز قیامت اشاره شده است.

۱- برای مطالعه بیشتر، مراجعه کنید به : المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۲۶۳.

فعالیت کلاسی

با دوستان خود گفت‌وگو کنید که چرا این سوره‌ها به این نام‌ها خوانده شده‌است؟

هود مؤمنون فتح نساء

اندیشه و تحقیق

برخی از سوره‌ها در قالب یک مجموعه، نام جدایی گرفته‌است. به عنوان نمونه سوره‌هایی که با حروف مقطعه «حم» آغاز شده‌است، به عنوان «حوامیم» مشهور شده‌است. تحقیق کنید هر یک از این مجموعه‌ها، شامل کدام سوره‌ها است؟

حامدات ؛ عَزَائِم ؛ مُسَبِّحات ؛ مُعَوِّذَتین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْفَجْرِ ۝١
 وَ لَيَالٍ عَشْرٍ ۝٢
 وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ۝٣
 وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرَ ۝٤
 هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ ۝٥
 أَلَمْ تَرَ كَيْفَ
 فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ۝٦
 إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ۝٧
 الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا
 فِي الْبِلَادِ ۝٨
 وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ۝٩
 وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ۝١٠
 الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ۝١١
 فَأَكْثَرُوا
 فِيهَا الْفُسَادَ ۝١٢
 فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ۝١٣
 إِنَّ
 رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ۝١٤
 فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ
 فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ۝١٥
 وَأَمَّا إِذَا
 مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ۝١٦
 كَلَّا بَلْ
 لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ ۝١٧
 وَلَا تَحْضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ ۝١٨
 وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا ۝١٩
 وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ۝٢٠
 كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ۝٢١
 وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ
 صَفًّا صَفًّا ۝٢٢
 وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ
 وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ۝٢٣
 يَقُولُ يَلَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ۝٢٤
 فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ۝٢٥
 وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ۝٢٦
 يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ۝٢٧
 ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ
 رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ۝٢٨
 فَادْخُلِي فِي عِبْدِي ۝٢٩
 وَادْخُلِي جَنَّتِي ۝٣٠

به نام خداوند بخشنده بخشایسگر

سوگند به سپیده دم [دهم ذی الحجه] «۱» سوگند به شبهای دهگانه [دهه اول ذی الحجه] «۲» سوگند به جفت [هشتم ذی الحجه] و فرد [نهم ذی الحجه] «۳» سوگند به شب وقتی سپری شود. «۴» آیا در این [قسمها] برای خردمند [نیاز به] سوگندی [دیگر] است «۵» مگر نمی دانی که پروردگارت با عاد چه کرد؟ «۶» با عمارات ستون دار [ساختمان های بلند] ارم [شهر قوم عاد] «۷» که مانندش در شهرها ساخته نشده بود «۸» و [آیا نمی دانی که خدا] با ثمود چه کرد؟ همانان که در وادی القری تخته سنگ ها را می بریدند [و در کوه ها خانه می ساختند] «۹» و با فرعون صاحب خرگاه ها [و بناهای بلند] چه کرد؟ «۱۰» همانان که در شهرها سر به طغیان برداشتند «۱۱» و در آنها بسیار تبهکاری کردند «۱۲» [تا آنکه] پروردگارت بر سر آنان تازیانه عذاب را بی در پی فرود آورد «۱۳» زیرا پروردگارت تو قطعاً در کمین [طغیانگران] است «۱۴» اما انسان هنگامی که پروردگارش وی را می آزماید و عزیزش می دارد و نعمت فراوان به او می دهد می گوید پروردگام مرا گرامی داشته است «۱۵» و اما چون وی را می آزماید و روزی اش را بر او تنگ می گرداند می گوید پروردگام [به من بی توجهی کرده و] مرا خوار کرده است «۱۶» اما چنین نیست، بلکه یتیم را گرامی نمی داری «۱۷» و برای اطعام مسکین، چیزی [از اموال خود] جدا نمی کنی «۱۸» و میراث [ضعیفان] را چپاولگرانه می خوری «۱۹» و مال را دوست دارید دوست داشتنی بسیار «۲۰» آری، هرگز توانگری نشانه عزت و کرامت و بی‌نوازی نشانه خواری نزد خدا نیست آنگاه که زمین سخت در هم کوبیده و خرد شود «۲۱» و [فرمان] پروردگارت و فرشته [ها] صف در صف آیند «۲۲» و جهنم را در آن روز [حاضر] آورند آن روز است که انسان متوجه می شود [که نعمت ها و محنت ها همه وسیله آزمون الهی بوده است]، ولی این پندگیری برای او کجا سودمند است؟ «۲۳» گوید کاش برای زندگانی آخرت که حیات واقعی است [چیزی] پیش فرستاده بودم «۲۴» پس در آن روز هیچ کس چون عذاب کردن او عذاب نکند «۲۵» و هیچ کس چون در بند کشیدن او در بند نکند «۲۶» [و به آن کس که خدا را پرستش نموده و دلش را به یاد او آرام داشته است خطاب می شود: ای نفس مطمئنه «۲۷» خشنود و خدا بسند به سوی پروردگارت بازگردد در حالی که تو [به] پیشامدهایی که او برایت مقدر کرد و به احکام و آیینی که او برای تو مقرر داشت] خشنود بودی و خدا نیز از تو خشنود بود. «۲۸» و در میان بندگان [راستین] من درآی «۲۹» و در بهشت من داخل شو «۳۰»

محتوای کلی سوره فجر

سوره فجر هشتاد و نهمین سوره قرآن کریم است که مکی و دارای ۳۰ آیه است.

در فضیلت این سوره از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود قرائت کنید. زیرا این سوره، سوره امام حسین علیه السلام است. هر کس این سوره را قرائت نماید در روز قیامت در درجه امام حسین علیه السلام و همراه ایشان خواهد بود.^۱

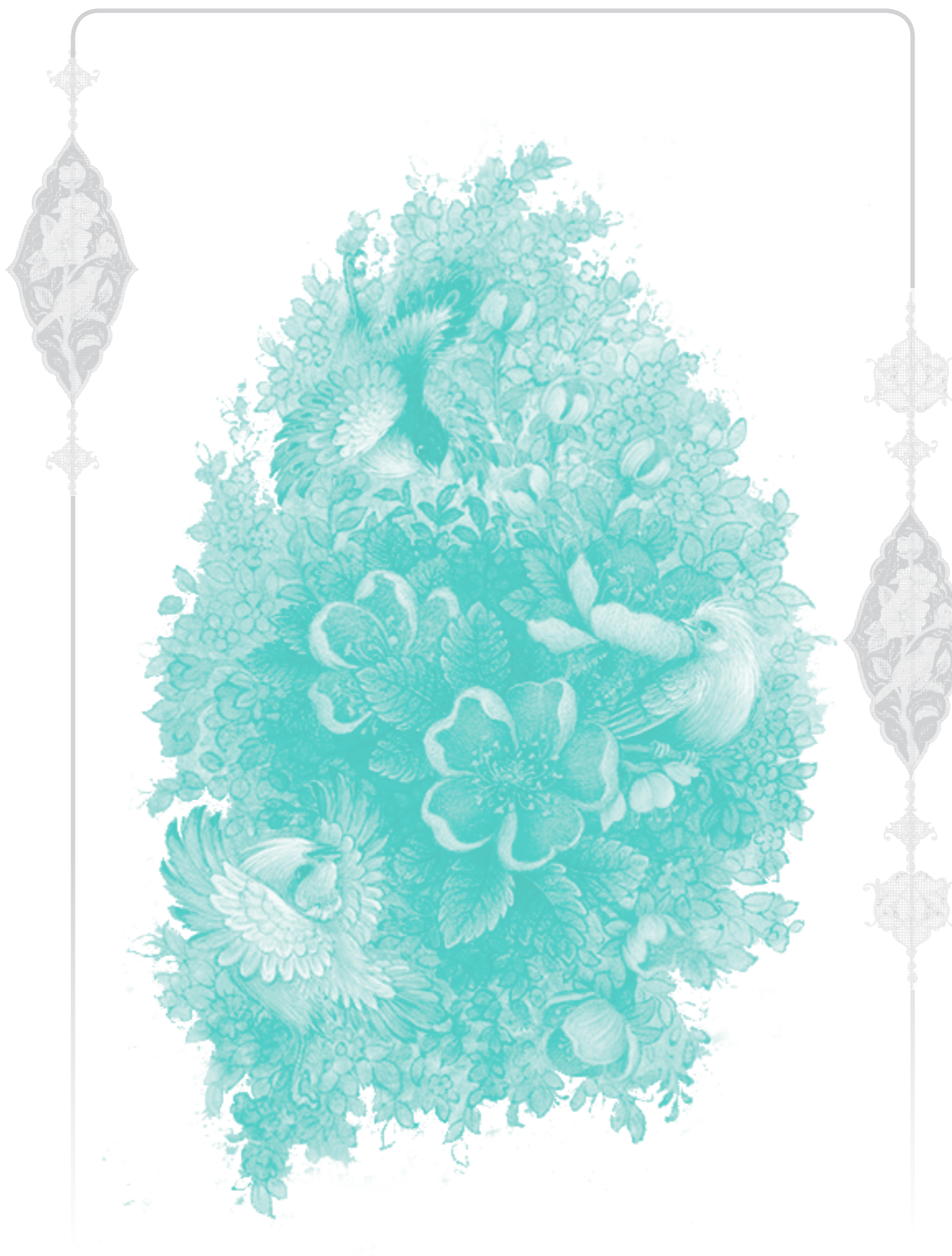
ابو اسامه می گوید: من در مجلسی که امام صادق علیه السلام این حدیث را فرمود حاضر بودم از ایشان پرسیدم: چگونه این سوره مخصوص امام حسین علیه السلام شد؟ فرمود: آیا این آیه را نشنیده‌ای: یا ایها النفس المطمئنة ارجعی الی... منظور از نفس مطمئنه امام حسین علیه السلام است.^۲

در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: هر کس سوره فجر را در دهه اول ماه ذی الحجه قرائت نماید گناهایش بخشیده می شود و اگر در غیر این ایام خوانده شود مایه نورانیت او در قیامت می گردد.^۳

۱- ثواب الاعمال، ص ۱۲۳

۲- بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۹۳

۳- مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۴۱



درس چہارم



شامل:

- ۱ قرائت: آیات ۱ تا ۸ سورہ شوریٰ
- ۲ فصاحت و تجوید: تاء، ناء و جیم
- ۳ علوم قرآنی: فواتح سور
- ۴ حفظ نور: سورہ عَبَس

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حَمَّ ۱ عَسَقَ ۲ كَذَلِكِ يُوْحٰى اِلَيْكَ

وَ اِلَى الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِكَ اللّٰهُ الْعَزِیْزُ الْحَكِیْمُ ۳

لَهُ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ وَ هُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ

۴ تَكَادُ السَّمٰوٰتُ یَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ ۵

وَ الْمَلٰٓئِكَةُ یُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یَسْتَغْفِرُوْنَ

لِمَنْ فِی الْاَرْضِ ۶ اِلَّا اللّٰهُ هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِیْمُ

۷ وَ الَّذِیْنَ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖ اَوْلِیَاءَ اللّٰهُ حَفِیْظُهُ

عَلَيْهِمْ وَ مَا اَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِیْلٍ ۸ وَ كَذَلِكِ

اَوْحٰیْنَا اِلَيْكَ قُرْاٰنًا عَرَبِیًّا لِتُنذِرَ اُمَّ الْقُرٰى

وَ مَنْ حَوْلَهَا وَ تُنذِرَ یَوْمَ الْجَمْعِ لَا رِیْبَ فِیْهِ ۹

فَرِیْقٌ فِی الْجَنَّةِ وَ فَرِیْقٌ فِی السَّعِیْرِ ۱۰ وَ لَوْ شَاءَ اللّٰهُ

لَجَعَلَهُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَ لٰكِنْ یُدْخِلُ مَنْ یَشَاءُ فِی

رَحْمَتِهٖ ۱۱ وَ الظَّالِمُوْنَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِیٍّ وَ لَا نَصِیْرٍ ۱۲

صحت ، فصاحت و تجوید حروف تاء، ثاء و جیم

تاء: معمولاً درست خوانده می‌شود، ولی از نظر، فصاحت و تجوید، نه تیز و مایل به دال است، و نه در اثر نزدیک شدن زبان به دندان، مایل به سین است، مانند:

دَسْتَعِينُ أَنْعَمْتَ آتِنَا

تاء ساکن نزد **دال** ادغام شده و به **دال** تبدیل می‌گردد، مانند: قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمْ

تاء ساکن نزد **طاء** نیز ادغام شده و به **طاء** تبدیل می‌گردد، مانند: وَقَالَتْ طَائِفَةٌ

ثاء: معمولاً با سین اشتباه می‌شود، و برای تلفظ صحیح آن، باید زبان بین دندان‌ها

قرار گیرد و نوک‌زبانی تلفظ شود، مانند: ثُمَّ بُعِثِرَ نَقْلَتَ فَأَنْزَرَ

از نظر فصاحت و تجوید، **ثاء** باید نازک تلفظ شود، مانند: الْكُوْثَرَ التَّكَاثُرُ

ثاء و **ذال** که هر دو نوک‌زبانی تلفظ می‌شوند، با **دمش‌ثاء** با سر زبان، از یکدیگر

متفاوت می‌گردند، مانند: مِثْقَالَ أَثْقَالِهَا فَحَدِّثْ

در اصطلاح تجوید، به **دمش‌ثاء** با سر زبان «**نَفْث**» می‌گویند.

جیم: تقریباً درست خوانده می‌شود، ولی از نظر فصاحت و تجوید، با تیزی ظرافت

خاص و بدون فشار تلفظ می‌گردد، تا خالص بوده و با **چ** و **ژ** مخلوط نشود. مانند:

جَاءَ جَمَعَ جَمْعًا جَوْعَ مَجِيدٌ وُجُوهُهُ أَخْرَجَ

جیم ساکن با **قلقله** تلفظ می‌شود، تا صدای آن به حالت ظریف بیان گردد، مانند:

أَجْرٌ يَجْعَلُ تَجْرِي رَجْعِهِ وَالْفَجْرِ حِجْرٍ تُجْرِي

در حالت وقف که **جیم ساکن** می‌شود نیز، با **قلقله** تلفظ می‌گردد، مانند:

أَزْوَاجٌ ← أَزْوَاجٌ بَهِيحٌ ← بَهِيحٌ فِي الْحَيِّجِ ← فِي الْحَيِّجِ

تمرین: آیات درس و اذکار نماز را با رعایت فصاحت و تجوید حروف بخوانید.

فواتح سُور

هنگامی که گوینده دانا و حکیمی لب به سخن می‌گشاید، کلام خود را چگونه آغاز می‌کند؟ چه اصول و آدابی را در سخن گفتن رعایت می‌کند؟ آیا ممکن است بی‌هدف یا بدون دقت در انتخاب مفاهیم سخن بگوید؟

او پیش از سخن گفتن، خوب می‌اندیشد؛ شیوه خاصی را در آغاز نمودن سخن خود انتخاب می‌کند؛ واژگان را به دقت به کار می‌برد و با آداب خاصی سخن خود را به پایان می‌رساند.

این اصول در قرآن نیز، که از سوی داناترین و حکیم‌ترین گوینده نازل شده، به بهترین وجه رعایت شده است. هر سوره آن متناسب با اهداف تربیتی خود به شیوه خاصی آغاز می‌شود و آیات آن با نظم و ترتیب مشخصی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرد تا با نهایت اثرگذاری بر مخاطب به پایان برسد.

در این میان شیوه‌ای که آیات هر سوره با آن آغاز می‌شود، اهمیت بسیاری دارد. آیات ابتدایی هر سوره نقش مهمی در همراه ساختن مخاطب با خود دارد و به عنوان مقدمه سوره می‌تواند موجب فهم و درک بهتر آیات آن شود.

به همین دلیل، مفسران و دانشمندان علوم قرآن، آغاز سوره‌های قرآن را با اهمیتی بیشتر و به عنوان موضوعی مستقل با نام «فواتح سُور» بررسی کرده‌اند.^۱ «فواتح سور» به دسته‌های گوناگونی تقسیم می‌شوند که تعدادی از مهمترین آنها را با یکدیگر مرور می‌کنیم:



۱- مانند کتاب «علوم القرآن»، اثر سیدمحمدباقر حکیم یا کتاب «نگرشی نوین بر تاریخ و علوم قرآنی»، اثر فائزه عظیم‌زاده و همکاران. برخی از دانشمندان نیز کتاب مستقلی در این زمینه تألیف کرده‌اند؛ مانند «الإعجاز القرآنی فی فواتح السور و خواتمها» اثر احمد محمد المغینی.

۱- حروف مقطعه :

بیست و نه سوره قرآن با حروف مقطعه آغاز می‌شود. منظور از «مقطعه» این است که در موقع تلفظ، حروف به هم نمی‌چسبند، بلکه نام هر حرف به تنهایی خوانده می‌شود؛ مثلاً عبارت «الم» به صورت «الف - لام - میم» تلفظ می‌شود.

مفسران، ایده‌ها و نظرات مختلفی را درباره این حروف مطرح کرده‌اند؛ که برخی از مهمترین آنها عبارت است از :

■ این حروف به این نکته اشاره می‌کنند که قرآن با آن عظمت و اعجازی که تمام سخنوران را متحیر کرده و از معارضه با آن ناتوان ساخته است، از جنس همین حروفی است که در اختیار همگان قرار دارد.

قرآن با استفاده از این حروف در ابتدای بعضی سوره‌ها به همگان اعلام می‌کند که اگر فکر می‌کنید سوره‌های قرآن ساخته بشر است، شما نیز با کمک این حروف، چیزی مانند آن بیاورید؛ از همین رو بلافاصله پس از حروف مقطعه در ابتدای سوره‌ها، به مفهوم «وحی» و «قرآن» اشاره می‌شود.

■ این حروف با اهداف و مقاصد سوره‌ها ارتباط دارند. اگر در سوره‌هایی که با حروف مقطعه یکسان آغاز شده است، تدبر و تفکر کنیم، می‌بینیم که همه آنها از نظر موضوعات و مقاصدی که به آن پرداخته است، با یکدیگر شباهت دارند. مثلاً اگر سوره‌هایی را که با «الم» یا سوره‌هایی را که با «حم» آغاز شده است در کنار هم قرار دهیم، می‌بینیم که این سوره‌ها اهداف و مقاصد تربیتی مشترکی را دنبال می‌کنند.

یا به عنوان مثالی دیگر، سوره اعراف که با حروف مقطعه «المص» آغاز شده است، اهداف و مقاصد سوره‌هایی را که با حروف مقطعه «الم» و «ص» آغاز شده است، در بردارد. اگر به این سوره‌ها مراجعه کنیم، می‌بینیم سوره‌هایی که با «الم» آغاز شده‌اند، عمدتاً به بیان موضوع «توحید» و «معاد» و اثبات آن دو برای انسان‌ها می‌پردازند. سوره «ص» نیز که با حرف مقطعه «ص» آغاز شده است، پیامبر اسلام ﷺ را اذار دهنده کافران به وسیله قرآن معرفی می‌نماید و سخنان باطل کافران را در مقابل پیامبر رد می‌کند؛ در حالی که سوره «اعراف»، که با حروف مقطعه «المص» آغاز شده است، به مجموع این موضوعات پرداخته است.^۱

۱- برای مطالعه بیشتر می‌توانید به ترجمه تفسیر المیزان، جلد هشتم، صفحات ۶-۴ مراجعه کنید.

بر این اساس، می‌توان چنین نتیجه گرفت که میان این حروف و اهداف و مقاصد این سوره‌ها ارتباط خاصی وجود دارد.

■ این حروف رمزی میان خداوند و پیامبر اسلام ﷺ است که از فهم و درک بشر دور است؛ چرا که معنا و مفهوم مشخصی در زبان عربی ندارند.

فعالیت کلاسی

سوره‌های «حوامیم» را در قرآن پیدا کنید. اولین آیاتی را که پس از عبارت «حم» آمده است، یک‌بار در گروه‌های خود مرور کنید. چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟ این نتیجه کدام یک از نظرات یاد شده را تقویت می‌کند؟

۲- قسم‌ها :

شانزده سوره از سوره‌های قرآن با قسم به یکی از پدیده‌ها و آفریده‌های الهی آغاز می‌شوند. هر گوینده برای اینکه مخاطب او از حقانیت و درستی مطلبی اطمینان یابد، در میان کلام خود از ابزار تأکید استفاده می‌کند. یکی از مهمترین و مؤثرترین ابزار تأکید، سوگند خوردن است. قسم یاد کردن، به قوم و ملت خاصی اختصاص ندارد و هر ملتی مطابق عقیده خود، اشیاء و موجودات خاصی را مقدس و مورد احترام می‌داند و در مقام اثبات مدعای خود به آن سوگند یاد می‌کند. در قرآن، که به زبان عربی نازل شده است، گاه برای تأکید بر اهمیت مطلب و نیز ایجاد اطمینان در مخاطب، از سوگند استفاده شده است.

تحقیق و بررسی درباره «سوگندهای قرآن» یکی دیگر از موضوعاتی است که مورد توجه مفسران و دانشمندان علوم قرآن قرار گرفته و حتی کتاب‌های مستقلی در این زمینه تألیف شده است^۱. در اینجا به دو نمونه از فواید بحث درباره سوگندهای قرآن اشاره می‌کنیم : سوگندهای قرآن دلیل بر عظمت و اهمّیت اموری است که به آنها سوگند یاد شده است؛ از این رو تدبر هر چه بیش تر در «مُتَسَمِّمٌ به»^۲ موجب آشنایی بیشتر انسان با حقایق تازه درباره این پدیده‌ها و آفریده‌های الهی می‌شود.

۱- مانند کتاب «قسم‌های قرآن»، اثر آیت الله مکارم شیرازی.

۲- یعنی اموری که به آنها سوگند یاد شده است.

■ اموری که برای آن سوگند یاد شده «مُقَسَّمٌ لَهُ»، از امور کاملاً جدّی و مهم است. هنگامی که یک گوینده سخن خود را قاطعانه و با چنین تأکیدی بیان می‌کند، در قلب شنونده بیشتر اثر می‌گذارد؛ مؤمنان را در ایمانشان جدی‌تر و منکران را در مقابل پذیرش حقیقت نرم‌تر می‌سازد. بر این اساس، خداوند در این ۱۶ سوره، برای بیان موضوعات مهم هدایتی و تربیتی همچون توحید، معاد و نبوت در آغاز به پدیده‌ها و آفریده‌هایی چون اجرام آسمانی، فرشتگان الهی، برخی مکان‌ها و زمان‌ها و مواردی از این دست قسم یاد کرده و مردم را به پذیرش آنها دعوت کرده است.

فعالیت کلاسی

سوره‌های مبارکه «بلد تاتین» را از جهت سوگندهایی که در اولین آیه هر کدام آمده است، بررسی نموده و با نام سوره‌ها، جدول زیر را کامل کنید. سپس یکی از این سوره‌ها را انتخاب کنید. در این سوره برای بیان چه موضوعی سوگند یاد شده است. درباره اهمیت این موضوع در گروه‌های خود با دوستانتان گفت‌وگو کنید.

سوره	مُقَسَّمٌ بِهِ
.....	اجرام آسمانی
.....	برخی مکان‌ها
.....	برخی زمان‌ها
.....	
.....	برخی میوه‌ها

۳- حمد و تسبیح خداوند :

حمد و تسبیح خداوند در آغاز ۱۴ سوره از سوره‌های قرآن آمده است. این سوره‌ها غالباً به دو صورت به حمد و ثنای خداوند می‌پردازد :

■ حمد خدا و اثبات صفات مدح برای او؛ به همین دلیل این سوره‌ها به «حامدات» مشهور شده‌اند.

■ تسبیح و منزّه دانستن پروردگار از هرگونه عیب و نقص؛ به همین دلیل این سوره‌ها «مُسَبِّحات» نامیده می‌شوند.

به عنوان نمونه سوره فاتحه، با «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و سوره انعام با «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ...» آغاز و سوره‌های جمعه و تغابن نیز با «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...» شروع شده‌اند.

فعالیت کلاسی

به دو سوره «فرقان» و «مُلک» مراجعه کنید. علاوه بر سوره‌های «حامدات» و «مُسَبِّحات»، این دو سوره نیز با ثنا و ستایش الهی آغاز شده است.

خداوند در آیات آغازین این دو سوره چگونه مورد ثنا و ستایش قرار گرفته است؟

۴- خطاب یا پرسش :

خطاب قرار دادن افراد یا طرح پرسش در ابتدای بیان یک مسئله، موجب جلب توجه بیشتر مخاطبان به آن مسئله می‌شود.

پانزده سوره از قرآن با مخاطب قرار دادن پیامبر، مؤمنان یا تمامی انسان‌ها آغاز شده است. این سوره‌ها با عباراتی مانند «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ...»، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...» و «يَا أَيُّهَا النَّاسُ...» آغاز می‌شود.

این خطاب‌ها، مخاطب را با موضوع همراه می‌سازد و در روح و روان او تأثیر بیشتری به جا می‌گذارد.

شش سوره نیز با پرسش درباره موضوعی خاص شروع شده است. این سؤالات که بیشتر با هدف تأکید بر موضوع مطرح شده است، توجه مخاطب را بیش از گذشته به آن موضوع جلب می‌کند.

به این نمونه‌ها دقت کنید :

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ؛ عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ

آنها درباره چه چیزی از یک دیگر سؤال می‌کنند؟ درباره آن خبر بزرگ

نبا/۲-۱

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ؛ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ
آیا ندیدی پروردگارت با فیل سواران چه کرد؟ آیا نقشه آنها را در ضلالت و تباهی قرار نداد؟

فیل/۲-۱

این سؤالات با هدف تأکید بر مطلب آمده است تا آن مطلب تأثیر بیشتری در مخاطب قرآن به جای بگذارد.

اندیشه و تحقیق

سوره‌های «چهار قل» در جزء ۳۰ ذیل کدام یک از این موارد چهارگانه قرار می‌گیرند؟ چرا؟

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عَبَسَ وَتَوَلَّى ۱ اَنْ جَاءَهُ الْاَعْمَى ۲ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهٗ يَزَكَّى ۳
 ۴ اَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى ۴ اَمَّا مَنِ اسْتَغْنَى ۵
 فَانْتَ لَهُ تَصَدَّى ۶ وَمَا عَلَيْكَ الْاَلْيَزَكَّى ۷ وَاَمَّا مَنْ جَاءَكَ
 يَسْعَى ۸ وَهُوَ يَخْشَى ۹ فَاَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى ۱۰ كَلَّا اِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ۱۱
 ۱۲ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ۱۲ فِى صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ ۱۳ مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ
 ۱۴ بِاَيْدِى سَفَرَةٍ ۱۵ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ۱۶ قَتَلَ الْاِنْسَانَ مَا اَكْفَرَهُ ۱۷
 مِنْ اَيِّ شَيْءٍ خَلَقْتَهُ ۱۸ مِنْ نُّطْفَةٍ خَلَقْتَهُ فَقَدَّرْتَهُ ۱۹ ثُمَّ السَّبِيلَ
 يَسَّرْتَهُ ۲۰ ثُمَّ اَمَاتْتَهُ فَقَابَرْتَهُ ۲۱ ثُمَّ اِذَا شَاءَ اَنْشَرْتَهُ ۲۲ كَلَّا لَمَّا يَقْضِ
 مَا اَمَرْتَهُ ۲۳ فَلْيَنْظُرِ الْاِنْسَانُ اِلَى طَعَامِهِ ۲۴ اَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا
 ۲۵ ثُمَّ شَقَقْنَا الْاَرْضَ شَقًّا ۲۶ فَاَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ۲۷ وَعِنَبًا وَقَضْبًا
 ۲۸ وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ۲۹ وَحَدَائِقَ غُلْبًا ۳۰ وَفَاكِهَةً وَاَبًّا ۳۱
 مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِاِنْعَامِكُمْ ۳۲ فَاِذَا جَاءَتِ الصَّاخَةُ ۳۳ يَوْمَ
 يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ اَخِيهِ ۳۴ وَاُمِّهِ وَاَبِيهِ ۳۵ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ
 ۳۶ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ۳۷ وُجُوهُهُ
 يَوْمَئِذٍ مُّسْفَرَةٌ ۳۸ صَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ ۳۹ وُجُوهُهُ يَوْمَئِذٍ
 عَلَيهَا غَبْرَةٌ ۴۰ تَرَهَقُهَا قَتَرَةٌ ۴۱ اُولَئِكَ هُمُ الْكٰفِرَةُ الْفَجْرَةُ ۴۲

به نام خداوند بخشنده بخشایبشگر

اخم کرد و چهره در هم کشید و روی گردانید^(۱). بدان سبب که آن مرد نابینا پیش او آمد^(۲). تو چه می دانی شاید او به پاکی گراید و رشد یابد^(۳). یا پند پذیرد و اندرز پیامبر سودش دهد و ایمان بیاورد^(۴). اما آن کس که تکبر ورزید و خود را بی نیاز [از خدا] پنداشت^(۵). تو به او روی می آوری و بدو می پرداز^(۶). با آنکه اگر پاک نگردد بر تو [مسئولیتی] نیست^(۷). و اما آن کس که شتابان پیش تو آمد^(۸). در حالی که [از خدا] می ترسید^(۹). تو از او غافل می شوی و به دیگران می پرداز^(۱۰). ز نهار [چنین مکن] این [آیات] پندی است^(۱۱). تا هر که خواهد از آن پند گیرد^(۱۲). [قرآن] در صحیفه هایی ارجمند [نوشته شده]:^(۱۳) والا و پاک شده [از هر گونه باطل و بیهوده و تناقضی]^(۱۴). به دست فرشتگانی [به سوی پیامبر نازل شده است]^(۱۵). [فرشتگانی که] ارجمند و نیکو کارند^(۱۶). کشته باد انسان چه ناسپاس و حق پوش است [و با اینکه آثار تدبیر خدا را در خود و جهان هستی می نگرد باز هم ربوبیت او را انکار می کند].^(۱۷) او را از چه چیز آفریده است که سزاوار طغیان باشد؟^(۱۸) از نطفه ای نا چیز خلقش کرد و برای زندگی آماده اش کرد^(۱۹). سپس راه [درست] را بر او آسان گردانید^(۲۰). آنگاه به مرگش رسانید و در قبرش نهاد^(۲۱). سپس چون بخواهد او را برانگیزد^(۲۲). آیا او با دیدن این همه آثار قدرت الهی، ربوبیت خدا را باور کرده است؟ هرگز، او هنوز آنچه را خدا به او دستور داده به جای نیاورده است^(۲۳). پس انسان باید به خوراک خود بنگرد^(۲۴). که ما آب را به صورت بارشی فرو ریختیم^(۲۵). آنگاه زمین را [برای رویش گیاهان] با شکافتنی [لازم] شکافتیم^(۲۶). پس در آن دانه رویانیدیم^(۲۷). و انگور و سبزی^(۲۸) و زیتون و درخت خرما^(۲۹) و باغهای انبوه^(۳۰) و میوه و چراگاه^(۳۱). [تا وسیله] استفاده شما و دامهائتان باشد^(۳۲). [این جهان سرانجام به آخرت خواهد رسید] پس [هنگامیکه در صور دمیده شود و] چون فریاد گوش خراش در رسد^(۳۳). روزی که آدمی از برادرش^(۳۴) و از مادرش و پدرش^(۳۵) و از همسرش و پسرانش می گریزد^(۳۶). در آن روز هر کسی از آنان را [حال و] کاری است که او را به خود مشغول می دارد [و از پرداختن به دیگران باز می دارد].^(۳۷) در آن روز چهره هایی درخشانند^(۳۸). خندان [و] شادانند^(۳۹) و در آن روز چهره هایی است که بر آنها غبار غم و اندوه نشسته^(۴۰) [و] آنها را تیرگی و تاریکی پوشانده است^(۴۱). آنان همان کافران بدکار گناه پیشه اند.^(۴۲)

محتوای کلی سوره عبس

سوره عبس یا «الصف»، «اعمی»^۱ هشتادمین سوره قرآن کریم است که مکی و ۴۲ آیه دارد. رسول خدا ﷺ فرموده اند: هر کس سوره عبس را قرائت نماید روز قیامت در حالی خواهد آمد که شادمان و خندان است.^۲ امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: هر کس سوره عبس را قرائت نماید در بهشت زیر پرچم و سایه خداوند و مشمول کرامت خداوند خواهد بود و این کار کوچکی نزد خداوند است.^۳ همچنین از ایشان نقل شده است: هر کس هنگام بارش باران این سوره را قرائت نماید خداوند به تعداد قطرات باران گناهایش را می آمرزد.^۴

۱- درمان با قرآن، ص ۱۳۶

۲- مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۶۳

۳- نواب الاعمال، ص ۱۲۱

۴- مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۲۱۰



درس پنجم



شامل:

- ۱ قرائت: آیات ۱۰۳ تا ۱۱۰ سوره كهف
- ۲ فصاحت و تجويد: حاء، خاء، دال و ذال
- ۳ علوم قرآنی: جمع قرآن
- ۴ حفظ نور: سوره انشراق

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ﴿١٠٣﴾ الَّذِينَ
 ضَلَّ سَعِيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُحْسَبُونَ
 أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿١٠٤﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا
 بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُنْقِمُ
 لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا ﴿١٠٥﴾ ذَلِكَ جَزَاءُهُمْ جَهَنَّمَ
 بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُؤًا ﴿١٠٦﴾
 إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ
 جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿١٠٧﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ
 عَنْهَا حِوَلًا ﴿١٠٨﴾ قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ
 رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي
 وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ﴿١٠٩﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ
 مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ
 فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا
 وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴿١١٠﴾

صحت ، فصاحت و تجوید حروف حاء، خاء، دال و ذال

حاء : معمولاً با **هـ** اشتباه می‌شود، و برای تلفظ صحیح آن، باید با مقداری گرفتگی، غلیظ و از ته گلو تلفظ گردد، مانند: **حَيَّ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ سُبْحَانَ**
از نظر فصاحت و تجوید، **حاء** باید در عین غلظت، نازک تلفظ شود، مانند:
الْحَمْدُ مُحَمَّدًا بِحَمْدِهِ

حاء و **عین** که هر دو غلیظ از گلو تلفظ می‌شوند، با **دمش حاء در گلو**، از یکدیگر متفاوت می‌گردند، مانند: **أَحَدٌ حَمِيدٌ**
در اصطلاح تجوید، به **دمش حاء** در گلو «**بَحّه**» می‌گویند.

خاء : معمولاً درست خوانده می‌شود، ولی از نظر فصاحت و تجوید، خاء ساکن یا مفتوح، باید درشت تلفظ شود، مانند: **خَلَقَ خَيْرًا يَخْرُجُ أَخْبَارَهَا**
حاء و **غین** که هر دو از گلو تلفظ می‌شوند، با **دمش حاء در گلو** از یکدیگر متفاوت می‌گردند. مانند: **خَفَّتْ خَوْفٍ أَخْلَدَمِ**
در اصطلاح تجوید، به **دمش حاء** در گلو «**خَروره**» می‌گویند.

دال : معمولاً درست خوانده می‌شود، ولی از نظر فصاحت و تجوید، **دال ساکن** با «**قلقله**» تلفظ می‌گردد، تا صدای آن بیان شود، و به تاء مایل نگردد، مانند:
قَدْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

در حالت وقف که دال ساکن می‌شود نیز، با قلقله تلفظ می‌گردد، مانند:
أَحَدٌ ← أَحَدٌ أَقْعُدُ ← أَقْعُدُ مُحَمَّدٌ ← مُحَمَّدٌ
دال ساکن نزد تاء، ادغام می‌شود و به تاء تبدیل می‌گردد، مانند:
عَبَدْتُمْ وَجَدْتُمْ قَدْتَبَيْتُمْ لَقَدْتَابُ

ذال : معمولاً با **زاء** اشتباه می‌شود، و برای تلفظ صحیح آن، زبان بین دندان‌ها قرار می‌گیرد و **نوک زبانی** تلفظ می‌گردد، مانند: **أَعُوذُ بِالَّذِي إِذَا دَرَّرَ**
ذال و **ظاء** که هر دو نوک زبانی تلفظ می‌شوند، با **نازکی ذال**، از یکدیگر متفاوت می‌گردند، مانند: **عَذَابَ هَذَا ذَاتِ الَّذِي**

همچنین **ذال** بدون فشار و دمش تلفظ می‌گردد، تا با **ثاء** اشتباه نشود، مانند:

إِذْ بِأَذِنٍ كَذَّبَ يُكَذِّبُكَ

از نظر فصاحت و تجوید، **ذال ساکن** نزد **ظاء** ادغام شده و به **ظاء** تبدیل می‌گردد.

مانند: **إِذْ ظَلَمُوا إِذْ ظَلَمْتُمْ**

ذال ساکن نزد سایر حروف، به ویژه نزد **زاء**، **سین** و **صاد**، ادغام نمی‌شود، بلکه کاملاً

بیان می‌گردد، مانند: **وَإِذْ زَاغَتِ إِذْ سَمِعْتُمُوهُ وَإِذْ صَرَفْنَا**

تمرین: آیات درس و اذکار نماز را با رعایت فصاحت و تجوید حروف بخوانید.



علوم قرآنی

جمع قرآن

بیش از ۱۴۰۰ سال از نزول قرآن می‌گذرد. چه شواهدی ثابت می‌کند قرآنی که امروز در اختیار ماست، همان قرآنی است که قرن‌ها پیش بر پیامبر اسلام نازل شده است؟ به بیان دیگر پیامبر اسلام ﷺ برای اینکه قرآن بدون هرگونه نقص به دست آیندگان برسد، چه تمهیداتی اندیشیده بود؟

سال گذشته با موضوع «کتابت قرآن» آشنا شدیم و دانستیم که به دلیل اهتمام فراوان پیامبر و مسلمانان، قرآن در همان زمان رسول خدا و به دستور ایشان نوشته شد. کاتبان وحی که در رأس آنها حضرت علی علیه السلام قرار داشت، با اشتیاق و دقت فراوان آیات قرآن را از پیامبر می‌شنیدند و زیر نظر ایشان روی تکه‌های پوست و پارچه می‌نوشتند.

علاوه بر این، با تأکیدات بسیار پیامبر اسلام، عده زیادی از مسلمانان به حفظ آیات قرآن مشغول بودند و آیات نورانی قرآن را بلافاصله پس از نزول آنها در سینه‌های خود حفظ می‌کردند. وجود این حافظان در کنار کاتبان قرآن، احتمال هرگونه خطا و نقص را در نگهداری آیات از میان برمی‌داشت.

بر این اساس تمام آیات قرآن با استفاده از این دو منبع مهم حفظ شده و پس از پیامبر به دیگر مسلمانان منتقل گردید.

گردآوری و تدوین آیات قرآن از روی این دو منبع (نسخه‌های متعدد مکتوب آن، با بهره‌مندی از حافظه حافظان قرآن) و ارائه آن به صورت کتابی کامل، «جمع قرآن» نامیده می‌شود.

در این درس به صورت خلاصه به کیفیت و مراحل جمع قرآن اشاره می‌کنیم:

نوشت افزارها

کاتبان وحی با استفاده از قلم و دوات، آیات قرآن را روی تکه‌های پوست، پارچه و کاغذ می‌نوشتند. منابع تاریخی از وجود نوشت افزارهای گوناگونی در عصر نزول خبر می‌دهند که برای کتابت قرآن از آنها استفاده می‌شده است. خود قرآن یکی از موثق‌ترین منابعی است که در خلال آیات خود از این نوشت افزارها یاد کرده است.

فعالیت کلاسی

در هر کدام از این آیات، یکی از ابزار نگارش در عصر نزول معرفی شده است. آنها را پیدا کنید و با ترجمه در جدول بنویسید.

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ **سوره قلم/۱**

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ

رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا **سوره كهف/۱۰۹**

رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً **سوره بینه/۲**

وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرطائِسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ

لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ **سوره انعام/۷**

أَوْ يَكُونُ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرِفٍ أَوْ تَرْقِي فِي السَّمَاءِ

وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزَّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ... **سوره اسراء/۹۳**

وَالظُّورِ؛ وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ؛ فِي رَقٍّ مَّنشُورٍ **سوره طور/۳**

عنوان نوشت افزار	ترجمه فارسی
.....
.....
.....
.....
.....
.....

مراحل گردآوری آیات و سوره‌های قرآن

کتابت قرآن، از آغاز تا گردآوری به صورت یک «مصحف»^۱ کامل، مراحل را پشت سر گذاشته است. این مراحل در علمی به نام «تاریخ قرآن» بررسی می‌شوند.

■ مرحله اول: گردآوری سوره‌های قرآن در عصر پیامبر

هنگامی که آیات قرآن نازل می‌شد، کاتبان وحی با استفاده از نوشت افزارهای موجود، آیات قرآن را به دستور پیامبر می‌نوشتند. بنابراین تمام سوره‌های قرآن تا پایان عمر شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که آیات بر ایشان نازل می‌شد، نوشته و ثبت و ضبط گردید و تعداد سوره‌ها و آیات هر کدام مشخص شد.

علاوه بر این، همان‌طور که گذشت در کنار کاتبان وحی، عده بسیاری نیز به حفظ آیات نورانی قرآن همت می‌گماردند و قرآن را در سینه‌های خود حفظ می‌کردند.

■ مرحله دوم: گردآوری سوره‌های قرآن به صورت یک مصحف پس از رحلت

رسول خدا

تا پایان عمر رسول خدا صلی الله علیه و آله، همواره احتمال نزول آیات وجود داشت؛ لذا تا زمان حیات ایشان آیات و سوره‌های قرآن به صورت یک مصحف و کتاب مستقل ارائه نشد و فقط در صحیفه‌ها نزد کاتبان وحی موجود بود. پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام طبق وصیت پیامبر به او، به تدوین سوره‌ها در کنار هم به صورت یک کتاب مستقل همت گماشت و در این مدت به کار دیگری مشغول نشد تا کل سوره‌های قرآن را در کنار هم در یک مصحف گردآوری کرد.

دیگر صحابه بزرگ پیامبر نیز به میزان دانش و شایستگی خود، سوره‌های قرآن را مرتب کردند و هر یک قرآن را با استفاده از صحیفه‌های مکتوب خود در مصحفی خاص گرد آوردند.

۱- «صحیفه» به معنی برگه‌هایی است که روی آن می‌نویسند و «مصحف»، مجموعه‌ای از صحیفه‌هاست که یک مجموعه منسجمی را ایجاد می‌کند.

■ مرحله سوم : توحید مصاحف در زمان عثمان

از آنجا که هر یک از اصحاب پیامبر به جمع‌آوری سوره‌های قرآن و تدوین آنها در قالب مصحفی خاص خود پرداخته بودند، به تدریج تعداد مصحف‌ها در میان مردم افزایش یافت؛ به ویژه با گسترش قلمرو حکومت اسلامی و افزایش تعداد مسلمانان، به مرور زمان نیاز به نسخه‌های متعدد قرآن احساس می‌شد؛ چرا که مسلمانان تمام جوانب زندگی خود را بر اساس دستورهای این کتاب آسمانی تنظیم می‌کردند و برای آنان منبع احکام و قانون‌گذاری به شمار می‌آمد.

با توجه به اینکه این مصحف‌ها از سوی افراد مختلفی تنظیم شده بودند، در ترتیب سوره‌ها و چگونگی قرائت آیات با یکدیگر اختلافاتی داشتند، که این مسئله زمینه را برای اختلاف امت واحد اسلامی در کتاب آسمانی خود فراهم می‌کرد.

بنابراین خلیفه سوم به اصرار برخی از اصحاب پیامبر، تصمیم گرفت مصحف‌های موجود را یکسان ساخته و یک مصحف مورد قبول همه ارائه کند. بر این اساس سوره‌های قرآن با مشورت بزرگان اصحاب پیامبر در قالب یک مصحف کامل تنظیم و به نقاط مختلف حکومت اسلامی فرستاده شد. این مرحله از تدوین قرآن، «توحید مصاحف» نامیده می‌شود. با یکی شدن مصحف‌های موجود میان مسلمانان و پذیرش آن، زمینه هرگونه تشتت و اختلاف در این کتاب آسمانی از میان رفت.

اندیشه و تحقیق

سال‌ها پس از توحید مصاحف، امام صادق علیه السلام خطاب به شیعیان خود چنین سفارش کرده‌اند :

إِقْرَءُوا كَمَا عَلَّمْتُمْ

یعنی قرآن را به همان شیوه‌ای که هر نسل از نسل پیش از خود آموخته است، بخوانید.

با توجه به این سخن، به نظر شما ائمه علیهم السلام چه موضعی در مقابل عمل عثمان نسبت به توحید مصاحف داشتند؟

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ❶ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ❷
 وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ ❸ وَالْقَتَّ مَا فِيهَا وَتَحَلَّتْ ❹
 وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ❺ بِأَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ
 إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلْقِيهِ ❻ فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ
 بِيَمِينِهِ ❼ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ❽ وَيَنْقَلِبُ
 إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ❾ وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ
 ❿ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ❶❶ وَيَصْلِي سَعِيرًا ❶❷ إِنَّهُ
 كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ❶❸ إِنَّهُ ظَنَّ أَن لَّنْ يَحُورَ ❶❹ بَلَىٰ
 إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ❶❺ فَلَا أَقْسِمُ بِالْشَّفَقِ ❶❻ وَاللَّيْلِ
 وَمَا وَسَقَ ❶❼ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ❶❽ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ
 ❶❾ فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ❶❿ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ
 لَا يَسْجُدُونَ ❶❶ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكْذِبُونَ ❶❷ وَاللَّهُ
 أَعْلَمُ بِمَا يُوْعُونَ ❶❸ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ❶❹ إِلَّا الَّذِينَ
 آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ❶❺

به نام خداوند بخشنده بخشایسگر

آنگاه که آسمان زهم بشکافد^(۱) و پروردگارش را فرمان برد و حق هم همین بود که چنین کند^(۲) و آنگاه که زمین کشیده شود و کوه‌ها و بلندی‌هایش صاف گردد^(۳) و آنچه را که در آن است بیرون افکند و کاملاً تهی شود^(۴) و پروردگارش را فرمان برد و [چنین] سزد. [آن گاه که این حوادث رخ دهد، رستخیز برپا شود و همگان به دیدار پروردگار خود خواهند شتافت و سزای کردارشان را خواهند دید]^(۵) ای انسان حقا که تو به سوی پروردگار خود بسختی در تلاشی و بعد از آن سعی او را ملاقات خواهی کرد^(۶) اما کسی که کارنامه‌اش به دست راستش داده شود^(۷) بزودی‌اش حسابی بس آسان کنند^(۸) و شادمان به سوی کسانش باز گردد^(۹) و اما کسی که کارنامه‌اش از پشت سرش به او داده شود^(۱۰) زودا که آرزوی هلاک [خویش] کند^(۱۱) و در آتش افروخته درآید^(۱۲) او در [میان] خانواده خود سرمست و شادمان بود^(۱۳) او می‌پنداشت که هرگز برای حسابرسی کارهایش به سوی خدا بر نخواهد گشت^(۱۴) آری در حقیقت [بازگشت او به سوی خدا حتمی است] و قطعاً پروردگارش به او بینا است^(۱۵) سوگند به شفق [سرخ] بعد از غروب آفتاب^(۱۶) سوگند به شب و آنچه [شب] فروبوشاند^(۱۷) سوگند به ماه چون [بدر] تمام شود^(۱۸) که قطعاً شما انسان‌ها [در حرکت خود به سوی خدا] مراحل را یکی پس از دیگری خواهید پیمود [تا سرانجام به حساب اعمال و جزای خویش برسید]^(۱۹) شگفتا! این انسان‌ها را چه شده است که ایمان نمی‌آورند؟! ^(۲۰) و چون بر آنان قرآن تلاوت می‌شود چهره بر خاک نمی‌سایند^(۲۱) قرآن نه در بیان حقایق نارساست و نه از برهان بی بهره، بلکه آنان بر کفرورزی و تکذیب حق خوی گرفته‌اند و از این روست که حقایق قرآن را تکذیب می‌کنند^(۲۲) و خدا به آنچه در سینه دارند دانایتر است^(۲۳) پس آنان را از عذابی دردناک خبر ده^(۲۴) مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند که آنان را پاداشی بی منت خواهد بود^(۲۵)

محتوای کلی سوره انشقاق

سوره انشقاق هشتاد و چهارمین سوره قرآن کریم است که مکی و دارای ۲۵ آیه است. در فضیلت این سوره از رسول خدا ﷺ نقل شده است: هر کس سوره انشقاق را قرائت نماید خداوند از اینکه در روز قیامت نامه اعمالش از پشت سرش به او داده شود او را ننگه می‌دارد.^۱ امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: هر کس سوره انشقاق را قرائت نماید و آن را در نمازهای واجب و مستحب خود مداوم بخواند خداوند حاجت‌هایش را برآورده می‌سازد و چیزی بین او و خداوند فاصله نمی‌اندازد و در روز محاسبه مردم از نگاه و عنایت خداوند برخوردار می‌شود.^۲

۱- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۰۱
 ۲- نواب الاعمال، ص ۱۲۱



درس ششم



شامل:

- ۱ قرائت: آیات ۱ تا ۱۶ سوره مَرْيَم
- ۲ فصاحت و تجوید: راء
- ۳ علوم قرآنی: تعلیم قرآن در سیره پیامبر اسلام ﷺ
- ۴ حفظ نور: سوره مُطَفِّفِينَ، آیات ۱ تا ۱۷

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 یٰأَیُّهَا الْمُزَّمِّلُ ۱ قُمْ اللَّیْلَ إِلَّا قَلِیْلًا ۲ نِصْفَهُ
 أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِیْلًا ۳ أَوْ زِدْ عَلَیْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ
 تَرْتِیْلًا ۴ إِنَّا سَنُلْقِیْ عَلَیْكَ قَوْلًا ثَقِیْلًا ۵
 إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّیْلِ هِیَ أَشَدُّ وَطْأًا وَأَقْوَمُ قِیْلًا ۶
 إِنَّ لَكَ فِی النَّهَارِ سَبْحًا طَوِیْلًا ۷ وَادْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ
 وَتَبَتَّلْ إِلَیْهِ تَبْتِیْلًا ۸ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِیْلًا ۹ وَأَصْبِرْ عَلٰی مَا
 یَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِیْلًا ۱۰ وَذَرْفِ
 وَالْمُكَدِّبِیْنَ أُولِی النَّعْمَةِ وَمَهْلَهُمْ قَلِیْلًا ۱۱
 إِنَّ لَدَیْنَا أَنْكَالًا وَجَحِیْمًا ۱۲ وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ
 وَعَذَابًا أَلِیْمًا ۱۳ یَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ
 وَكَانَتْ الْجِبَالُ كَثِیْبًا مَّهِیْلًا ۱۴ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَیْكُمْ
 رَسُوْلًا شَهِدًا عَلَیْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُوْلًا
 ۱۵ فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُوْلَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِیْلًا ۱۶

صحت ، فصاحت و تجوید حرف راء

راء: معمولاً درست خوانده می‌شود، ولی از نظر فصاحت و تجوید، به دو حالت «نازک و درشت» تلفظ می‌گردد.

در اصطلاح تجوید، به نازکی تلفظ «ترقیق» و به درشتی آن «تفخیم» می‌گویند.

موارد ترقیق راء:

۱- راء مکسور در شکل‌های «رِ رِ رِ ری» به حالت معمولی و نازک (ترقیق) خوانده می‌شود، مانند: غَيْرِ بَحْرٍ شَرِيكَ نَجْرِي

۲- راء ساکن بعد از کسره (رِ رِ) نیز ترقیق می‌شود، مانند:

وَاسْتَغْفِرُهُ فَاصْبِرْ

۳- راء مفتوح و مضموم، بعد از کسره و یاء، وقتی در حالت وقف ساکن می‌شود، ترقیق می‌گردد، مانند:

حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ← حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ

وَكُلُّ أَمْرٍ مُسْتَقَرٌّ ← وَاكُلُّ أَمْرٍ مُسْتَقَرٌّ

هَذَا ذِكْرٌ ← هَذَا ذِكْرٌ

يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ ← يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ

وَالصُّلْحُ خَيْرٌ ← وَالصُّلْحُ خَيْرٌ

وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ ← وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ

نکته: در سوره مبارکه هود، آیه ۴۱، در کلمه «مَجْرُهَا» راء با الف مقصوره ترقیق

می‌گردد، و الف مقصوره به صورت کسره کشیده خوانده می‌شود.

در اصطلاح تجوید، تلفظ الف به حالت کسره کشیده را «إمالة» می‌گویند.

موارد تفخیم راء :

- ۱- راء مفتوح و مضموم در شکل‌های (رُ رَا رُ رَا رُو) به حالت درشت (تفخیم) تلفظ می‌شود، مانند: رَبِّ اسْتَغْفِرُ شَرًّا خَيْرٌ صِرَاطٌ وَالرَّوْحُ
- ۲- راء ساکن بعد از فتحه و ضمه (رُ رُ) نیز تفخیم می‌شود، مانند: **وَانْحَرْ تَرْمِيمٍ يُرْسَلُ قُرْآنُ**
- ۳- راء ساکن بعد از کسره و الف وصل (رِ رِ) تفخیم می‌شود، مانند: **ارْجِعِي رَبِّ ارْجِعُونِ رَبِّ ارْحَمَهُمَا رَبِّ ارْتَبْتُمْ لِمَنْ ارْتَضَى**
- ۴- راء ساکن بین کسره و حرف درشت، تفخیم می‌شود، مانند: **قِرطاسٍ فِرْقَةٍ اِرْصَادًا مِرْصَادًا لِبِالْمِرْصَادِ**
- ۵- راء مکسور بعد از فتحه، ضمه، الف و واو، وقتی در حالت وقف ساکن می‌شود، تفخیم می‌گردد، مانند:

وَنَهْرٍ	←	وَنَهَرٍ
وَنُذْرٍ	←	وَنُذِرٍ
وَالْعَصْرِ	←	وَالْعَصِرِ
أَلْفِ شَهْرٍ	←	أَلْفِ شَهَرٍ
لَفِي خُسْرٍ	←	لَفِي خُسَرٍ
عَذَابِ النَّارِ	←	عَذَابِ النَّارِ
فِي الصُّدُورِ	←	فِي الصُّدُورِ

تذکر: گاهی با جمع کردن لب‌ها و تفخیم نامناسب، راء به واو مایل می‌شود.

تفخیم صحیح با عقب دهان و از گلو انجام می‌گردد، مانند: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تمرین: آیات درس و اذکار نماز را با رعایت تفخیم و ترقیق حرف راء بخوانید.



علوم قرآنی

تعلیم قرآن در سیره پیامبر اسلام ﷺ

قرآن، معجزه جاوید رسول خدا ﷺ بود و ایشان نسبت به این کتاب آسمانی وظایفی را بر عهده داشتند.

به این آیه دقت کنید :

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

سوره آل عمران/ ۱۶۴

این آیه و آیات مشابه آن، یکی از مهمترین وظایف پیامبر را تلاوت آیات قرآن بر مردم و آموزش این کتاب الهی به آنها معرفی می‌کند. ایشان با آموزش و تعلیم آیات هدايتگر قرآن، انسان‌ها را از گمراهی عصر جاهلی نجات می‌بخشیدند.

معمولاً هنگامی که صحبت از آموزش و تعلیم می‌شود، بی‌اختیار به یاد کلاس درس و لوازم آن از جمله شاگرد، محتوای درسی و برنامه آموزشی می‌افتیم؛ ولی فکر می‌کنید آموزش قرآن در عصر پیامبر چگونه اتفاق می‌افتاده است؟ و پیامبر اسلام و دیگر مسلمانان چگونه به این امر همت می‌گماردند؟

تعلیم قرآن در سیره پیامبر جایگاه مهمی داشت و ایشان همواره با تشویق مسلمانان به این کار، انگیزه لازم را در ایشان به وجود می‌آوردند. شاید این حدیث مشهور را شنیده باشید :

خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ وَ

بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و به دیگران نیز آموزش دهد.^۱

این تشویق‌ها^۲، اهتمامی دو چندان در مسلمانان به وجود می‌آورد تا نسبت به حضور در خدمت رسول خدا و یادگیری قرآن از ایشان انگیزه بیشتری داشته باشند. پیامبر اسلام ﷺ نیز متناسب با وضعیت مخاطبان خود و موقعیتی که در آن قرار داشت، به این امر مهم همت می‌گماردند.

ایشان در سال‌های آغازین رسالت، کنار خانه خدا می‌نشست و به تلاوت قرآن می‌پرداخت و به این ترتیب آیات قرآن را به گوش رهگذران می‌رساند. از آنجا که مخاطبان این آیات، بیشتر قوم عرب و گاه اهل فصاحت و بلاغت بودند، برای درک زیبایی‌های آیات و فهم معانی آن مشکلی احساس نمی‌کردند؛ چنان که برخی رهگذران و مسافران به اینگونه در جریان اندازهای قرآن و تحت تأثیر آن قرار گرفتند.

این عمل پیامبر به تدریج موجب جذب مردم به قرآن می‌شد، تا جایی که مشرکان تصمیم گرفتند مانع نمازخوانی و تلاوت رسول خدا شوند^۳. آنها هم چنین به مردم توصیه می‌کردند که به تلاوت قرآن گوش ندهند یا به هنگام شنیدن قرآن همه‌مه به پا کنند^۴.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۵.

۲- برای مطالعه احادیث در این باره می‌توانید به کتاب وسائل الشیعه، جلد ششم، باب «وجوب تعلّم القرآن» مراجعه کنید.

۳- علق/۱۰-۹.

۴- فصلت/۲۶.

تأثیر شنیدن آیات به اندازه‌ای بود که قرآن در خصوص مسیحیان اهل کتاب می‌فرماید :

وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ
مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ ...

و چون آنچه را به سوی پیامبر نازل شده، بشنوند، می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند، اشک از چشم‌هایشان سرازیر می‌شود.

سوره مائده/۸۲

«إِقْرَاءِ قرآن»، الگوی آموزشی پیامبر

هنگامی که مخاطبان، با شنیدن آیات روح‌بخش قرآن با اشتیاق و اراده خود تصمیم به یادگیری قرآن می‌گرفتند، پیامبر اسلام با الگویی که امروزه به عنوان «إِقْرَاءِ» شناخته می‌شود، به تعلیم ایشان می‌پرداختند. «إِقْرَاءِ» در لغت به معنای شنیدن قرائت قاری و تکرار آن است.^۱

در این حالت، پیامبر ابتدا آیات را با صدایی روشن و رسا برای افراد می‌خواند، تا ایشان خوب به آیات گوش فرا دهند و پس از پیامبر، آیات را تکرار کنند. آنان آن قدر آیات را تکرار می‌کردند تا تمام آن را به خوبی فرا می‌گرفتند و به ذهن می‌سپردند.

در این میان برخی از صحابه که برای یادگیری قرآن اشتیاق بیشتری داشتند، تمام قرآن را به این شیوه از پیامبر فرا می‌گرفتند. در حدیثی از امام علی علیه السلام می‌خوانیم :

مَا نَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأَهَا^۲

هیچ آیه‌ای بر پیامبر نازل نمی‌شد، مگر این که ایشان آن را بر من می‌خواند

و من تکرار می‌کردم.

پس از آن برخی افراد، آیاتی را که فرا گرفته و به ذهن سپرده بودند، به پیامبر یا اصحاب بزرگ ایشان عرضه می‌کردند^۳، تا اگر احیاناً خطایی در آن وجود داشت، آن را اصلاح کنند.

۱- مجمع البیان، ج ۱، ص ۷۱۹

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴.

۳- یعنی آیات را برای ایشان تلاوت می‌کردند.

ویژگی‌های «اِقراء» در سیره پیامبر

۱- قرائت آرام همراه با مکث

پیامبر اسلام ﷺ، آن قدر آرام و شمرده قرآن می‌خواندند که برخی از اصحاب، تلاوت ایشان را تلاوتی کشیده و همراه با مد توصیف کرده‌اند^۱. این آرام خواندن، فرصتی را فراهم می‌آورد تا ایشان همه حروف، کلمات و حرکات را کاملاً واضح تلاوت کنند، به گونه‌ای که هر شنونده‌ای می‌توانست حرکات و کلمات را بشناسد و عبارات را تکرار کند. ایشان همچنین پس از تلاوت هر آیه مکث می‌کردند و سپس آیه بعد را آغاز می‌نمودند.

۲- قرائت همراه با توجه و تدبیر

یکی از مهمترین فوائد شمرده خواندن آیات، هموار شدن مسیر تدبر و تفکر در آیات الهی است. هنگامی که آیات قرآن آرام و شمرده خوانده می‌شود، فرصت توقف در آیات و توجه قلبی به معانی آنها فراهم می‌آید. این تفکر و توجه، موجب اندرزگیری و بهره‌مندی از هدایت قرآن می‌شود.

پیامبر اسلام ﷺ در مقام آموزش قرآن، آیات را با توجه قلبی به معانی و مضامین آنها تلاوت می‌کردند و این حالت را نیز به مخاطب منتقل می‌نمودند؛ تا افراد تحت تأثیر سیره عملی پیامبر، آیات را این‌گونه قرائت کنند.

ایشان درباره چگونگی قرائت قرآن به اصحاب خود همواره چنین سفارش می‌کردند:

قِفُوا عِنْدَ عَجَائِبِهِ وَحَرِّكُوا بِهِ الْقُلُوبَ وَلَا يَكُنْ هُمْ أَحَدِكُمْ آخِرَ السُّورِ^۲

۱- القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۲، ص ۴۶.

۲- بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۵۰.

فعالیت کلاسی

امام صادق علیه السلام درباره شیوه شایسته قرائت قرآن می‌فرماید :

حَقُّ تِلَاوَتِهِ هُوَ الْوُقُوفُ عِنْدَ ذِكْرِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ
يَسْأَلُ فِي الْاُولَى وَيَسْتَعِيدُ مِنَ الْاُخْرَى^۱

چه ارتباطی میان معنای این حدیث و بهره‌مندی از هدایت قرآن وجود دارد؟

بر این اساس از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که به وسیله «اِقراء»، علاوه بر الفاظ آیات، مفاهیم آنها نیز در دل و جان مخاطبان قرار می‌گرفت. البته در این مسیر، پیامبر همواره در کنار مسلمانان بود و هر جا که نیاز می‌شد، مفهوم آیات را برای مسلمانان تبیین می‌کرد. در صورتی که مسلمانان با تدبر در آیات، با سؤال یا ابهامی روبه‌رو می‌شدند، پیامبر، مرجع پاسخ‌گویی به ایشان قرار می‌گرفت و ابهامات را برطرف می‌کرد.

۳- آموزش قرآن به صورت بخش‌بخش و مرحله‌ای

با توجه به آنچه گذشت، از آنجا که در شیوه آموزشی «اِقراء»، فهم معانی آیات نیز در یادگیری الفاظ آیات مورد توجه است، لذا پیامبر اسلام تعداد محدود و مشخصی از آیات را برای آموزش انتخاب می‌کردند و تا مفاهیم آن آیات به خوبی درک نمی‌شد، آیات جدید مطرح نمی‌شد. در روایتی می‌خوانیم :

«رسول خدا صلی الله علیه و آله، ده آیه ده آیه، قرآن را به اصحابش آموزش می‌داد؛ آنها به ده آیه بعد نمی‌پرداختند، جز اینکه مفاهیم و احکام عملی آن را فرا می‌گرفتند.»^۲

بر این اساس، با پایان یافتن یک سوره و فراگیری کامل آن، آموزش سوره بعدی آغاز می‌شد، تا به این شکل الفاظ و مفاهیم هر سوره به صورت جدا در خاطر مخاطب تثبیت شده و هدف تربیتی از نزول آن سوره به خوبی در وی محقق گردد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۱۷.

۲- القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۱، ص ۱۵۸.

فعالیت کلاسی

- ۱- خطی که هنگام نزول قرآن در عربستان وجود داشت، نقطه و اعراب (حرکت گذاری) نداشت. به نظر شما اگر تلاش‌های پیامبر برای آموزش قرآن به صورت «إقراء» نبود، چه مشکلاتی می‌توانست در شهرها و بلاد اسلامی ایجاد شود؟
- ۲- این آیات را بخوانید:

و مکروا مکرا کمارا و فالوا لا بدرن الهکم
و لادرن ودا و لا سواعا و لا نعوب و نعوب و سرا

سوره نوح/۲۳-۲۲

با توجه به قرائت خود، فکر می‌کنید الگوی إقراء در آموزش قرآن، چه تأثیری در یادگیری بهتر آن خواهد داشت؟

شبکه تعلیم قرآن، در عصر پیامبر

با توجه به افزایش چشمگیر تعداد مسلمانان در نقاط دور و نزدیک و ضرورت آموزش این افراد نسبت به محتوای قرآن، پیامبر تدبیر جدیدی اندیشید. ایشان اصحاب خود را تشویق می‌کردند که در کنار فراگیری قرآن، آن را به دیگران نیز آموزش دهند. در روایتی از ایشان می‌خوانیم:

خَيْرُكُمْ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ أَقْرَاهُ

البته ایشان از وجود عده‌ای از اصحاب و شاگردان خود که استعداد و توانایی بیشتری داشتند، برای آموزش تازه مسلمانان در شهرهای دور و نزدیک استفاده می‌کرد؛ چنانکه امام علی علیه السلام را به یمن و معاذ بن جبل را به مکه فرستادند تا قرآن و احکام اسلام را به آنها بیاموزد.

در روایتی از زبان یکی از اصحاب پیامبر می‌خوانیم: «هرگاه فردی به مدینه مهاجرت می‌کرد، پیامبر او را به یکی از ما می‌سپرد تا قرآن را به او بیاموزد. همواره در مسجد، صدای مردم به تلاوت قرآن بلند بود، تا جایی که پیامبر دستور داد قاریان صدای خود را پایین بیاورند تا اصوات قرآنی در یکدیگر تداخل نکند»^۱.

بدین سان با اهتمام و تدابیر حکیمانه رسول خدا ﷺ، آوای قرآن در هر شهر و قبیله گسترش یافت و مسلمانان بسیاری در مساجد و اجتماعات گوناگون به آموزش و فراگیری آیات نورانی قرآن مشغول شدند.

فعالیت کلاسی

سوره بخش حفظ نور را که در انتهای این درس آمده است، با الگوی «اقرء» در کلاس تمرین کنید.

اندیشه و تحقیق

استفاده از روش اقرء، در حال حاضر به چه میزان در کیفیت بخشی به آموزش قرآن می‌تواند مؤثر باشد؟

۱- همان، ج ۱، ص ۱۶۱.



تعلیم قرآن در عصر حاضر

تعلیم قرآن به دلیل جایگاه ویژه این کتاب آسمانی در میان مسلمانان، پس از رسول خدا نیز توسط اصحاب ایشان و همین‌طور از سوی امامان معصوم علیهم‌السلام، که خود قرآن ناطق و آموزگاران حقیقی قرآن بودند، ادامه یافت. در دوران غیبت نیز این موضوع همواره یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های علماء و بزرگان دینی بوده و در شهرها و مناطق مختلف اسلامی، جلسات قرآن برپا می‌گردید.

آموزش قرآن در کشور ما ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای مسلمان، از دیرباز تا به امروز با جدیت پیگیری شده و حتی نظام‌های آموزشی مختلفی برای آن وجود داشته است. این نظام‌ها را به‌طور کلی می‌توان به دو نظام مکتب‌خانه‌ای و نظام آموزش و پرورش رسمی تقسیم کرد:

الف) نظام مکتب‌خانه‌ای

سالیان دراز مکتب‌خانه‌ها یکی از جایگاه‌های مهم آموزش قرآن بوده است. در مکتب‌خانه معمولاً یک پیرمرد که «مُلا» نامیده می‌شد، قرآن را از روی عمّ جزء^۱ آموزش می‌داد. روش کار به این صورت بود که شاگردان ابتدا آیات هر سوره را از زبان مُلا می‌شنیدند؛ سپس با تمرین و تکرار آیات به شیوه «هجی کردن» و «هم خوانی» در محضر استاد، سوره‌های جزء سی‌ام را فرا می‌گرفتند. شاگردانی که از نظر هوش و معلومات بالاتر بودند و سوره را به سرعت فرا می‌گرفتند، «خلیفه» نامیده می‌شدند و از طرف مُلا، مسئول آموزش آن سوره به دیگر شاگردان بودند.

از آنجا که محدودیت سنی خاصی برای حضور شاگردان در مکتب‌خانه‌ها نبود و شاگردان پنج یا شش ساله، که هنوز قدرت خواندن و نوشتن نداشتند، در کنار دیگر شاگردان در درس

۱- «عمّ جزء»، کتابی است شامل بر سوره‌های جزء سی‌ام قرآن؛ این کتاب به این دلیل که با سوره «عمّ بتسالون» شروع می‌شود، به «عمّ جزء» مشهور شده است.

حاضر می‌شدند، آموزش بر مبنای متن مکتوب قرآن صورت نمی‌گرفت و شاگردان به مرور زمان سوره‌ها را حفظ می‌کردند.

به تدریج، با تأسیس ساختارهای جدید حکومتی و دولتی و توسعه مدارس در کنار مکتب‌خانه‌ها، نظام آموزشی مکتب‌خانه‌ای، جای خود را به نظام جدیدی با عنوان «نظام آموزش و پرورش رسمی» داد.

ب) نظام آموزش و پرورش رسمی

آموزش قرآن از سال ۱۳۲۳ شمسی به صورت رسمی وارد نظام آموزش و پرورش شد. در این سال، طی دستورالعملی «درس آموزش قرآن» جزء مواد درسی دوره ابتدایی به شمار آمد و از آن سال به بعد در پایه‌های سوم تا ششم ابتدایی تدریس می‌شد. با پیروزی انقلاب اسلامی و همزمان با آغاز تحول در ساختار و محتواهای آموزشی، دغدغه آموزش قرآن در کلیه مقاطع تحصیلی با قوت بیشتری پیگیری شد و آموزگاران این درس در کنار روش مکتب‌خانه‌ای، از روش‌های گوناگون دیگری به این منظور بهره‌برداری کردند.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ﴿١﴾ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ
يَسْتَوْفُونَ ﴿٢﴾ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ﴿٣﴾ أَلَا
يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ﴿٤﴾ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥﴾ يَوْمَ
يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ
الْفُجَارِ لَفِي سَجِّينٍ ﴿٧﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَجِّينٌ ﴿٨﴾
كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ﴿٩﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ
يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿١١﴾ وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلٌّ
مُّعْتَدٍ أَنَّهُمْ ﴿١٢﴾ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالُوا سَاطِرُ الْأَوَّلِينَ
﴿١٣﴾ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾ كَلَّا
إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا
الْجَحِيمِ ﴿١٦﴾ ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿١٧﴾





ترجمه سوره مطففین، آیات ۱ تا ۱۷

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

وای بر کم‌فروشان^(۱) همانان که چون از مردم پیمانه ستانند به تمام و کمال ستانند^(۲) و چون برای آنان پیمانه یا وزن کنند به ایشان کم دهند^(۳) مگر آنان گمان قوی نمی‌دارند که برانگیخته خواهند شد^(۴) [در] روزی بزرگ^(۵) روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان [برای داوری از خاک] به پای ایستند^(۶) هرگز [نباید کم فروشی کنند و از روز حساب غافل شوند؛ زیرا که] قطعاً کارنامه بدکاران در سیاه چال و محبسی دائمی و سخت در طبقات زیرین است^(۷) و توجه دانی که سچین چیست^(۸) این سرنوشتی حتمیست^(۹) وای بر تکذیب‌کنندگان در آن هنگام که آنچه برایشان مقرر شده تحقق یابد^(۱۰) آنان که روز جزا را دروغ می‌پندارند^(۱۱) و جز هر تجاوزپیشه گناهکاری آن را به دروغ نمی‌گیرد^(۱۲) [همان که] چون آیات ما بر او خوانده شود گوید [اینها] افسانه‌های پیشینیان [و سخنان بی حساب و کتاب] است^(۱۳) نه آیات قرآن افسانه نیست بلکه گناهایی که همواره مرتکب می‌شدند زنگار بر دل‌هایشان بسته است از این روح را در نمی‌یابند^(۱۴) هرگز نباید مرتکب گناه شوند، زیرا قطعاً گناهکاران در آن روز از کرامت و قرب پروردگارشان محرومند^(۱۵) آنگاه به یقین آنان به جهنم درآیند^(۱۶) سپس [به ایشان] گفته خواهد شد این همان است که آن را به دروغ می‌گرفتید^(۱۷)

محتوای کلی سوره مطففین

سوره مطففین هشتاد و سومین سوره قرآن کریم است که مکی و ۳۶ آیه دارد. در سخنی از رسول خدا ﷺ آمده است: هر کس که سوره مطففین را قرائت نماید خداوند به او شربابی از باده سر به مهر، می‌نوشاند.^۱ امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: هر کس در نمازهای واجب خود سوره مطففین را قرائت نماید خداوند امنیت از آتش را به او عطا می‌کند به گونه‌ای که نه او آتش را می‌بیند و نه آتش او را. در روز قیامت بر روی پل جهنم عبور نمی‌کند و از او محاسبه نمی‌شود.^۲

۱- مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۸۹
۲- نواب الاعمال، ص ۱۲۲





درس هفتم



شامل:

- ۱ قرائت: آیات ۴۱ تا ۴۸ سوره اسراء
- ۲ فصاحت و تجويد: زاء، سين، شين و صاد
- ۳ علوم قرآنی: ترجمه قرآن
- ۴ حفظ نور: سوره مُطَفِّفِينَ، آیات ۱۸ تا ۳۶

وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا
 وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿٤١﴾ قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ
 كَمَا يَقُولُونَ إِذَا لَابَتَّغُوا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا ﴿٤٢﴾
 سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿٤٣﴾
 تُسَبِّحُ لَهُ السَّمٰوٰتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ
 وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ
 لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٤٤﴾
 وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ
 لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا ﴿٤٥﴾ وَجَعَلْنَا
 عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا
 وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ، وَلَّوْا عَلَىٰ
 أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ﴿٤٦﴾ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ
 إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ
 إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا ﴿٤٧﴾ أَنْظِرْ كَيْفَ ضَرَبُوا
 لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ﴿٤٨﴾

صحت ، فصاحت و تجوید حروف زاء، سین، شین و صاد

زء: معمولاً درست خوانده می‌شود. نباید نوک‌زبانی شبیه **ذال** تلفظ شود. مانند:

إِذَا زَلَّزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا وَيَلُّ لِكُلِّ هُمْزَةٍ لُّمَزَةٌ

همچنین نباید با فشار و دمش، زاء به **سین** مایل شود، به ویژه زاء مشدد، مانند:

وَالزَّيْتُونَ يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ سَدَّعُ الزَّبَانِيَّةَ

سین: معمولاً درست خوانده می‌شود. نباید درشت و مایل به **صاد** تلفظ شود. مانند:

المُسْتَقِيمَ سُبْحَانَ السَّلَامِ

همچنین نباید نوک‌زبانی شبیه **ثاء** تلفظ شود، مانند: رَسُولٌ بِسْمِ نَسْتَعِينُ

شین: معمولاً درست خوانده می‌شود. نباید با جلوآوردن زبان، **شین** به **سین** مایل شود،

مانند: الشَّيْطَانِ شَانِكَ شَرِّ شَرِيكَ

برای متمایز شدن **شین** از **ژ**، باید مقداری با وسط زبان دمیده شود، مانند:

أَشْهَدُ كَشَرَ فَرِيشِ الشِّتَاءِ

در اصطلاح تجوید، به **دمش شین** با وسط زبان، **تَفْشِي** می‌گویند.

صاد: معمولاً با **سین** اشتباه می‌شود و برای تلفظ صحیح آن باید درشت و پر و با تکیه

بر گلو تلفظ گردد، مانند: الصَّلَاةِ الصِّرَاطِ الصَّمَدِ صَلِّ

از نظر فصاحت و تجوید، باید از تلفظ **صاد** سوتی، فوتی، نوک‌زبانی و سایر تلفظ‌های

نامناسب پرهیز شود و **صاد** فقط با تکیه بر گلو، درشت تلفظ گردد، مانند:

وَالعَصْرِ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

نکته: در سوره مبارکه بقره، آیه ۲۴۵، روی **صاد** در کلمه «بِصْطُطُ» یک **سین** کوچک

نوشته شده که به جای **صاد** خوانده می‌شود.

در سوره مبارکه اعراف، آیه ۶۹، نیز روی **صاد** در کلمه «بِصْطَطَةُ» یک **سین** کوچک

نوشته شده که به جای **صاد** خوانده می‌شود.

تمرین: آیات درس و اذکار نماز را با رعایت فصاحت و تجوید حروف بخوانید.



علوم قرآنی

ترجمه قرآن

در سال گذشته دانستیم که توجه به قرآن و انس با آن دو مرحله اساسی دارد :
قرائت مستمر آیات و تدبیر در معانی آنها.

قرائت مستمر آیات، موجب انس با الفاظ قرآن شده و تدبیر در معانی آنها سبب بهره‌مندی از هدایت قرآن می‌شود.

اولین گام برای تدبیر، فهم معنای ظاهری آیات قرآن است که لازمه آن، آشنایی با زبان عربی است.

به نظر شما برای اینکه معانی آیات در دسترس همگان – حتی کسانی که با زبان عربی آشنایی ندارند – قرار گیرد، چه تدبیری باید اندیشید؟

هنگامی که با متنی از یک زبان خارجی روبه‌رو هستیم، طبیعی است که برای آگاهی از محتوای آن یا باید بر آن زبان مسلط باشیم و یا باید به ترجمه‌ای مراجعه کنیم که دیگران از آن استفاده کرده‌اند.

«ترجمه» یعنی انتقال معنا از یک زبان (زبان مبدأ) به زبان دیگر (زبان مقصد) به گونه‌ای که مخاطب، همان پیام و اثری را دریافت کند که در زبان مبدأ وجود دارد.

ترجمه، دروازه ورود علوم گوناگون از یک کشور با یک زبان به دیگر کشورها است. امروزه کتاب‌های گوناگون علمی و فرهنگی به وسیله ترجمه در میان دانشمندان تبادل می‌شود و آشنا نبودن با زبان، محدودیتی برای انتقال دانش به شمار نمی‌آید.

در این میان برخی کتاب‌ها به دلیل اهمیت و مخاطبان فراوان آن، به زبان‌های گوناگون ترجمه می‌شوند تا افراد بیشتری از کشورهای مختلف امکان استفاده از محتوای آن کتاب‌ها را داشته باشند. نمونه معروف این کتاب‌ها، کتب مقدس و آسمانی به ویژه قرآن کریم است. از آنجا که بیش از یک میلیارد مسلمان در کشورها با زبان‌های مختلف زندگی می‌کنند، قرآن به زبان‌های گوناگون ترجمه شده است تا برای همه آنان، زمینه استفاده و بهره‌مندی از هدایت قرآن فراهم شود.

به دلیل اهمیت این موضوع، از دیرباز پرسشی در مقابل دانشمندان مسلمان مطرح بوده است:

آیا ترجمه قرآن، تمام معانی و پیام‌های آیات را به خوبی به مخاطب منتقل می‌کند؟

برای ارائه پاسخی صحیح و منطقی به این سؤال، ابتدا باید چالش‌هایی که ممکن است در مقابل ترجمه قرآن وجود داشته باشد را فهرست کنیم:

۱ قرآن معجزه است و الفاظ کوتاه آن، معانی عمیق و فراوانی را در خود جای داده است؛ بنابراین ترجمه و یافتن معادلی برای آنها، ممکن نیست.

۲ الفاظ عربی قرآن، جذبه‌های روحی و نظم‌آهنگی دارد که در روح و روان قاری نفوذ کرده و او را با خود همراه می‌کند؛ در حالی که ترجمه، چنین تأثیری بر خواننده ندارد.

۳ این امکان هست که مترجم فهم نادرستی از آیات قرآن داشته باشد و در نتیجه خوانندگان را در دریافت معانی آیات قرآن به اشتباه بیندازد.

در مقابل این چالش‌ها، دانشمندان مسلمان همواره ترجمه قرآن را یک ضرورت تبلیغی می‌شمردند؛ چرا که بدون آن امکان آشنایی بسیاری از مسلمانان غیر عرب‌زبان با دستورهای سعادت‌بخش قرآن فراهم نمی‌شد.

این دانشمندان، چالش‌های مطرح شده را وارد نمی‌دانستند و معتقد بودند که:

۱ ترجمه با وجود محدودیت‌هایی که دارد، تنها به اندازه امکان و توان خود، معنا را به مخاطب منتقل می‌کند و به هیچ عنوان ادعا نمی‌کند تمام معنای الفاظ قرآن را منتقل کرده است.

۲ ترجمه در واقع تفسیر مختصری از قرآن برای غیر عرب‌زبانان است که به اندازه توان مترجم به مخاطب منتقل می‌شود. در تفسیر نیز احتمال برداشت اشتباه از آیات قرآن هست، بر این اساس آیا باید تفسیر را به طور کلی تعطیل کرد؟!

۳ هیچ یک از احکام و ویژگی‌های قرآن، برای ترجمه آن نیست؛ بنابراین ترجمه قرآن ما را از متن اصلی آن بی‌نیاز نمی‌کند و باید همواره در کنار متن اصلی قرار گیرد تا خواننده از متن عربی آیات نیز بهره‌مند شود.

فعالیت کلاسی

با توجه به این نکات، پاسخ شما در مقابل چالش‌هایی که در پیش گذشت، چیست؟

انواع ترجمه قرآن

هر یک از مترجمان قرآن، روش خاصی را در ترجمه انتخاب کرده‌اند. این روش‌ها عموماً به سه دسته تقسیم می‌شوند که هر یک نوع خاصی از ترجمه قرآن را به وجود آورده است:

۱- ترجمه تحت اللفظی (کلمه به کلمه)

مترجم در این نوع ترجمه، به جای هر کلمه از زبان مبدأ، کلمه‌ای از زبان مقصد را

جایگزین می‌کند. این شکل از ترجمه بسیار دشوار است؛ زیرا یافتن کلمات معادل با همان ویژگی‌ها، در زبان مقصد مشکل است. این ترجمه به دلیل پابندی به الفاظ قرآن، موجب آشنایی مخاطب با معانی الفاظ قرآن شده و آموزش معنای کلمات قرآن از این طریق به راحتی امکان‌پذیر می‌شود.

از نمونه‌های این ترجمه می‌توان به ترجمه آقای محمدکاظم معزّی اشاره کرد. به این نمونه از ترجمه ایشان دقت کنید.

خداوند درباره والدین سفارش می‌کند :

وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ

وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا

و فروخوابان برای آنان بال فروتنی را از مهر

و بگو پروردگارا رحم کن بر آنان چنانکه مرا پرورش دادند در کودکی

سوره اِسراء/ ۲۴

۲- ترجمه روان

مترجم در این روش سعی می‌کند معنای هر جمله را از قالب آن در زبان مبدأ به قالب دیگری در زبان مقصد بریزد تا مقصود به خوبی بیان شود؛ بر این اساس، وی ممکن است به تقدیم و تأخیر در عبارات یا کم و زیاد کردن برخی کلمات دست بزند تا مفهوم جمله روشن‌تر شود. این گونه ترجمه را ترجمه معنوی نیز می‌گویند؛ زیرا در آن بیشتر سعی بر انتقال کامل مفاهیم است، نه تطابق لفظی. ترجمه آیت الله مکارم شیرازی از این نوع ترجمه به شمار می‌رود. به این نمونه توجه کنید؛ خداوند درباره میزان انفاق به پیامبر می‌فرماید :

وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ

فَتَقْعَدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا

هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن (و ترک انفاق و بخشش منما) و بیش از حد (نیز) دست خود را مگشای، تا مورد سرزنش قرارگیری و از کار فرومانی.

سوره اِسراء/ ۲۹

در این روش، کلماتی که به ترجمه اضافه می‌شود، معمولاً در پرانتز قرار می‌گیرند تا مشخص شود از سوی مترجم اضافه شده است.

۳- ترجمه تفسیری

مترجم در این نوع از ترجمه، مانند یک مفسر عمل می‌کند و توضیح و تبیین جملات آیه و تفسیر مختصری از آن را نیز در کنار ترجمه به آن می‌افزاید. بنابراین معمولاً حجم این نوع ترجمه از ترجمه روان بسیار بیشتر است.

ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام در این نوع از ترجمه قرار می‌گیرد. به این ترجمه دقت کنید:

إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا

محققاً اسراف‌کنندگان برادران (پیروان) اهریمنان هستند و (چنانکه) شیطان و اهریمن بسیار ناسپاس گزارنده (نعمت‌های) پروردگارش بود (عقل و خرد و حیات و زندگانی خود را در معصیت و نافرمانی به کار برد، همچنین اسراف‌کنندگان نیز ناسپاس گزارندگان نعمت‌های پروردگارشان هستند.)

سوره اسراء/ ۲۷

همان‌گونه که می‌بینید، هر چند در اینجا نیز عبارات اضافه شده از سوی مترجم در پرانتز قرار گرفته، اما ترجمه‌ایشان رنگ و بویی از تفسیر به خود گرفته است.

فعالیت کلاسی

اگر در یک آیه استعاره یا مجاز به کار رفته باشد، کدام یک از انواع ترجمه برای فهم معنای آیه مناسب است؟ کدام مناسب نیست؟ چرا؟

شرایط مترجم قرآن

مترجم برای ارائه ترجمه‌ای صحیح و دقیق از قرآن باید دارای توانایی و شرایطی باشد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

۱- تسلط بر زبان عربی و دستور زبان آن: مترجم با تسلط بر زبان عربی، واژگان و چگونگی اشتقاق آنها و نیز جایگاه قرار گرفتن آنها را در جمله بررسی می‌کند تا مفهوم عبارات را به خوبی دریابد. او همچنین با تسلط بر آرایه‌های ادبی و بلاغی، استعاره‌ها، مجازها و کنایه‌های موجود در عبارات را کشف می‌کند.

۲- تسلط بر زبان مقصد و دستور زبان آن: مترجم پس از کشف معنا در زبان مبدأ، بهترین معادل برای واژگان و عبارات را در زبان مقصد می‌یابد و ساختار دستوری جملات را از زبان مبدأ به زبان مقصد به صورت روان و قابل فهم مخاطب منتقل می‌کند.

۳- دارا بودن بینش تفسیری: چنانکه پیش از این دانستیم، فهم دقیق زبان قرآن، توانمندی‌ها و ابزارهای ویژه‌ای می‌طلبد و تنها با تسلط بر زبان عربی به دست نمی‌آید؛ این ابزارها در علم تفسیر معرفی شده‌است؛ از این رو یک مترجم پیش از اینکه مترجم باشد، باید دارای بینش تفسیری باشد و شرایط مورد نیاز برای تفسیر قرآن را در خود به وجود بیاورد. البته در ترجمه، همان‌گونه که در نمونه‌ها دیدید، هر عبارتی که برای فهم دقیق تر آیه و به منظور تفسیر آن اضافه می‌شود، باید در پرانتز قرار گیرد تا از عبارات آیه جدا شود.

فعالیت کلاسی

با توجه به آنچه در سال گذشته خواندیم، شرایط مورد نیاز برای تفسیر قرآن چیست؟

..... ۱-

..... ۲-

حال به نظر شما تفسیر قرآن سخت تر است یا ترجمه آن؟ چرا؟

اندیشه و تحقیق

۱- قرآن به چند زبان زنده دنیا ترجمه شده است؟

۲- سه نوع ترجمه تحت اللفظی، روان و تفسیری را درباره این عبارت قرآنی با یکدیگر مقایسه کنید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا

سوره آل عمران/ ۱۰۳

غیر از انواع سه گانه ترجمه، که در درس معرفی شد، آیا انواع دیگری نیز می شناسید؟ آنها را به همراه نمونه ای از هر یک در کلاس معرفی کنید.

کلام ولایت

فهم معارف قرآن درجاتی دارد :
اول آن از همین تأمل در الفاظ قرآن و ترجمه
قرآن به دست می‌آید.

(دیدار با قاریان و حافظان قرآن) ۸۹/۵/۲۱



هرچه از قرآن تلاوت کردید، ترجمه آن را هم نگاه
کنید؛ بگذارید این مفاهیم در ذهن شما حک شود.
در آن صورت فرصت تدبیر پیدا خواهید کرد.

(دیدار با قاریان و حافظان قرآن) ۷۹/۸/۹

با قرآن انس پیدا کنید. قرآن را با توجه به ترجمه بخوانید؛ این ترجمه
را به یاد بسپارید.

در آیاتی که نصیحت هست، متضمن یک معرفتی است که انسان
می‌فهمد، از آن بهره‌مند شوید.

(دیدار با ذاکران اهل بیت) ۹۰/۳/۳

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْآبَرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ ﴿١٨﴾ وَمَا أَدْرَاكَ
 مَا عِلِّيُّونَ ﴿١٩﴾ كِتَابٌ مَرْقُومٌ ﴿٢٠﴾ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢١﴾
 إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿٢٢﴾ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٢٣﴾
 تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ﴿٢٤﴾ يُسْقُونَ مِن
 رَحِيقٍ مَّخْتومٍ ﴿٢٥﴾ خِتْمُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ
 فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ﴿٢٦﴾ وَمَزَاجُهُم مِّن تَسْنِيمٍ ﴿٢٧﴾
 عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا
 مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ ﴿٢٩﴾ وَإِذَا مَرَّوَابِهِمْ يَتَغَامَزُونَ
 ﴿٣٠﴾ وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذَا
 رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ ﴿٣٢﴾ وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ
 حَفِظِينَ ﴿٣٣﴾ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ
 ﴿٣٤﴾ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٣٥﴾ هَلْ تُؤِوبُ الْكُفَّارُ مَا
 كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾

ترجمه سوره مطفین، آیات ۱۸ تا ۳۶

هرگز [نباید کم فروشی کنند و از روز حساب غافل شوند زیرا که] در حقیقت سرنوشت نیکان در بلندترین بلندی هاست «۱۸» و توجه دانی که علیون چیست «۱۹» این سرنوشتی حتمیست «۲۰»
 مقربان آن را مشاهده خواهند کرد «۲۱» براستی نیکوکاران در نعیم [الهی] خواهند بود «۲۲» آنان در حجله ها بر تختها [نشسته] و به بهشت و نعمت هایش می نگرند «۲۳» از چهره هایشان طراوت و شادابی نعمت [بهشت] را درمی یابی «۲۴» از باده ای خالص که مهر شده نوشانیده شوند «۲۵» [باده ای که] مهر آن مُشک است و در این [نعمتها] مشتاقان در دستیابی به این مواهب بهشتی باید بر یکدیگر پیشی گیرند «۲۶» و چاشنی اش از [چشمه] تسنیم است «۲۷» چشمه ای که مقربان [خدا] از آن نوشند «۲۸» [آری در دنیا] کسانی که گناه می کردند آنان را که ایمان آورده بودند به ریشخند می گرفتند «۲۹» و چون بر ایشان می گذشتند اشاره چشم و ابرو با هم رد و بدل می کردند «۳۰» و هنگامی که نزد خانواده [های] خود بازمی گشتند به سرمستی می پرداختند «۳۱» و چون مؤمنان را می دیدند می گفتند اینها [جماعتی] گمراهند «۳۲» و حال آنکه آنان برای بازرسی [کار] مؤمنان فرستاده نشده بودند [که درباره آنان داوری می کنند] «۳۳» و [لی] امروز که روز جزاست مؤمنانند که به کافران خنده می زنند «۳۴» بر تختها [ی خود نشسته] نظاره می کنند «۳۵» [تا ببینند] آیا کافران به پاداش آنچه می کردند رسیده اند «۳۶»



درس هشتم



شامل:

۱ قرائت: آیات ۲۵ تا ۳۴ سوره فرقان

۲ فصاحت و تجوید: ضاد و طاء

۳ علوم قرآنی: تفسیر اجتهادی

۴ حفظ نور: سوره بُرُوج

وَيَوْمَ تَشَقُّ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ
 تَنْزِيلًا ﴿٢٥﴾ الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا
 عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ﴿٢٦﴾ وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ
 عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلِيَّتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ
 سَبِيلًا ﴿٢٧﴾ يُوِيلَتِي لِيَتَنِي لَمْ آتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا
 ﴿٢٨﴾ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي
 وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا ﴿٢٩﴾ وَقَالَ الرَّسُولُ
 يُرَبِّ إِنِّي قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ﴿٣٠﴾
 وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ
 وَكَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًّا وَنَصِيرًا ﴿٣١﴾ وَقَالَ الَّذِينَ
 كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً
 كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا
 ﴿٣٢﴾ وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ
 تَفْسِيرًا ﴿٣٣﴾ الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَى وُجُوهِهِمْ
 إِلَى جَهَنَّمَ أُولَئِكَ شَرُّ مَكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٣٤﴾

صحت ، فصاحت و تجوید حروف ضاد و طاء

ضاد: معمولاً با **زاء** اشتباه می‌شود، و برای تلفظ درست آن، باید زبان بین دندان‌ها قرار گیرد و **نوک زبانی**، **درشت** و **محکم** تلفظ شود، مانند: **غَيْرِ الْمَغْضُوبِ**
با **ذال** نیز اشتباه می‌شود و برای تلفظ درست آن، باید **ضاد درشت** و **محکم** تلفظ گردد،
مانند: **وَلَا الضَّالِّينَ**

همچنین با **طاء** اشتباه می‌شود و برای تلفظ درست آن، باید **ضاد محکم** تلفظ گردد،
مانند: **وَالضُّحَى ضَالًّا**

از نظر فصاحت و تجوید، نباید **ضاد** خیلی محکم و به طاء مایل شود.

همچنین نباید با تکلف، وسواس و کج کردن زبان و دهان تلفظ شود.

ضاد ساکن قلقله ندارد و تکان داده نمی‌شود و لازم نیست تلفظ آن به طور واضح به گوش برسد، و به بیان کامل نیاز ندارد، کافی است فقط حس شود، مانند:
فَضْلِ يَضْرِبُ أَضَعْفُ

در سوره مبارکه نمل آیه ۶۲، در جمله « **أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ** » **ضاد ساکن** نزد طاء ادغام نمی‌شود، و قلقله ندارد.

طاء: معمولاً با **تاء** اشتباه می‌شود و برای تلفظ درست آن، باید درشت و پر، با تکیه بر گلو تلفظ گردد، مانند: **الشَّيْطَانِ صِرَاطٍ أَعْطَيْنَاكَ**

از نظر فصاحت و تجوید، **طاء ساکن** باید با تکان کوچکی (قلقله) تلفظ شود و به طور واضح بیان گردد، مانند: **مَطَّلَعٍ أَطْهَرُ يَطْبَعُ**

در حالت وقف که طاء ساکن می‌شود نیز، با قلقله تلفظ می‌گردد، مانند:

مُحِيطٌ ← مُحِيطٌ قَنُوطٌ ← قَنُوطٌ

طاء ساکن نزد تاء بدون قلقله تلفظ می‌شود، مانند: **بَسَطَتْ أَحَطَّتْ فَرَطْتُمْ**
باید از تلفظ **طاء** همراه با دمش و مایل به تاء، یا تیز و نزدیک به دال و یا مایل به قاف پرهیز شود و طاء فقط با تکیه بر گلو، درشت تلفظ گردد.

تمرین: آیات درس و اذکار نماز را با رعایت فصاحت و تجوید حروف بخوانید.

تفسیر اجتهادی

سال گذشته با مفهوم «تفسیر» آشنا شدیم و دانستیم که تفسیر قرآن، علمی است که به کمک آن مراد و مقصود آیات قرآن به اندازه توان مفسّر، کشف و آشکار می‌شود. تاکنون صدها عنوان تفسیر از سوی مفسران گوناگون تألیف و تدوین شده است. فکر می‌کنید دلیل این حجم بسیار از تفاسیر چیست؟ چرا هر یک از مفسران در طول قرن‌ها به تدوین و ارائه تفسیری از قرآن همت می‌گماردند؟ آیا علت این مسئله تنها به توانایی مفسران بازمی‌گردد یا علت دیگری نیز دارد؟

پیش از این دانستیم که تفسیر از نظر شکل و قالب به دو نوع «ترتیبی» و «موضوعی» تقسیم می‌شود. حال اگر تفسیر را از نظر محتوای آن مطالعه و بررسی کنیم، با انواع دیگری از آن روبه‌رو خواهیم شد.

تفسیر قرآن از نظر محتوای آن به دو نوع کلی تقسیم می‌شود:

الف) تفسیر مأثور (تفسیر نقلی)

در این نوع از تفسیر، دغدغه اصلی مفسر، جمع‌آوری روایات معتبر نقل شده از پیامبر، صحابه ایشان و ائمه معصومین علیهم‌السلام در تفسیر آیات گوناگون قرآن است تا با استفاده از این روایات، آیات قرآن را تفسیر کند. از این رو ممکن است آن دسته از آیات که روایتی در تفسیر آن به دست ما نرسیده باشد، بدون تفسیر رها شود.

ب) تفسیر اجتهادی (تفسیر عقلی)

این نوع تفسیر، همان گونه که از نامش پیداست، بر اساس اجتهاد مفسر صورت می‌پذیرد؛ یعنی مفسر با استفاده از عقل و اندیشه خود، در آیات قرآن تدبر نموده و حاصل آن را به صورت تفسیر ارائه می‌کند و البته در این راه از منابع گوناگون (ادبیات عرب، لغت، تاریخ و...) نیز بهره می‌گیرد.

تفسیر اجتهادی در طول قرن‌های مختلف، یک ضرورت به شمار آمده و مفسران با انگیزه‌ها و دلایل گوناگون به آن روی می‌آوردند؛ از جمله:

■ **الف)** بسیاری از مفاهیم عمیق نهفته در آیات قرآن، متناسب با دانش و توانایی مفسران و به مرور زمان کشف و ارائه می‌شود و همین، باب تفسیر اجتهادی را برای همیشه پیش روی مفسران می‌گشاید.

■ **ب)** با پیشرفت زمان، مسائل و نیازهای متفاوتی برای مسلمانان پیش می‌آید که می‌توان با مراجعه به دستوره‌های دینی، به ویژه قرآن و ارائه تفسیرهای اجتهادی نو از آن، در جهت حل این مسائل و رفع این نیازها کوشید.

این انگیزه‌ها، موجب شد تا در طول تاریخ، تفاسیر اجتهادی بسیاری از سوی مفسران مختلف نوشته شود.

حال، سؤال اساسی این است که این تفاسیر، چه تمایزها و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟ با چه ملاک و معیاری می‌توان این تفاسیر را دسته‌بندی و با یکدیگر مقایسه کرد؟

مطالعه این تفاسیر نشان می‌دهد که هر مفسر متناسب با علاقه و تخصص خود با رویکرد و روشی خاصی به تفسیر قرآن پرداخته است؛ به عنوان نمونه یک ادیب با رویکرد ادبی و بلاغی، آیات را تفسیر می‌کند یا یک فقیه با هدف استخراج احکام شرعی به تفسیر قرآن می‌پردازد و یک مبلغ دینی با انگیزه دریافت نکات تربیتی و اجتماعی به تفسیر روی می‌آورد.

البته این رویکردها، جهت‌گیری کلی یک مفسر را نشان می‌دهد و گرنه ممکن است او از رویکردهای دیگر نیز استفاده کرده باشد؛ به عنوان نمونه هر چند یک ادیب ممکن است در تفسیر قرآن به تناسب وارد مباحث فقهی و تربیتی نیز شده باشد، اما بحث‌های ادبی و بلاغی، رنگ و بوی اصلی و بیشتری در تفسیر او دارد.

در این درس، تعدادی از مهمترین این رویکردها را با یکدیگر مرور می‌کنیم:

۱- رویکرد ادبی در تفسیر

در این نوع تفسیر برای کشف مفاهیم و مقاصد آیات، بیشتر به جنبه‌های ادبی و لغوی قرآن توجه می‌شود.

چنین مفسرانی باتسلط بر علوم ادبی همچون مفردات قرآن، صرف، نحو و بلاغت به تفسیر آیات می‌پردازند و معانی آیات را با توجه به ترکیب کلمات و جنبه‌های ادبی نهفته در آنها بیان می‌کنند.

البته همان گونه که گذشت، رویکرد ادبی در تفسیر قرآن از توانایی و تخصص مفسر نشئت می‌گیرد و مفسرانی که تسلط و تبحر کافی در ادبیات عربی دارند، صلاحیت ارائه این نوع تفسیر را دارند.

به این آیه توجه کنید:

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَاقَاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ ...
آیا کافران به پرندگانی که بالای سرشان است و گاه بال‌های خود را گسترده و گاه جمع می‌کنند، نگاه نکردند؟! غیر از خداوند رحمان، کسی آنها را بر فراز آسمان نگه نمی‌دارد.

ملک/۱۹

زمخشری، یکی از مفسران بزرگ اهل سنت، که در علوم ادبی و بلاغت تبحر داشته است، در تفسیر این آیه تنها به ذکر یکی از ظرائف ادبی آن بسنده می‌کند و می‌نویسد:

«يَقْبِضْنَ»، عطف به «صَاقَاتٍ» است و می‌بایست به صورت «قَابِضَاتٍ» می‌آمد؛ اما چرا به صورت «يَقْبِضْنَ» آمده است؟ دلیل آن این است که اصل در پرواز، گشودن بال‌ها است نه جمع کردن آنها؛ و جمع کردن و بستن آنها برای این است که به این وسیله به سمت جلو حرکت کند؛ بدین جهت عمل اصلی را به صورت اسم فاعل «صَاقَاتٍ» آورد و عمل غیر اصلی را به صورت فعل مضارع «يَقْبِضْنَ»^۱.

۱- تفسیر «الکشاف»، ج ۴، ص ۵۸۱.

فعالیت کلاسی

یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام، از ایشان درباره مقدار مسح سر و پا در وضو سؤال می‌کند. امام با استناد به آیه

فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ
وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ ماده ۶
می‌فرماید: إِنَّ الْمَسْحَ بَبَعْضِ الرَّأْسِ لِمَكَانِ الْبَاءِ ثُمَّ وَصَلَ الرَّجْلَيْنِ بِالرَّأْسِ
كَمَا وَصَلَ الْيَدَيْنِ بِالْوَجْهِ^۱

توضیح دهید در این حدیث، چگونه از رویکرد ادبی در تفسیر آیه استفاده شده است؟

۲- رویکرد فقهی در تفسیر

مفسر در این رویکرد تفسیری به دنبال شناخت و دریافت احکام فقهی از آیات قرآن است. در این حالت، مفسر که باید در درجه اول فقیه باشد، با استفاده از اصول و مبانی فقهی خود به تدبیر در آیات می‌پردازد و فتوای خود را بیان می‌کند.

بیشتر تفاسیری که با رویکرد فقهی نوشته شده، «احکام القرآن» نام گرفته است. به این نمونه دقت کنید:

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ...
نماز را از زوال خورشید تا نهایت تاریکی شب (نیمه شب)
و همچنین قرآن فجر (نماز صبح) را برپا دار....

إسراء/۷۸

این آیه حکم فقهی اوقات نماز را بیان می‌کند. مقدس اردبیلی در تفسیر فقهی خود به نام «زبدة البیان فی احکام القرآن»، ذیل این آیه می‌نویسد:

«دُلُوكِ الشَّمْسِ» به معنای زوال آفتاب و هنگام ظهر است و «غَسَقِ اللَّيْلِ» به معنای تاریکی پایان شب و نیمه شب است؛ که این محدوده زمانی به‌طور کلی وقت اقامه نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشاء است. البته تعیین دقیق وقت این نمازها نیازمند مراجعه به دیگر

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۳۰.

منابع از جمله روایات یا اجماع فقها است. نماز صبح هم با عبارت «قُرْآنَ الْفَجْرِ» مشخص شده است. بر این اساس، آیه به صورت اجمالی، اوقات نمازهای پنج‌گانه را بیان می‌کند. ایشان در ادامه، نظر دیگر فقها را در تفسیر عباراتی چون «دُلُوكِ الشَّمْسِ» و «عَسَقِ اللَّيْلِ» بیان می‌کند و با استناد به برخی روایات، نظر فقهی خود را به اثبات می‌رساند. در تفاسیر فقهی از آنجا که دغدغه اصلی مفسر بیان مسائل فقهی است، معمولاً دیگر مباحث کلامی و تربیتی موجود در آیات، مورد طرح و بررسی قرار نمی‌گیرند.

۳- رویکرد کلامی در تفسیر

علم کلام، علمی است که در آن از اعتقادات دینی با استفاده از دلیل و برهان بحث شده و به شبهات اعتقادی پاسخ داده می‌شود. در طول تاریخ اسلام، برخی مفسران که در علم کلام نیز تبخّر داشته‌اند، با هدف اثبات اعتقادات دینی خود و تبیین آنها مبتنی بر آیات، به تفسیر قرآن پرداخته و رویکرد جدیدی را به عنوان رویکرد کلامی در تفسیر به وجود آورده‌اند. در این رویکرد، غالباً انگیزه مفسر دفاع از عقاید مذهبی خود است. به این آیه دقت کنید:

وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ؛ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ

در آن روز صورت‌هایی شاداب و مسرور است؛ و به پروردگارش می‌نگرد.

سوره قیامت/۲۳-۲۲

ظاهر آیه نشان می‌دهد که چهره‌هایی در روز قیامت به خداوند نگاه می‌کنند. برخی از فرقه‌های اسلامی با تکیه بر ظاهر آیه معتقدند که بهشتیان، خدا را در روز قیامت با چشم مشاهده می‌کنند؛ در حالی که بسیاری از مفسران از آنجا که جسمانیت خدا را حتی در قیامت نمی‌پذیرند، آیه را به گونه‌ای دیگر تفسیر کرده‌اند.

در کتاب «الفرقان فی تفسیر القرآن»، که یکی از تفاسیر کلامی به شمار می‌رود، ذیل این آیه می‌خوانیم:

چشم ظاهری به پروردگار نمی‌نگرد؛ چرا که در دیگر آیات قرآن می‌خوانیم: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ»؛ چشم‌ها او را نمی‌بینند (انعام/۱۰۳)؛ بلکه مراد رؤیت باطنی است که با نگاه معرفت و

انتظار رحمت و بخشش او را می‌نگرد؛ زیرا «نظر» در معنای انتظار نیز به کار رفته است :
« مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً »؛ جز این انتظار نمی‌کشند که یک صیحه عظیم
(آسمانی) آنها را فراگیرد^۱.

۴- رویکرد تربیتی - اجتماعی در تفسیر

از نگاه مفسرانی که با رویکرد تربیتی - اجتماعی به تفسیر قرآن پرداخته‌اند، مهمترین نکات تفسیری، مطالب تربیتی و اخلاقی قرآن است که جنبه هدایت‌گری قرآن را آشکار می‌سازد و برای هدایت افراد و حل مشکلات جامعه قابل استفاده است.

این مفسران اگر به واژه‌شناسی، روایات یا مسائل کلامی می‌پردازند، با هدف دریافت نکات هدایتی قرآن است و معتقدند مهمترین هدف تفسیر، باید دریافت مسائل تربیتی و اجتماعی قرآن باشد. از این رو در این تفاسیر، مباحث تربیتی و اجتماعی قرآن، بسیار پر رنگ‌تر از دیگر مباحث (کلامی، فقهی و...) ساخته و پرداخته شده است.

یکی از مهمترین این تفاسیر، «تفسیر نمونه» اثر آیت الله ناصر مکارم شیرازی می‌باشد. به این آیه توجه کنید :

وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا...
(هود گفت:) ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش کنید؛ سپس به سوی او بازگردید تا
(باران) آسمان را پی در پی بر شما بفرستد...

سوره هود/۵۲

در این تفسیر، ذیل این آیه آمده است :

«قرآن پیوند روشنی میان مسائل معنوی و مادی برقرار می‌سازد و استغفار از گناه و بازگشت به سوی خدا را مایه آبادانی و خرمی معرفی می‌نماید.

با صراحت باید گفت، هیچ مسئله اخلاقی نیست مگر اینکه اثر مفید و سازنده‌ای در زندگی مادی مردم دارد و هیچ اعتقاد و ایمان صحیحی پیدا نمی‌شود مگر اینکه در ساختن یک جامعه‌ای آباد و نیرومند سهم بسزایی دارد.

در انقلاب اسلامی کشور ما در این عصر به خوبی مشاهده کردیم که اعتقادات اسلامی و نیروی اخلاق و معنویت چگونه توانست بر نیرومندترین اسلحه زمان و قوی‌ترین ارتش‌ها

۱- الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، اثر شیخ محمدصادق تهرانی، ج ۲۹، ص ۲۸۶.

و قدرت‌های استعماری پیروز گردد و این نشان می‌دهد کاربرد عقائد دینی و اخلاق مثبت معنوی تا چه حد در مسائل اجتماعی و سیاسی زیاد است.^۱ در این تفاسیر به مناسبت، مباحث تربیتی و اجتماعی آیات به اجتماع امروز مسلمانان پیوند می‌خورد و راهکارهای هدایتی قرآن برای رشد مادی و معنوی جامعه ارائه می‌شود.

فعالیت کلاسی

کدام یک از رویکردهایی که در پیش توضیح داده شد، به استناد آیات قرآن، با هدف نزول قرآن سازگارتر است؟ چرا؟ برای پاسخ می‌توانید به آیه ۶۴ از سوره نحل مراجعه کنید.

تفسیر جامع

این نوع از تفاسیر، همان‌گونه که از نامشان پیداست، تفسیری هستند که مفسران در آنها از همه یا بیشتر رویکردهایی که توضیح آن گذشت در تفسیر استفاده می‌کنند. این مفسران معتقدند قرآن دارای ابعاد گوناگونی است که در تفسیر باید به‌طور جامع به همه آنها پرداخت؛ از این رو ایشان از منابع گوناگون واژه‌شناسی، فقهی، کلامی و نیز نظریات تفسیری دیگر مفسران استفاده می‌کنند تا بحثی جامع و مفصل ذیل آیات ارائه کنند.

اندیشه و تحقیق

- ۱- هر یک از این تفاسیر در کدام یک از رویکردهای تفسیر اجتهادی قرار می‌گیرند؟
تفسیر تسنیم، اثر آیت‌الله جوادی آملی
احکام القرآن؛ اثر ابن‌العربی
المیزان فی تفسیر القرآن؛ اثر علامه طباطبائی
تفسیر مفاتیح الغیب، اثر فخرالدین رازی
- ۲- امام جوادی علیه السلام کدام حکم فقهی را از آیه «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (جن/۱۸)، برداشت نموده‌اند؟

۱- برگرفته از تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۱۳۱ تا ۱۳۳.

رویکرد علمی در تفسیر قرآن

یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن، که در قرن‌های اخیر مطرح شده، اعجاز علمی قرآن است؛ یعنی قرآن شامل برخی حقائق علمی است که با پیشرفت علوم به مرور زمان کشف می‌شود. خبر از این حقائق در بیش از ۱۴۰۰ سال پیش، زمانی که سخنی از علم و دانش به میان نبود، حقایق قرآن را بیش از پیش ثابت می‌کند.

وجود این حقایق علمی موجب شد تا در سال‌های اخیر با پیشرفت علوم تجربی، برخی مفسران در تدبر خود به مشابَهت‌های میان علوم تجربی قطعی و آیات قرآن اشاره، و حقایق علمی قرآن را آشکار کنند.

به عنوان نمونه از دیدگاه این مفسران، یکی از موضوعات علمی که در قرآن مطرح شده، حرکت خورشید است. به این آیه دقت کنید:

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ **س ۳۸**

ایشان معتقدند این آیه به انواع حرکت‌های خورشید اشاره می‌کند که امروزه در علوم طبیعی به اثبات رسیده است.

بر مبنای کشفیات جدید، چهار نوع حرکت برای خورشید بیان شده است:

■ حرکت انتقالی به همراه منظومه شمسی به سوی نقطه‌ای معین در فضا، با سرعت ۱۹/۷ کیلومتر در ثانیه

■ حرکت انتقالی به دور مرکز کهکشان راه شیری با سرعت ۲۲۰ کیلومتر در ثانیه

■ حرکت انتقالی به همراه کهکشان راه شیری با سرعت ۶۰۰ کیلومتر در ثانیه^۱

■ حرکت وضعی خورشید هر ۲۵/۵ روز یک بار به دور خود^۲

تفسیر علمی از قرآن کریم، امروزه از سوی بسیاری از مفسران پذیرفته شده و کتاب‌های مستقلی در تبیین و تحلیل آن نوشته شده است.^۳

۱- العلوم الفلکیة فی القرآن، ص ۷۲.

۲- الهیة و الاسلام، ص ۱۸۸.

۳- مانند کتاب پژوهشی در اعجاز علمی قرآن کریم؛ اثر دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ۝۱ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ۝۲ وَشَاهِدِ
وَمَشْهُودِ ۝۳ قَتَلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ ۝۴ النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ
۝۵ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ۝۶ وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ
شُهُودٌ ۝۷ وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ
الْحَمِيدِ ۝۸ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝۹ إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ
عَذَابُ الْحَرِيقِ ۝۱۰ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ۝۱۱
إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ۝۱۲ إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ ۝۱۳
وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ۝۱۴ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ۝۱۵ فَعَالٌ لِّمَا
يُرِيدُ ۝۱۶ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ ۝۱۷ فِرْعَوْنُ وَثَمُودَ
۝۱۸ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ۝۱۹ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ
مُحِيطٌ ۝۲۰ بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ ۝۲۱ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ ۝۲۲

به نام خداوند بخشنده بخشایسگر

سوگند به آسمان آکنده از برجاها^(۱) سوگند به روز موعود [روز جزا که وعده داوری داده شده]^(۲) و به گواه و مورد گواهی^(۳) مرگ بر آدم سوزان خندق^(۴) همانان که آتشی شعله ور با هیزم فراوان افروختند^(۵) آنگاه که آنان بالای آن [خندق به تماشا] نشستند بودند^(۶) و خود بر آنچه بر [سر] مؤمنان می آوردند گواه بودند^(۷) و با آنان مشکلی نداشتند جز اینکه به خدای ارجمند ستوده ایمان آورده بودند^(۸) همان [خدایی] که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست و خدا [ست که] بر هر چیزی گواه است^(۹) کسانی که مردان و زنان مؤمن را در آتش سوزاندند و بعد توبه نکرده اند ایشان راست عذاب جهنم و ایشان راست عذاب سوزان^(۱۰) کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند برای آنان باغهایی است که از زیر [درختان] آن جویها روان است این است [همان] رستگاری بزرگ^(۱۱) آری عقاب پروردگارت سخت سنگین است^(۱۲) هم اوست که [آفرینش را بدون هیچ پیشینه ای] آغاز می کند و بازمی گرداند^(۱۳) و اوست آن آمرزنده دوستدار [مؤمنان]^(۱۴) صاحب ارجمند عرش^(۱۵) هر چه را بخواهد انجام می دهد^(۱۶) آیا حدیث [آن] سپاهیان^(۱۷) فرعون و ثمود بر تو آمد؟^(۱۸) [نه] بلکه آنان که کافر شده اند همواره در حال تکذیب [قرآن و حق] هستند^(۱۹) با آنکه خدا از هر سو بر ایشان محیط است [پس نمی توانند از تحت قدرت او خارج شوند]^(۲۰) آری آن قرآنی با عظمت است^(۲۱) که در لوحی محفوظ [از هر کذب و باطلی] است^(۲۲)

محتوای کلی سوره بروج

سوره بروج هشتاد و پنجمین سوره قرآن کریم است که مکی و ۲۲ آیه دارد. در فضیلت این سوره از رسول خدا ﷺ روایت شده است: هر کس سوره بروج را قرائت کند ده برابر روزهای جمعه و روزهای عرفه ای که او درک کرده است به او پاداش داده می شود.^۱ امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمودند: هر کس سوره بروج را در نمازهای واجب خود بخواند در محشر و موقف هایی که در پیش خواهد داشت همراه با پیامبران و رسولان و صالحان خواهد بود زیرا سوره بروج سوره پیامبران است.^۲ رسول خدا ﷺ بر قرائت این سوره در نمازهای مختلف روزانه سفارش می فرمودند.^۳

۱- مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۱۰

۲- نواب الاعمال، ص ۱۲۲

۳- بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۳۲۱

بخش دوم



پیش‌گفتار

در هشت درس گذشته با موضوعاتی در حوزه علوم قرآن به صورت تفصیلی آشنا شدیم. همان گونه که دانستیم علوم قرآن، آن دسته از علوم می‌هستند که در پیرامون قرآن مطرح می‌شوند و به مفسر در فهم صحیح و دقیق از قرآن کمک می‌کنند. به عبارت دیگر، تسلط بر این علوم پیش‌نیاز ورود به تفسیر و از جمله مقدمات آن است.

در چهار درس باقیمانده به صورت کاربردی وارد موضوع تفسیر قرآن می‌شویم و گام‌هایی را که یک مفسر در تفسیر هر آیه طی می‌کند، با یکدیگر مرور می‌کنیم.

لازم است بدانیم که تعداد این گام‌ها از آنچه در اینجا مطرح می‌شود، بسیار بیشتر است که با توجه به ضرورت و اهمیت، در اینجا به توضیح و تبیین چهار نمونه از آنها می‌پردازیم.



درس نهم



شامل:

- ۱ قرائت: آیات ۴۹ تا ۵۳ سوره شوری
- ۲ فصاحت و تجوید: ظاء، عین، غین، فاء، قاف و کاف
- ۳ علوم قرآنی: فهم قرآن در آینه ادبیات عرب (۱)
- ۴ حفظ نور: سوره نازعات، آیات ۱ تا ۲۵

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ز
يَهْبُ لِمَنْ يَشَآءُ اِنَاثًا وَيَهْبُ لِمَنْ يَشَآءُ الذُّكُوْر
٤٩ ﴿ اَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَاِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ
يَشَآءُ عَقِيْمًا اِنَّهٗ عَلِيْمٌ قَدِيْرٌ ﴿٥٠﴾ وَا مَا كَانَ لِبَشَرٍ
اَنْ يُكَلِّمَهٗ اللّٰهُ اِلَّا وَحِيًّا اَوْ مِنْ وَّرَآئِ حِجَابٍ
اَوْ يُرْسِلَ رَسُوْلًا فَيُوْحِيْ بِاِذْنِهٖ مَا يَشَآءُ ع
اِنَّهٗ عَلِيٌّ حَكِيْمٌ ﴿٥١﴾ وَكَذٰلِكَ اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ
رُوْحًا مِنْ اَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِيْ مَا الْكِتٰبُ
وَلَا الْاِيْمَانُ وَلٰكِنْ جَعَلْنٰهُ نُوْرًا نَهْدِيْ بِهٖ
مَنْ نَشَآءُ مِنْ عِبَادِنَا وَاِنَّكَ لَتَهْدِيْ اِلَى صِرَاطٍ
مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٥٢﴾ صِرَاطِ اللّٰهِ الَّذِيْ لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ
وَمَا فِي الْاَرْضِ ط اِلَّا اِلَى اللّٰهِ تَصِيْرُ الْاُمُوْرُ ﴿٥٣﴾

صحت ، فصاحت و تجوید حروف ظاء، عین، غین، فاء، قاف و کاف

ظاء: معمولاً با **زاء** اشتباه می‌شود، و برای تلفظ درست آن، باید زبان بین دندان‌ها قرار گیرد و **ظاء نوک زبانی و درشت** تلفظ شود، مانند: **رَبِّ الْعَظِيمِ**
با **ذال** نیز اشتباه می‌شود و برای تلفظ درست آن باید **ظاء درشت** تلفظ گردد، مانند:
وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

همچنین با **ضاد** اشتباه می‌شود و برای تلفظ درست آن باید در عین درستی، **ظاء نرم** تلفظ گردد، مانند: **مِنَ الظُّلُمَاتِ**

عین: معمولاً با **الف همزه** اشتباه می‌شود، و برای تلفظ درست آن، باید غلیظ از ته گلو تلفظ گردد، مانند: **عَلِيًّا عَلِيًّا أَعُوذُ نَعْبُدُ نَسْتَعِينُ**
از نظر فصاحت و تجوید، باید در عین غلظت، **عین نرم** و نازک تلفظ گردد و از سفتی و درستی آن پرهیز شود، مانند: **أَنْعَمْتَ عَلَيْنَا**

غین: گاهی با **قاف** اشتباه می‌شود و برای تلفظ درست آن، باید **غین**، نرم، قابل کشش و امتدادپذیر تلفظ گردد، مانند: **غَيْرِ الْمَغْضُوبِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ**
گاهی با **گاف** نیز اشتباه می‌شود و برای تلفظ درست آن، باید **غین**، نرم و عقب‌تر تلفظ گردد، مانند: **غَيْرِ الْمَغْضُوبِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ**

از نظر فصاحت و تجوید، **غین** مفتوح یا ساکن، باید درشت تلفظ شود، مانند:
غَيْرِ الْمَغْضُوبِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَاسْتَغْفِرُهُ
در سوره مبارکه آل عمران، آیه ۸، در جمله «**رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا**» **غین ساکن** نزد **قاف**، ادغام نمی‌شود، بلکه کاملاً بیان می‌گردد.

فاء: معمولاً درست خوانده می‌شود، ولی از نظر فصاحت و تجوید، نباید **فاء** درشت تلفظ گردد. همچنین نباید **فاء** خیلی نرم و به **واو فارسی** مایل شود، بلکه باید با مقداری **دمش**

لب با دندان تلفظ گردد، مانند: **الْفَلَّاحِ كُفُّوا وَالْفَتْحِ**
در اصطلاح تجوید، به **دمش لب با دندان**، **نَفخ** می‌گویند.

قاف : با **غین** اشتباه می‌شود و برای تلفظ درست آن ، باید **قاف** از ته گلو ، محکم و غیر قابل کشش تلفظ گردد ، مانند : **قَد قَامَتِ الْمُسْتَقِيمِ**
 گاهی **قاف** با **گاف** نیز اشتباه می‌شود ، و برای تلفظ صحیح آن ، باید از ته گلو تلفظ گردد ، مانند : **قُل غَاسِقٍ فُرِيشِ**
 از نظر فصاحت و تجوید ، **قاف مفتوح** ، باید درشت تلفظ شود ، مانند :

خَلَقَ الْقَدِرِ قَبْلُ

قاف ساکن نیز ، باید درشت و با تکان کوچکی (**قلقله**) تلفظ شود ، مانند :

أَقْعُدُ يَقْبَلُ مُقْتَدِرٍ

در حالت وقف که **قاف** ساکن می‌شود نیز ، با قلقله تلفظ می‌گردد ، مانند :

بِرَبِّ الْفَلَقِ ← بِرَبِّ الْفَلَقِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ ← وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ

در سوره مبارکه مُرْسَلَات ، آیه ۲۰ « **أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ** » **قاف ساکن** در **کاف** ادغام می‌شود .

کاف : معمولاً درست خوانده می‌شود ، ولی از نظر فصاحت و تجوید ، باید **کاف** تیز و ظریف تلفظ شود و به **ج** مایل نگردد ، مانند : **مَالِكِ اِيَّاكَ**

البته خیلی تیز و شبیه **گاف** نیز مناسب نیست ، مانند : **كَانَ لِرَبِّكَ**

کاف ساکن قلقله ندارد و تکان داده نمی‌شود ، مانند : **اَكْبَرُ ذِكْرُ**

تمرین : آیات درس و اذکار نماز را با رعایت فصاحت و تجوید حروف بخوانید .

فهم قرآن در آینه ادبیات عرب (۱)
گام اوّل در فهم : شناخت معنای لغت
این آیات را ترجمه کنید.

۱- تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ *مسد/۷*

.....

.....

۲- وَالنَّجْمِ وَالشَّجَرِ يَسْجُدَانِ *الرحمن/۶*

.....

.....

۳- قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا *حجرات/۱۴*

.....

.....

۴- أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ *بلد/۱۶*

.....

.....

حال ترجمه‌های خود را با یکدیگر مقایسه کنید. چه تفاوت‌های آشکاری در آنها می‌بینید؟
فکر می‌کنید دلیل این تفاوت‌ها چیست؟

در درس گذشته با رویکردهای مختلف در تفسیر قرآن آشنا شدیم. هر مفسر با هر رویکردی که پذیرفته باشد، مراحل را در تفسیر قرآن طی می‌کند. اولین و مهمترین گام، که در میان تمامی رویکردها مشترک است، فهم معنای دقیق واژگان است. قرآن در بیان مقاصد خود از واژگان رایج در میان عرب زبانان زمان نزول استفاده کرده است که مفسر برای دریافت این مقاصد، ابتدا باید معنای تمام واژگان (اسم‌ها، افعال و حروف) را کشف کند.

مفسر برای فهم معنای واژگان به فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌های عربی مراجعه می‌کند. در این کتاب‌ها، معنای واژگان به زبان عربی معاصر یا دیگر زبان‌ها مانند فارسی بیان شده است. مفسر با بررسی معنای یک واژه در لغت‌نامه‌های گوناگون برای کشف دقیق‌ترین معنا به اجتهاد دست می‌زند. او در این اجتهاد، تنها به فهم لغت‌شناسان تکیه نمی‌کند و دیگر قرائن را مانند کاربردهای واژه در قرآن یا کلام عرب یا معنای واژه در روایات تفسیری را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. اگر اجتهاد مفسر ناکافی باشد و یا مبتنی بر منابع نامعتبر صورت گیرد، معنای نادرستی ارائه خواهد شد که گاه تفسیر آیه را بسیار تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. مفسران برای مراجعه به لغت‌نامه و فهم معنای یک لغت، معمولاً این گام‌ها را طی می‌کنند:

۱- انتخاب لغت‌نامه معتبر

لغت‌نامه‌های بسیاری برای دریافت معنای واژگان قرآن وجود دارد. این لغت‌نامه‌ها را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد:

■ الف) لغت‌نامه‌های عام عربی

در این لغت‌نامه‌ها معانی متعدد هر واژه در زبان عربی متناسب با کاربردهای گوناگون آن بیان شده است؛ از میان لغت‌نامه‌هایی که با این رویکرد تألیف شده است، می‌توان به «العین» نوشته «فراهیدی» یا «لسانُ العرب» نوشته «ابن منظور» اشاره کرد.

■ ب (لغت‌نامه‌های خاص قرآنی

در این لغت‌نامه‌ها تنها به واژگان به‌کار رفته در قرآن توجه شده و با اشاره به آیاتی که واژه مورد نظر در آنها به‌کار رفته است، با تکیه بر منابع فهم لغت مانند اشعار عرب و کاربرد عرب‌زبانان، معنای واژه ارائه شده است. از جمله نمونه‌های این نوع فرهنگ‌ها می‌توان به «المفردات فی غریب القرآن» نوشته راغب اصفهانی و «قاموس قرآن» نوشته سیدعلی اکبر قُرشی اشاره کرد.^۱

۲- تشخیص صحیح ریشه لغت

مفسر برای یافتن معنای یک واژه در این لغت‌نامه‌ها، در ابتدا باید ریشه واژه را تشخیص دهد و بعد این ریشه را به ترتیب حروف الفبا در لغت‌نامه‌ها پیدا کند؛ سپس با مطالعه معنای ارائه شده از این ریشه متناسب با کاربردهای گوناگون آن، دقیق‌ترین معنا را کشف کند. بر این اساس تشخیص ریشه لغت به‌صورت صحیح، نقشی مهم و تعیین‌کننده دارد و با تشخیص اشتباه ریشه، تفسیر از مسیر اصلی خود دور خواهد شد.

به اولین آیه‌ای که در ابتدای درس آمده است، دقت کنید. به نظر شما ریشه فعل «تَبَّتْ» چیست؟ با مراجعه به ترجمه‌ها و تفاسیر می‌بینیم که این آیه معمولاً به دو صورت معنا شده است:

■ بریده باد دو دست ابو لهب، و مرگ بر او باد

■ نابود باد قدرت ابو لهب، و مرگ بر او باد

برخی مفسران «تَبَّتْ» را به معنای «بریده باد» و برخی آن را به معنای «نابود باد» دانسته‌اند. ریشه این اختلاف به اختلاف در تشخیص ریشه این کلمه باز می‌گردد.

اگر ریشه آن را «بَتَّ» بدانیم، با مراجعه به کتاب‌های لغت می‌بینیم که این ریشه به معنای «بریدن» است که در قالب نفرین به‌صورت «بریده باد» ترجمه می‌شود؛ در حالی که اگر آن را از ریشه «تَبَّ» بدانیم، این ریشه در معنای «نابود شدن» به‌کار رفته است که در قالب نفرین

۱- «المفردات» به زبان عربی است که معادل امروزی واژگان قرآن را به زبان عربی بیان می‌کند؛ در حالی که «قاموس قرآن» معادل واژگان را به زبان فارسی ارائه کرده است که به این دلیل برای کسانی که با زبان عربی آشنایی ندارند، می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

به صورت «نابود باد» ترجمه می‌شود.

«ید» نیز در معانی متعددی به کار می‌رود. معنای ظاهری و پر کاربرد آن «دست» می‌باشد، در حالی که در لغت‌نامه‌ها معنای «نیرو و قدرت» نیز برای آن بیان شده است.^۱ با بررسی دقیق فعل «تَبَّت» در می‌یابیم که این فعل، مؤنث ماضی از ریشه «تَبَّ» است، که بر این اساس، مفسرانی که معنای دوم را برگزیده‌اند، معنای صحیحی از آیه ارائه کرده‌اند.

۳- تشخیص دقیق‌ترین معنا برای واژه

مفسر در بسیاری از موارد، ریشه واژه را درست تشخیص می‌دهد؛ اما پس از مراجعه به کتاب‌های لغت و مطالعه معانی یک واژه، دریافتن بهترین و دقیق‌ترین معنا برای این واژه به خطا می‌رود. به دومین آیه دقت کنید.

تعدادی از مترجمان و مفسران، معنای مشهور «ستاره» را برای کلمه «نجم» و معنای «سجده کردن» را برای فعل «بسجد» برگزیده‌اند و آیه را این‌گونه ترجمه کرده‌اند: «ستاره و درخت به پیشگاه خدا سجده می‌کنند».

این در حالی است که برخی مفسران با تتبع در معنای ریشه «نجم» و «سجد»، معتقدند این کلمات در معانی دیگری نیز به کار رفته‌است. «نجم»، به معنای «بوته» یا «گیاه بدون ساقه» و «سجد»، به معنای «تذلل و فرمان‌برداری» به کار رفته است.

دلیل این مفسران معنایی است که برای این دو واژه در «المفردات» بیان شده است. راغب اصفهانی معتقد است این دو معنا برای «نجم» و «سجده» نیز در ریشه ماده لحاظ شده است و حتی درباره «سجده»، معنای اصلی آن را «تذلل» بیان می‌کند.^۲

ترجمه «نجم» به «بوته»، با توجه به اینکه این کلمه به «شجر» یعنی درخت عطف شده است، با فضای آیه سازگارتر است و نیز معنای «تذلل و فرمان‌برداری» برای «سجده» به این دلیل که سجده اصطلاحی را به ذهن متبادر نمی‌سازد، معنای دقیق‌تری است. بر این اساس، آیه به این صورت ترجمه می‌شود:

«بوته و درخت، در مقابل پروردگار خود خاضع و فرمان‌بردار هستند».

۱- به عنوان نمونه با مراجعه به «قاموس قرآن» می‌بینیم که پنج معنا برای «ید» ذکر شده است که یکی از آنها قدرت و نیرو است (قاموس قرآن، ج ۷، ص ۲۶).

۲- المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۹۶ و نیز: ص ۷۹۲.

فعالیت کلاسی

حال خود به یکی از لغت‌نامه‌های قرآن (قاموس قرآن یا المفردات) مراجعه کنید. ریشه دو واژه «ایمان» و «ذُنُوب» را در این لغت‌نامه‌ها پیدا کنید^۱؛ سپس با مطالعه معنای این واژه‌ها، اشکال این ترجمه‌ها را بیان کنید:

فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا آيْمَانَ لَهُمْ ^{توبه/۱۲}

پس با پیشوایان کفر بجنگید؛ چرا که آنها ایمان ندارند.

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ ^{ذاریات/۵۹}

برای کسانی که ستم کرده‌اند، گناهی همانند گناهان یارانشان هست.

۴- تشخیص معانی اصطلاحی

یکی از نکات مهم در ترجمه یا تفسیر قرآن، توجه به مفاهیم و واژگان اصطلاحی موجود در آیات است. مترجم یا مفسر باید اصطلاحات را از پیش شناسایی نموده و معادل آن را در زبان مقصد پیدا کند و با توجه به آن معادل، معنای آیه را برداشت نماید، از این رو ترجمه تحت اللفظی از این اصطلاحات اشتباه است و فهم نادرستی از آیه ارائه می‌کند.

به سومین آیه توجه کنید. به نظر شما مراد از «اعراب»، چیست؟ بعضی مترجمان، آیه را به این صورت ترجمه نموده‌اند: «عربان گفتند: ایمان آوردیم؛ بگو: ایمان نیآورده‌اید».

۱- یکی از لغت‌نامه‌های قرآن را از قبل در کلاس آماده داشته باشید.

آیا ترجمه «اعراب» به «عربان» یا حتی به خود واژه «اعراب» در زبان فارسی درست است؟ با دقت در تاریخ عصر نزول درمی‌یابیم که کلمه «اعراب» به برخی گروه‌ها از بادیه نشینان – نه حتی همه بادیه نشینان – اطلاق می‌شد و برای آن گروه به اصطلاح تبدیل شده بود؛ گروه‌هایی که در دشمنی با پیامبر از هیچ تلاشی فروگذار نکرده بودند؛ لذا در ترجمه یا تفسیر آن باید به این نکته توجه داشت.

از همین رو عده‌ای از مترجمان، آیه را به این صورت ترجمه کرده‌اند: [برخی از] بادیه نشینان گفتند: «ایمان آوردیم»؛ بگو: «ایمان نیاورده‌اید».

از آنجا که کلمه «اعراب» در زبان فارسی امروز، معنایی مشابه «عرب‌ها» دارد و شامل همه عرب‌زبانان می‌شود، لذا ترجمه «اعراب» به خود کلمه «اعراب» نیز ترجمه صحیحی نیست؛ چرا که مراد آیه، گروه خاصی از اعراب بادیه نشین است.

در چهارمین آیه نیز عبارت «ذَا مَتْرَبَةٌ»، اصطلاح است. این عبارت از دو کلمه تشکیل شده است: «ذَا»+ «مَتْرَبَةٌ».

کلمه «ذَا» وقتی در کنار چیزی قرار می‌گیرد، به معنی «صاحب آن چیز» است. برخی مترجمان از آنجا که می‌خواستند، آیه را به این صورت ترجمه کنند، در ترجمه آن چنین نوشته‌اند: «یا مسکینی صاحب احتیاج»؛ درحالی‌که هیچ ارتباطی میان کلمه «مَتْرَبَةٌ» و «احتیاج» وجود ندارد.

باید توجه کرد که عبارت «ذَا مَتْرَبَةٌ» اصطلاح است که کلمات آن نباید به صورت جداگانه ترجمه شوند. برخی مترجمان با توجه به این نکته، آیه را به این صورت ترجمه کرده‌اند: «یا مسکینی خاک نشین (و زمین گیر)».

اندیشه و تحقیق

با توجه به آنچه گذشت، این آیات را به صورت صحیح و روان ترجمه کنید :

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ مَدَّيْر/۳۹

.....

حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ نَمَل/۶۰

.....

وَنُقَلِّبُهمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ كَهْف/۱۸

.....



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 وَالتَّنَزَّعَاتِ غَرَقًا ۝۱ وَالتَّشِیْطِ نَشْطًا ۝۲ وَالسَّیْحَاتِ
 سَبْحًا ۝۳ فَالسَّبِیْقَاتِ سَبْقًا ۝۴ فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا ۝۵ یَوْمَ
 تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ۝۶ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ ۝۷ قُلُوبٌ یَوْمَئِذٍ
 وَاجِفَةٌ ۝۸ أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ ۝۹ یَقُولُونَ أِنَّا لَمَرَدُودُونَ
 فِی الْحَافِرَةِ ۝۱۰ اءِذَا كُنَّا عِظَامًا نَّخِرَةً ۝۱۱ قَالُوا تِلْكَ اِذَا كَرَّتُ
 خَاسِرَةٌ ۝۱۲ فَاِنَّمَا هِیَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ۝۱۳ فَاِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ۝۱۴
 هَلْ اَتٰتَكَ حَدِیْثُ مُوسٰی ۝۱۵ اِذْ نَادٰهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ
 طُوًی ۝۱۶ اِذْ هَبَّ اِلٰی فِرْعَوْنَ اِنَّهُ رَطْفٰی ۝۱۷ فَقُلْ هَلْ لَكَ اِلٰی
 اَنْ تَزَكَّی ۝۱۸ وَ اَهْدِیْكَ اِلٰی رَبِّكَ فَتَخْشٰی ۝۱۹ فَاَرٰنُہُ الْاٰیةَ
 الْكُبْرٰی ۝۲۰ فَكَذَّبَ وَعَصٰی ۝۲۱ ثُمَّ اَدْبَرَ یَسْعٰی ۝۲۲ فَحَشَرَ
 فَنَادٰی ۝۲۳ فَقَالَ اَنَا رَبُّكُمْ الْاَعْلٰی ۝۲۴ فَاَخَذَهُ اللّٰهُ
 نَكَالَ الْاٰخِرَةِ وَالْاُولٰی ۝۲۵



ترجمه سوره نازعات، آیات ۱ تا ۲۵

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

سوگند به فرشتگانی که [از کافران] به سختی جان ستانند^۱ و به فرشتگانی که جان [مؤمنان] را به آرامی گیرند^۲ و به فرشتگانی که [در دریای بی‌مانند] شناکنان شناورند^۳ پس در پیشی گرفتن [در فرمان خدا] سبقت گیرنده‌اند^۴ و کار [بندگان] را تدبیر می‌کنند؛ [به همه اینها سوگند که شما برانگیخته خواهید شد]^۵ آن روز که لرزنده به شدت بلرزد^۶ و از بی آن لرزه‌ای [دگر] افتد^۷ در آن روز دل‌هایی سخت هراسانند^۸ دیدگان آنها خوار شده و فرو افتاده^۹ آنان در دنیا می‌گفتند آیا [پس از مرگ باز] ما به زمین برمی‌گردیم^{۱۰} آیا وقتی ما استخوان‌ریزه‌های پوسیده شدیم [زندگی را از سر می‌گیریم]^{۱۱} [و با خود به ریشخند] گویند در این صورت این برگشتی زیان‌آور است^{۱۲} اما زنده کردن مردگان بر ما دشوار نیست؛ آن تنها یک بانگ است که برمی‌آید و آنها را می‌راند^{۱۳} و به ناگاه آنان از دل خاک برآمده و روی زمین هموار خواهند بود^{۱۴} [ای پیامبر] آیا سرگذشت موسی بر تو آمد^{۱۵} آنگاه که پروردگارش او را در وادی مقدس طوی ندا درداد^{۱۶} به سوی فرعون برو که وی طغیان کرده است^{۱۷} و بگو آیا سر آن داری که به پاکیزگی گرای و رشد یابی^{۱۸} و [آیا تمایل داری] تو را به سوی پروردگارت راه نمایم تا پروا بداری و بندگی اش کنی؟^{۱۹} پس موسی [به سوی فرعون رفت و او را به بندگی خدا فراخواند و] معجزه بزرگ [خود] را بدو نمود^{۲۰} [ولی فرعون رسالت موسی را] تکذیب نمود و عصیان کرد^{۲۱} سپس پشت کرد [و برای مبارزه با رسالت موسی] به کوشش برخاست^{۲۲} و گروهی را فراهم آورد [و] ندا درداد^{۲۳} و گفت پروردگار بزرگ تر شما منم^{۲۴} و خدا [هم] او را به کیفر دنیا و آخرت گرفتار کرد [و مایه عبرت دیگران گرداند]^{۲۵}

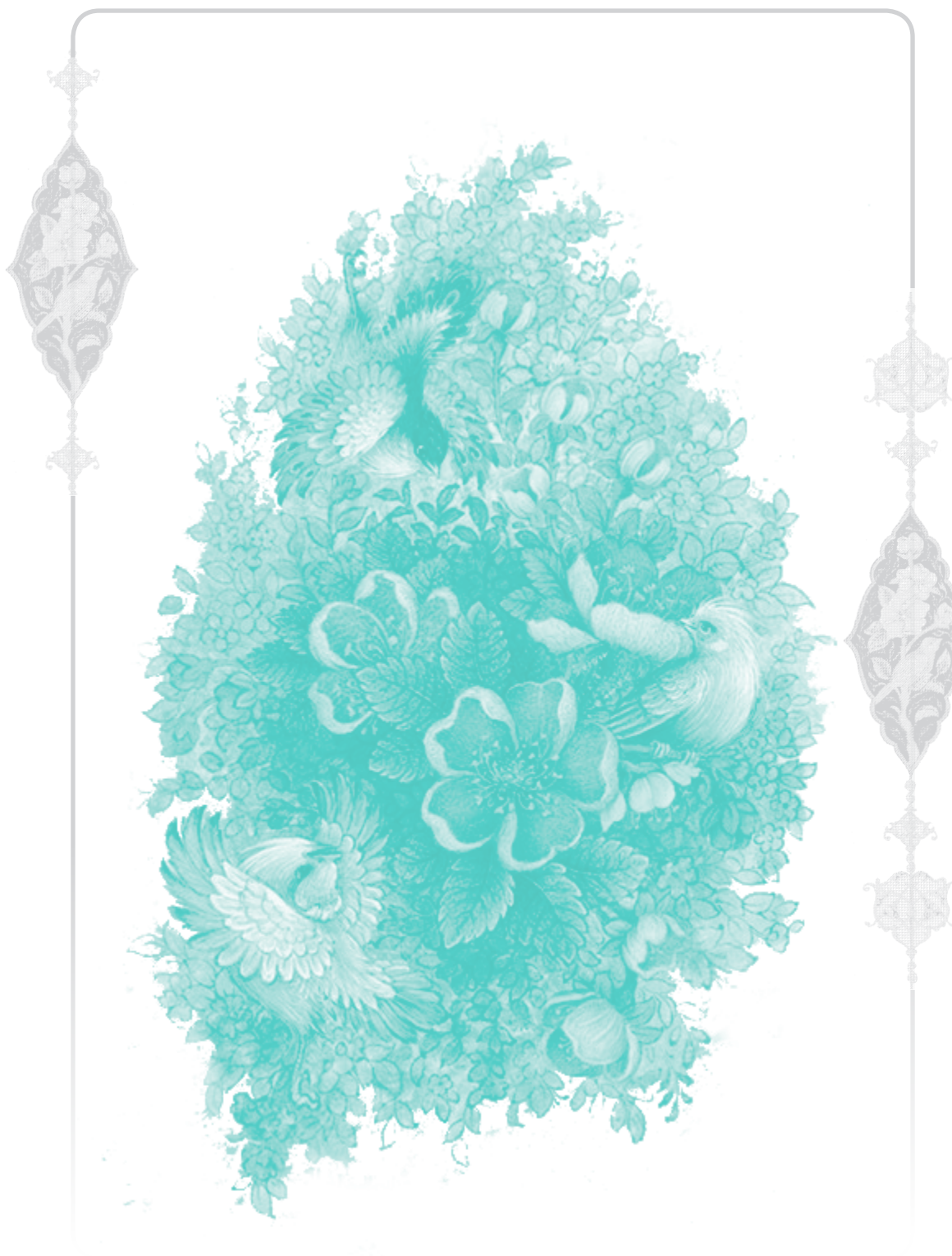
محتوای کلی سوره نازعات

سوره نازعات هفتاد و نهمین سوره قرآن کریم است که مکی و دارای ۴۶ آیه می‌باشد. رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: هر کس سوره نازعات را قرائت نماید نگه داشتن و حسابرسی او در روز قیامت به اندازه یک نماز واجب طول می‌کشد تا اینکه وارد بهشت می‌شود.^۱ باز ایشان فرموده‌اند: کسی که سوره نازعات را قرائت نماید در قبرش و روز قیامت تنها نیست و این سوره انیس او می‌گردد تا وارد بهشت شود.^۲ امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: هر که سوره نازعات را قرائت نماید سیراب از دنیا می‌رود و سیراب مبعوث می‌شود و سیراب وارد بهشت می‌گردد.^۳

۱- مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۵۰

۲- مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۵

۳- ثواب الاعمال، ص ۱۲۱





درس دهم



شامل:

- ۱ قرائت: آیات ۲۰ تا ۳۱ سوره نمل
- ۲ فصاحت و تجوید: لام
- ۳ علوم قرآنی: فهم قرآن در آینه ادبیات عرب (۲)
- ۴ حفظ نور: سوره نازعات، آیات ۲۶ تا ۴۶

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ
 مِنَ الْغَائِبِينَ ﴿٢٠﴾ لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ
 أَوْ لِيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَنِ مُبِينٍ ﴿٢١﴾ فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ
 أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ ﴿٢٢﴾
 إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا
 عَرْشٌ عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ
 مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ
 عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٢٤﴾ أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي
 يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ
 وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿٢٥﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٢٦﴾
 قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾ اذْهَبْ
 بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ
 ﴿٢٨﴾ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيْكَ كِتَابٌ كَرِيمٌ
 ﴿٢٩﴾ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 ﴿٣٠﴾ أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَيَّ وَأَتُوفَىٰ مُسْلِمِينَ ﴿٣١﴾

صحت ، فصاحت و تجوید حرف لام

لام : معمولاً درست تلفظ می‌شود. البته در مواردی که چند لام تکرار شده. گاهی **لام اول** به **راء** تبدیل می‌گردد. از این رو باید اینگونه کلمات و ترکیبات، شمرده و دقیق تلفظ شود، تا این اشتباه پیش نیاید، مانند : **رَسُولُ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ**

لام «ال» نزد **۱۳ حرف مشدد**، ادغام و تبدیل به حرف بعد می‌شود، مانند :

التَّيْنِ الثُّلُثِ الدِّينِ الذَّهَبِ الرَّحْمَنِ الرَّبِّتُونَ السَّلَامُ الشَّمْسِ الصَّلَاةِ الصَّالِيْنَ الطَّوْرِ الظَّنِّ النَّارِ

لام ساکن در سایر موارد، فقط نزد **راء** ادغام و به **راء** تبدیل می‌شود، مانند :

بَلْ رَبُّكُمْ قُلْ رَبِّ

دقت کنید! به جز **لام «ال»** در سایر موارد، **لام ساکن** نزد نون ادغام نمی‌شود و نون بعد از آن مشدد نمی‌گردد، بلکه باید لام تلفظ شود، مانند : **أَنْزَلْنَاهُ جَعَلْنَاهُ**

از نظر فصاحت و تجوید، لام باید نرم و نازک تلفظ شود، و از محکم یا درشت خواندن آن، پرهیز شود، به ویژه لام مشدد، مانند : **الصَّلَاةِ الَّذِينَ**

لام لفظ جلاله الله بعد از کسره (**الله**) نیز **ترقیق** می‌شود، مانند :

أَعُوذُ بِاللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِحَوْلِ اللَّهِ عِبَادِ اللَّهِ

ولی بعد از فتحه (**الله**) یا بعد از ضمه (**الله**) **تفخیم** می‌شود، مانند :

اللَّهُ اللَّهُمَّ إِلَّا اللَّهُ هُوَ اللَّهُ رَسُولُ اللَّهِ وَلِئِنَّ اللَّهَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ

تمرین : آیات درس، سوره حمد، توحید و اذکار نماز را، با رعایت صحت، فصاحت و تجوید حروف و حرکات به ویژه قواعد لام بخوانید.



علوم قرآنی



فهم قرآن در آینه ادبیات عرب (۲)

گام دوم در فهم : تسلط بر علم صرف و نحو

پیش از این دانستیم که قرآن به زبان عربی نازل شده است و یک مفسر برای کشف معنای دقیق لغات آن، باید بر زبان و ادبیات عربی تسلط کافی داشته باشد. شناخت ریشه و معنای لغات - که در درس گذشته با آن آشنا شدیم - از جمله مباحثی است که در زبان و ادبیات عرب مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

آیا با شناخت معنای لغت، تسلط بر زبان و ادبیات عربی برای یک مفسر حاصل می شود؟
یا مفسر برای تسلط بر زبان عربی، دانش های دیگری را نیز می بایست کسب کند؟
زبان و ادبیات عربی جز لغت شناسی، چه مباحث دیگری را شامل می شود که می توانند به خدمت فهم قرآن در آیند؟



یک مفسر به منظور تسلط بر زبان و ادبیات عربی، توانایی‌های دیگری را نیز باید کسب کند که در نتیجه هر یک، فهم صحیح و دقیق‌تری از لغات آیه ارائه خواهد نمود. این توانایی‌ها، عبارت است از:

۱- تشخیص ساختار صرفی کلمات

یک مترجم یا مفسر برای ارائه ترجمه یا تفسیر صحیح از هر آیه، پس از تشخیص معنای ریشه واژگان، ساختار صرفی کلمات را نیز باید به درستی تشخیص داده و در ترجمه و تفسیر مورد توجه قرار دهد.

فعالیت کلاسی

ریشه «کتب» به معنای «نوشتن» است. این ریشه با معنای بیان شده از آن در کلمات زیر به چه صورت ترجمه می‌شود؟

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ
وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ

كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ... بقره/۲۸۲

سَتَكْتُبُ شَهَادَتَهُمْ وَيُسْأَلُونَ زخرف/۱۹

إِذْ هَبَّ بِكِتَابِي هَذَا قَالَ قِهِ إِلَيْهِمْ... نمل/۲۸

توجه به ساختار صرفی کلمات و رعایت آنها در ترجمه یا تفسیر، از جمله ضرورت‌های فهم صحیح به شمار می‌آید که دقت یک مترجم یا مفسر را می‌رساند؛ به‌عنوان نمونه درباره افعال، فعل معلوم باید متناسب با جنس و زمان و عدد آن به‌صورت معلوم و فعل مجهول نیز به همین صورت به‌صورت مجهول ترجمه شود. درباره اسامی نیز اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مبالغه، صفت تفضیلی و... هر یک باید متناسب با تعریفی که در علم صرف برای آن بیان شده است، ترجمه و تفسیر شود.

چنان که در فعالیت صفحه قبل دیدید، ریشه «کَتَبَ»، گاهی به صوت فعل معلوم یا مجهول آمده، گاهی به صورت فعل امر و گاهی نیز به صورت اسم فاعل یا مصدر آمده است که در هر مورد باید متناسب با ساختار صرفی خود ترجمه و تفسیر شود.
حال به این آیه توجه کنید :

تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِمَنْ كَانَ كُفِرًا

سوره قمر/۱۴

برخی مترجمان و مفسران، آیه را به این صورت معنا کرده اند :

(کشتی نوح که) زیر نظر ما حرکت می کرد؛ (این) کیفری بود

برای کسانی که (به او) کفر ورزیده بودند.

این در حالی است که با دقت در آیه می بینیم که فعل «كُفِرًا» به صیغه مجهول آمده است که به معنای «مورد کفران واقع شد» باید در نظر گرفته شود. بر این اساس نائب فاعل این فعل، حضرت نوح عليه السلام خواهد بود که از سوی قومش مورد انکار و کفران واقع شده بود. بنابراین آیه به دنبال بیان جزا برای حضرت نوح است؛ نه قوم او. ترجمه صحیح آیه، که با توجه به این نکته از سوی برخی مترجمان و مفسران ارائه شده است، از این قرار است :

(کشتی نوح که) زیر نظر ما حرکت می کرد؛ (این) پاداشی بود

برای کسی که مورد انکار و کفران قرار گرفته بود.

براین اساس، توجه به ساختار صرفی واژگان از سوی مفسر، نقش بسیار مهمی در ارائه معنای صحیح و دقیق از آیه ایفا می نماید.

فعالیت کلاسی

با توجه به ساختار صرفی کلمات، در هر مورد، دقیق ترین ترجمه کدام است؟ چرا؟

لِئُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى سوره طه/ ۲۳

ترجمه اول: تا برخی از بزرگ ترین معجزات خود را به تو نشان دهیم.
ترجمه دوم: تا به تو معجزات بزرگ خود را بنمایانیم.

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ سوره فجر/ ۲۵

ترجمه اول: در یک چنین روزی، هیچ کس نظیر کافر معذب نخواهد شد.
ترجمه دوم: پس در آن روز هیچ کس همانند او [خدا] عذاب نمی کند.

۲- تشخیص نقش نحوی کلمه در جمله

یک مفسر پس از طی مراحل یاد شده درباره یک واژه، باید جایگاه و نقش نحوی آن را نیز درست تشخیص دهد تا ترجمه یا تفسیر دقیق‌تری ارائه کند.

مراد از نقش نحوی، نقشی است که یک کلمه در جمله ایفا می‌کند. تشخیص اینکه یک کلمه «مفعول به» یا «حال» است، «فاعل» یا «نائب فاعل» است یا اینکه «صفت» می‌باشد، در فهم معنای آیه و تفسیر آن تأثیر می‌گذارد؛ که این تشخیص، نیازمند تسلط مفسر یا مترجم بر علم نحو است.

به این آیه دقت کنید:

لُتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ **سوره یس/۶**

این آیه معمولاً به دو صورت مختلف ترجمه شده است:

۱ **تا بیدم دهی قومی را به آنچه که پدرانشان به آن بیدم داده شدند، که این مردم غافل هستند.**

۲ **تا بیدم دهی قومی را که پدرانشان انداز نشدند؛ از این روانان غافل هستند.**

مطالعه این دو ترجمه نشان می‌دهد که تفاوت آن دو، به اختلاف در تشخیص نقش نحوی کلمه «ما» در آیه باز می‌گردد. مترجمانی که معنای اول را بیان کرده‌اند، «ما» را مفعول به دوم برای فعل «تُنذِرُ» در نظر گرفته‌اند و کلمه «قوم» را نیز مفعول به اول آن دانسته‌اند، به این معنا که محتوای انداز قوم، همان چیزی است که قبلاً پدرانشان نسبت به آن انداز شدند. در حالی که مترجمان دسته دوم، «ما» و پس از آن را صفت (جمله وصفیه) برای کلمه «قوم» دانسته‌اند، به این معنا که این قوم از صفتی برخوردار هستند و آن انداز نشدن پدرانشان است. تشخیص اینکه «ما» مفعول به یا صفت است، نقش تعیین‌کننده‌ای در برداشت از آیه دارد که لازمه این تشخیص، تسلط مترجم یا مفسر بر علم نحو است. مفسر با آگاهی از این علم و دلایلی که در آن وجود دارد، خواهد دانست که «ما» در این آیه نمی‌تواند مفعول برای فعل «تُنذِرُ» باشد^۱ و لذا ترجمه دوم، ترجمه صحیحی است.

۱- یکی از دلایل آن این است که فعل انداز، مفعول دوم خود را به واسطه حرف «باء» می‌گیرد، بنابراین اگر «ما» در این عبارت، به همراه حرف «باء» و به صورت «بِما أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ» آمده بود، می‌توانست مفعول به دوم باشد، درحالی‌که بدون حرف «باء» با کلمات پس از آن، جمله وصفیه برای «قوم» قرار می‌گیرد.

امروزه برای آسانی در تشخیص نقش نحوی واژگان قرآن، کتاب‌هایی با عنوان کلی «اعراب القرآن» تألیف و تدوین شده است که این کتاب‌ها با تعیین نقش دقیق هر واژه در آیات قرآن می‌توانند به عنوان منبعی برای محققان و مفسران مفید باشند^۱.

فعالیت کلاسی

با توجه به نقش نحوی واژگان در آیه، دقیق‌ترین ترجمه کدام است؟ چرا؟

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً سوره بقره/۱۳۸

ترجمه اول: این رنگ خداست و چه رنگی بهتر از رنگ خداست؟

ترجمه دوم: رنگ خدا را (انتخاب کنید) و چه کسی رنگش نیکوتر از رنگ خداست؟

اندیشه و تحقیق

به این آیه دقت کنید:

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ... وَكَقَلِّهَا زَكْرِيَّا...

این آیه به دو صورت ترجمه شده است:

۱ خداوند، مریم را به طرز نیکویی پذیرفت... و زکریا را به سرپرستی او برگزید.

۲ خداوند، مریم را به طرز نیکویی پذیرفت... و سرپرستی او را زکریا به عهده گرفت.

با توجه به آنچه در این درس خواندید، ترجمه صحیح کدام است؟ چرا؟

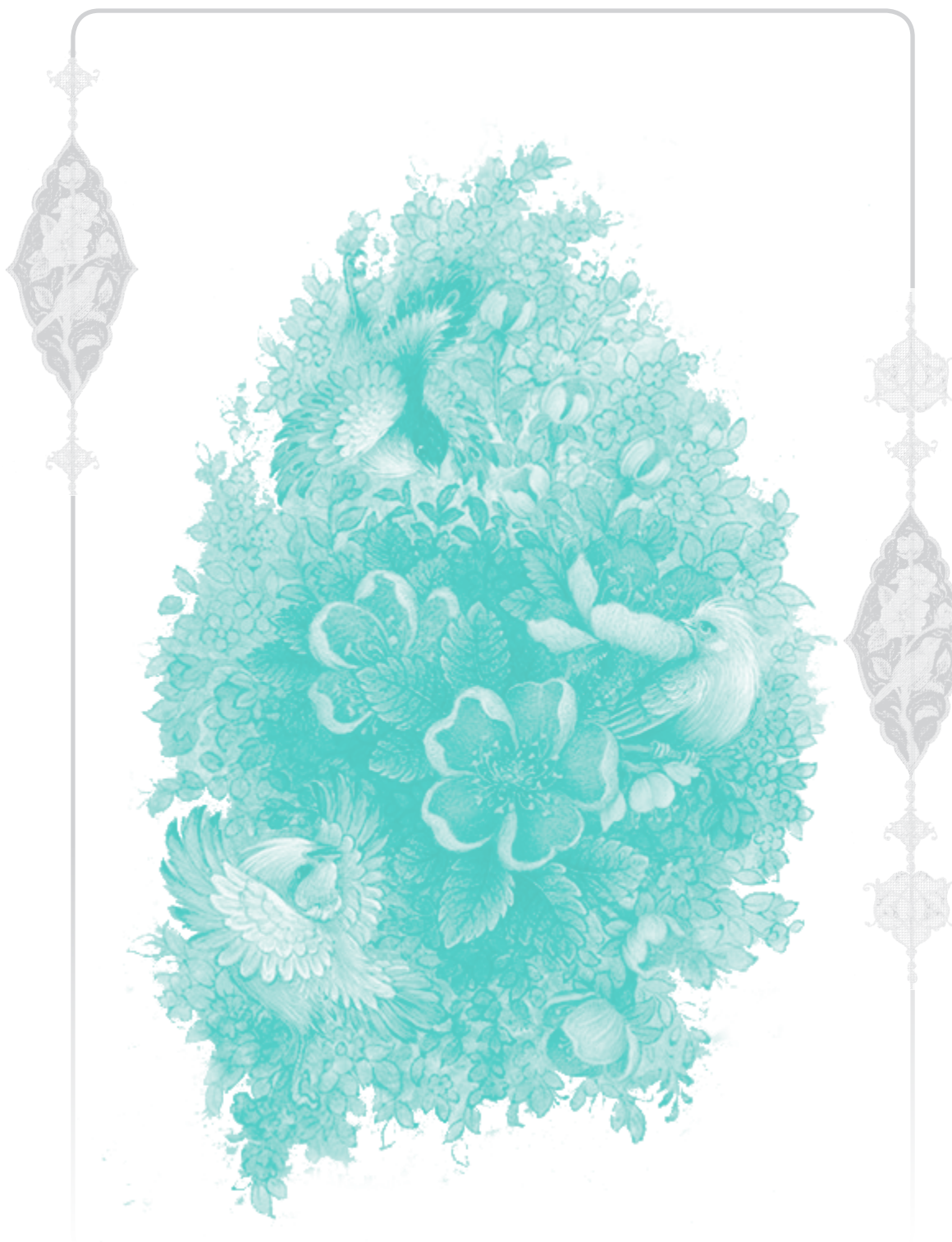
۱- یکی از مشهورترین این کتاب‌ها، «الجدول فی اعراب القرآن» اثر صافی محمود است که متن کامل آن در نرم‌افزار جامع التفاسیر (از آثار شرکت نور) موجود است.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَن يَخْشَى ﴿٢٦﴾ ۚ أَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ ط
 بَنَلَهَا ﴿٢٧﴾ رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّيْنَاهَا ﴿٢٨﴾ وَ أَغْطَشَ لَيْلَهَا وَ
 أَخْرَجَ صُحُلَهَا ﴿٢٩﴾ وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَلَهَا ﴿٣٠﴾ أَخْرَجَ
 مِنْهَا مَاءَهَا وَ مَرَعَهَا ﴿٣١﴾ وَالْجِبَالَ أَرْسَلْنَا ﴿٣٢﴾ مَتَاعًا
 لَكُمْ وَ لِأَنْعَامِكُمْ ﴿٣٣﴾ فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى
 ﴿٣٤﴾ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى ﴿٣٥﴾ وَ بُرِّرَتِ الْجَحِيمُ
 لِمَن يَرَى ﴿٣٦﴾ فَأَمَّا مَن طَغَى ﴿٣٧﴾ وَ آثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ﴿٣٨﴾
 فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى ﴿٣٩﴾ وَ أَمَّا مَن خَافَ مَقَامَ
 رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿٤٠﴾ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ
 الْمَأْوَى ﴿٤١﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِلُهَا ﴿٤٢﴾
 فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرِهَا ﴿٤٣﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَلُهَا ﴿٤٤﴾ إِنَّمَا
 أَنْتَ مُنذِرٌ مَّن يَخْشَاهَا ﴿٤٥﴾ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا
 إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحُلَهَا ﴿٤٦﴾



ترجمه سوره نازعات، آیات ۲۶ تا ۴۶

در حقیقت برای هر کس که [از خدا] بترسد در این [ماجرای] عبرتی است «۲۶» [ای منکران رستاخیز] آیا آفرینش شما دشوارتر است یا آسمانی که [او] آن را برپا کرده است «۲۷» سقشش را برافراشت و آن را [به اندازه معین] درست کرد «۲۸» و شبش را تیره و روزش را آشکار گردانید «۲۹» و پس از آن زمین را با غلتنانیدن گسترده «۳۰» آتش و چراگاهش را از آن بیرون آورد «۳۱» و کوهها را لنگر آن گردانید «۳۲» [تا وسیله] آسایش و استفاده برای شما و دامهایتان باشد «۳۳» این جهان سرانجام به آخرت خواهد پیوست، پس آنگاه که آن هنگامه بزرگ دررسد «۳۴» [آن] روز است که انسان آنچه را که در پی آن کوشیده است به یاد آورد «۳۵» و جهنم برای هر که بیند آشکار گردد «۳۶» اما هر که طغیان کرده و از مرز بندگی خارج شود «۳۷» و زندگی پست دنیا را برگزیده و آخرت را فراموش کند «۳۸» پس جایگاه او همان آتش است «۳۹» و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید و نفس خود را از هوس باز داشت «۴۰» پس جایگاه او همان بهشت است «۴۱» [مشرکان به تمسخر] درباره رستاخیز از تو می پرسند که فرارسیدنش چه وقت است «۴۲» تو را چه به گفتگو در آن «۴۳» علم آن با پروردگار تو است [و اوست که حقیقت آن و هنگام وقوعش را می داند] «۴۴» پس خبر دادن [از زمان قیامت] بر عهده تو نیست، تو فقط هشداردهنده ای و فقط کسی را که از آن می ترسد هشدار می دهی «۴۵» آنان بدانند که رستاخیز نزدیک است، روزی که آن را می بینند گویی که آنان جز شبی یا روزی درنگ نکرده اند «۴۶»





درس یازدهم



شامل:

- ۱ قرائت: آیات ۳۰ تا ۳۷ سوره انبیاء
- ۲ فصاحت و تجوید: میم و نون
- ۳ علوم قرآنی: فهم قرآن در آینه قرآن (۱)
- ۴ حفظ نور: سوره نبأ، آیات ۱ تا ۲۰

أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
 كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ
 حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾ وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ
 أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا
 لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٢١﴾ وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا
 وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ ﴿٢٢﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ
 وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ
 ﴿٢٣﴾ وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ
 فَهُمْ الْخَالِدُونَ ﴿٢٤﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ
 وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٢٥﴾
 وَإِذْ رَأَى الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوعًا
 أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ
 هُمْ كُفِرُونَ ﴿٢٦﴾ خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ
 سَأُورِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ﴿٢٧﴾

صحت ، فصاحت و تجويد حروف ميم و نون

ميم : معمولاً درست خوانده می‌شود ، ولی از نظر فصاحت و تجويد ، نباید **ميم** به **باء** مایل شود ، به ویژه وقتی این دو حرف در یک کلمه واقع شده ، یا بینی گرفته است ، مانند :

بِسْمِ اللّٰهِ

ميم ساکن نزد **واو** به طور معمولی تلفظ شده ، و هرگز ادغام نمی‌شود ، مانند :

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ

ميم مشدد ، یا **ميم ساکن** نزد **ميم** و **باء** ، کشیده می‌شود ، مانند :

ثُمَّ عَمَّ آمَنَهُمْ مِنْ عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ آمٍ بِهِ عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ

در اصطلاح تجويد ، به کشش **ميم** و **نون** ، **غُنّه** می‌گویند .

نون : معمولاً درست خوانده می‌شود . نباید **نون** به **لام** مایل شود ، به ویژه وقتی این دو

حرف در یک کلمه واقع شده ، یا بینی گرفته است ، مانند : **عَلَيْنَا نَعْلَمُ**

از نظر فصاحت و تجويد ، **نون ساکن** و **تونین** ، سه حالت دارد :

حالت اول : **نون ساکن** و **تونین** ، نزد **ع** حرف حلقی (**أ ح خ ع غ ه**) به

حالت معمولی تلفظ می‌شود ، مانند :

انعمت فسینغضون ینحیتون من الف من خاف ان هو کفوا احد سلام هی حظ عظیم میثاقاً غلیظاً علیهم حکیم

در اصطلاح تجويد ، به این حالت معمولی ، **إظهار** می‌گویند .

حالت دوم: نون ساکن و تنوین ، نزد ۲ حرف (ر ل) به حرف بعدی تبدیل می‌شود یعنی نون ساکن و تنوین نزد راء به راء ، و نزد لام به لام ، تبدیل می‌گردد ، مانند :

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ
 أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ

در اصطلاح تجوید ، به این تبدیل ، ادغام می‌گویند .

حالت سوم: نون ساکن و تنوین نزد ۲۰ حرف دیگر ، به حالت کشیده در حرف بعد تلفظ می‌شود ، مانند :

يُنَبِّئُكُمْ أَنْتُمْ أَنْثَى نُنَجِ أَنْدَادًا مُنْذِرٌ أَنْزَلْنَاهُ الْإِنْسَانَ مِنْ شَرِّ
 فَانصَبْ مَنْصُودٍ مَنْطِقٌ يَنْظُرُ يُنْفِقُ أَنْقَضَ مِنْكَ إِنْ مِنْ
 إِنْ نَحْنُ مُحَمَّدٍ وَآلٍ مَنْ يَهْدِي خَيْرٌ مِنْ عَابِدٍ مَا قَوْلًا بَلِيغًا

در اصطلاح تجوید به این حالت « ادغام با غنه ، اخفاء و قلب به میم » می‌گویند .

نون ساکن و تنوین نزد ۵ حرف مفحّم (ص ض ط ظ ق) تفخیم می‌شود ، مانند :

يَنْصُرُ مَنْ ضَلَّ كَلِمَةً طَيِّبَةً يَنْظُرُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ
 نون مشدد ، کشیده و با غنه تلفظ می‌شود ، مانند : إِنْ إِنْ إِنْ إِنْ إِنْ هُنَّ

تذکر: در دو کلمه « الدُّنْيَا » و « بُنْيَانٌ » که نون ساکن نزد یاء ، با هم در یک کلمه قرار گرفته ، از قاعده مستثنا بوده و به طور معمولی تلفظ می‌شود .

در دو کلمه « صِنْوَانٌ » و « قِنْوَانٌ » نیز که نون ساکن نزد واو ، با هم در یک کلمه قرار گرفته ، از قاعده مستثنا بوده و به طور معمولی تلفظ می‌شود .

تمرین: آیات درس ، سوره حمد ، توحید و اذکار نماز را ، با رعایت صحت ، فصاحت و تجوید حروف و حرکات ، به ویژه قواعد نون ساکن و تنوین بخوانید .



فهم قرآن در آینه قرآن (۱)

گام سوم در فهم: فهم قرآن با توجه به سیاق

انسان با تدبر در قرآن درمی‌یابد که هیچ اختلاف و تعارضی میان آیات آن وجود ندارد^۱ و مجموعه آیات کاملاً منسجم و با یکدیگر مرتبط و هماهنگ هستند. این ارتباط و انسجام سبب پیدایش قاعده‌ای در تفسیر قرآن شده است که بسیاری از مفسران با این عبارت از آن یاد می‌کنند:

إِنَّ الْقُرْآنَ يُفَسِّرُ بَعْضُهُ بَعْضًا

شما از این عبارت چه برداشتی دارید؟ آیا این قاعده به این معناست که تعدادی از آیات قرآن به منظور تفسیر و تبیین تعداد دیگری از آیات نازل شده است؟ یا اینکه تعدادی از آیات قرآن به نکات و مسائلی اشاره می‌کنند که مفسر می‌تواند از آنها در تفسیر پاره‌ای دیگر از آیات استفاده کند؟ اگر این‌گونه است قرآن چگونه این کار را انجام می‌دهد؟ و یک مفسر چگونه از یک آیه در خدمت فهم آیه‌ای دیگر استفاده می‌کند؟

۱- أَقَلَّا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا؛ آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند (نساء/۸۲).

برای فهم صحیح آیات قرآن، تنها لغت‌شناسی و تسلط بر ادبیات عرب کافی نیست و مفسر باید گام‌های دیگری را نیز طی کند. یکی از مهمترین این گام‌ها، تسلط مفسر بر مفاهیم و مقاصد موجود در سوره‌های گوناگون است تا هنگام تفسیر یک آیه، از دیگر آیاتی که به گونه‌ای در فهم آن آیه مؤثر هستند، استفاده کند. این آیات ممکن است در همان سوره‌ای باشند که آیه مورد نظر قرار دارد، یا در دیگر سوره‌ها قرار گرفته باشند.

مفسران معمولاً در دو گام، از آیات قرآن برای فهم یک آیه بهره می‌جویند:

۱ توجه به سیاق آیه

۲ استفاده از محتوای دیگر آیات در تفسیر

در این درس و درس آینده به توضیح و تبیین این دو گام می‌پردازیم:

فهم عبارت با توجه به سیاق آیه

اگر از شما بپرسند، «نجم» در عربی به چه معناست؟ بلافاصله پاسخ می‌دهید «ستاره»! و البته معنای صحیحی است؛ اما این واژه به معنای بوته یا گیاه بدون ساقه نیز به کار رفته است. مفسران به این دلیل که در آیه:

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ *الرحمن/۶*

«نجم» به «شجر» عطف شده است و میان درخت و ستاره تناسبی وجود ندارد، معنای «بوته» را نسبت به معنای «ستاره» با فضای کلی آیه مناسب‌تر دانسته و این معنا را برای آن برگزیده‌اند. در واقع مفسر در اینجا با توجه به سیاق آیه، معنای «نجم» را از میان معانی متعدد آن انتخاب کرده است.

بنابراین معنایی که با ملاحظه عبارات قبل و بعد یک آیه به ذهن مفسر می‌رسد، معنایی است که از سیاق آن برآمده است.

دانشمندان علوم قرآن، «سیاق» را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

قرینه‌ای که در شناسایی معنای یک کلمه یا جمله ایفای نقش می‌کند؛ به طوری که بدون توجه به این قرینه ممکن است معنای نادرستی از عبارت برداشت شود.

این قرینه ممکن است در خود آیه یا آیات پیرامونی آن باشد و دو حالت می تواند داشته باشد :

■ **الف) قرینه لفظیه :** مراد از این قرینه، کلمات یا عبارات دیگری است که با عبارت مورد نظر یک سخن به هم پیوسته را تشکیل می دهند.

در آیه ای که گذشت، «شَجَر» به عنوان یک قرینه لفظی برای کشف معنای «نجم» به کار رفته بود. در قرائن لفظیه، لفظی که قرینه برای کشف معنا قرار می گیرد ممکن است در آیات دیگر باشد و در همان آیه نیامده باشد. سوره کوثر را به یاد آورید. آنچه از معنای لغوی «کوثر» فهمیده می شود این است که خداوند به پیامبر اسلام ﷺ «نعمت فراوان» عطا کرده است؛ اما اینکه مصداق کوثر چیست، میان مفسران اختلاف نظر بسیاری وجود دارد. هنگامی که پایان سوره را می نگریم، با مقایسه آیه اول و آخر سوره مراد از کوثر روشن تر می شود.

فعالیت کلاسی

با توجه به آنچه بیان شد، مراد از «کوثر» کدام یک از موارد زیر است؟ چرا؟

الف) نهری است در بهشت (ب) اصحاب و پیروان پیامبر تا روز قیامت
ج) فراوانی نسل و فرزندان پیامبر (د) مقام نبوت و قرآن کریم

قرائن لفظیه نه تنها برای روشن کردن معنای الفاظ در آیات قرآن مورد استفاده قرار می گیرند، بلکه برای تبیین مفهوم جمله نیز بسیار سودمند هستند. به این آیه دقت کنید :

أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا

فَقَفَّتْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ... انبیاء/ ۳۰

آیا کافران ندیدند که آسمان ها و زمین، هر دو پیوسته (و بسته) بودند
و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم و هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم؟

مفسران درباره معنای عبارت «أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا» با یکدیگر اختلاف نظر دارند. پیوسته بودن آسمان و پیوسته بودن زمین و باز شدن این دو به چه معناست؟

بسیاری از مفسران با توجه به ادامه آیه، آن را قرینه‌ای برای تفسیر این جمله قرار داده، و آیه را به این صورت تفسیر کرده‌اند:

منظور از به هم پیوستگی آسمان این است که در آغاز آسمان بسته بود و بارانی نمی‌بارید و منظور از به هم پیوستگی زمین این است که در ابتدا، زمین بسته بود و گیاهی نمی‌رویید، اما خدا هر دو را گشود؛ از آسمان باران نازل کرد و از زمین انواع گیاهان را رویانید.

فعالیت کلاسی

به نظر شما مفسران چگونه از ادامه آیه برای بیان تفسیر خود استفاده کرده‌اند؟

■ **ب) قرینه حالیه:** مراد از این نوع قرینه، فضایی است که در پیرامون آیه ترسیم شده است و به برداشت ما از آیه کمک می‌کند. به این آیات در داستان حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام دقت کنید:

وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ
قَالَ يَا بَشْرِي هَذَا غُلَامٌ وَأَسْرُوهُ بِضَاعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ
وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخِيسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ يوسف/ ۲۰-۱۹
و کاروانی آمد؛ پس آب آور خود را فرستادند و دلوش را انداخت.
گفت: «مژده! این یک پسر است!» و او را چون کالایی پنهان داشتند و خدا به آنچه می‌کردند دانا بود؛

و آنها یوسف را به بهای ناچیزی - چند درهم - فروختند و در آن بی رغبت بودند.
مفسران در اینکه مرجع ضمیر جمع در «شَرَوْهُ» به چه کسانی برمی‌گردد با یکدیگر اختلاف نظر دارند. چه کسانی یوسف را به چند درهم فروختند؟ برادران یوسف یا کاروانیان؟

علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: «بیشتر مفسران معتقدند مرجع این ضمیر به برادران یوسف برمی‌گردد؛ اما آنچه از سیاق آیه برمی‌آید، این است که مرجع ضمیر به کاروانیان بازمی‌گردد؛ زیرا در این دو آیه، تمام ضمائر جمع به کاروانیان باز می‌گردد و اسمی از برادران به میان نیامده است تا بگوییم ضمیر به ایشان باز می‌گردد.»^۱

در این جا مفسر با استفاده از اوضاع و شرایط پیرامون آیه، مرجع ضمیر را کشف کرده است.

فعالیت کلاسی

۱- به معنای این آیه دقت کنید:

ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ **دخان/۴۹**

به نظر شما این آیه خطاب به بهشتیان است یا دوزخیان؟
حال با مراجعه به مصحف، با توجه به اوضاع و احوال پیرامون آیه به سؤال بالا پاسخ دهید.

۲- به این آیات توجه کنید:

وَالْطُّورِ؛ وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ **طور/۲-۱**

سوگند به کوه طور و کتابی که نوشته شده.

با توجه به سیاق این آیات، به نظر شما «کتاب» بر کدام یک از موارد زیر دلالت دارد؟

(الف) لوح محفوظ	(ب) نامه اعمال
(ج) قرآن	(د) تورات

اندیشه و تحقیق

توجه به سیاق آیات، چه تأثیری می‌تواند در تشخیص مکی یا مدنی بودن سوره داشته باشد؟

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۷۰۱.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 عَمَّ یَتَسَاءَلُونَ ۙ عَنِ النَّبِیِّ الْعَظِیْمِ ۗ الَّذِیْ هُمْ فِیْهِ
 مُخْتَلِفُونَ ۗ كَلَّا سَیَعْلَمُونَ ۗ ثُمَّ كَلَّا سَیَعْلَمُونَ
 ۗ اَلَمْ نَجْعَلِ الْاَرْضَ مِهْدًا ۙ وَالْجِبَالَ اَوْتَادًا ۙ
 وَخَلَقْنٰكُمْ اَزْوَاجًا ۙ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ۙ
 وَجَعَلْنَا اللَّیْلَ لِبَاسًا ۙ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ۙ وَ
 بَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ۙ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا ۙ
 ۙ وَانزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۙ لِنُخْرِجَ بِهٖ
 حَبًّا وَنَبَاتًا ۙ وَجَنَّتٍ اَلْفَافًا ۙ اِنَّ یَوْمَ الْفَصْلِ
 كَانَ مِیْقَاتًا ۙ یَوْمَ یُنْفَخُ فِی الصُّورِ فَتَاْتُونَ اَفْوَاجًا ۙ
 وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ اَبْوَابًا ۙ وَسُیِّرَتِ الْجِبَالُ
 فَكَانَتْ سَرَابًا ۙ



ترجمه سوره نبأ، آیات ۱ تا ۲۰

به نام خداوند بخشنده بخشنایسگر

[مشركان] درباره چه چیز از یکدیگر می‌پرسند (۱) درباره آن خبر مهم بزرگ (۲) همان خبری که درباره آن با هم اختلاف دارند [گروهی آن را بعید و گروهی آن را ناممکن می‌شمردند و برخی نیز در آن تردید دارند و گروهی از سر عناد آن را انکار می‌کنند]. (۳) نه [درباره آن پرسش و اختلاف نکنند]، دیری نمی‌گذرد که پدیدار می‌گردد [پس آن را به عیان خواهند دید و] از آن آگاه خواهند شد (۴) باز هم [اختلاف نکنند] چون بزودی خواهند دانست (۵) آیا زمین را گهواره‌ای [نرم و راحت] نگردانیدیم (۶) و کوهها را [چون] میخهایی [نگذاشتیم] (۷) و شما را جفت جفت و از هر صنفی آفریدیم (۸) و خواب شما را [مایه] آسایش گردانیدیم (۹) و شب را [برای شما] پوششی قرار دادیم (۱۰) و روز را [برای] معاش [شما] نهادیم (۱۱) و بر فراز شما هفت [آسمان] استوار بنا کردیم (۱۲) و چراغی فروزان گذاردیم (۱۳) و از ابرهای متراکم پرباران آبی ریزان فرود آوردیم (۱۴) تا بدان دانه و گیاه برویانیم (۱۵) و باغهای در هم پیچیده و انبوه (۱۶) قطعاً وعده‌گاه [ما با شما] روز داوری است (۱۷) روزی که در صور دمیده شود و گروه گروه [به صحنه قیامت] بیاید (۱۸) و آسمان گشوده و درهائی [پدید] شود (۱۹) و کوهها را روان کنند و [چون] سراپی گردند (۲۰)

محتوای کلی سوره نبأ

سوره نبأ یا «عم یتسائلون»، «التساؤل»، «المعصرات»^۱ و هفتاد و هشتمین سوره قرآن و مکی است و ۴۰ آیه دارد. رسول خدا ﷺ در فضیلت این سوره می‌فرماید: هر کس سوره نبأ را قرائت نماید خداوند در روز قیامت از شراب خنک به وی بنوشاند^۲. همچنین فرموده‌اند: سوره نبأ را یاد بگیرید اگر می‌دانستید چه برکات و آثاری در آن نهفته است کارهایتان را تعطیل می‌کردید و آن را می‌آموختید و به وسیله آن به خدا تقرب می‌جستید و خداوند به واسطه آن گناهان شما را می‌آمرزد جز شرک ورزیدن به او^۳. امام صادق علیه السلام در روایتی فرموده‌اند: منظور از نبأ عظیم در این سوره ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است^۴. وقتی از امام باقر علیه السلام درباره تفسیر سوره نبأ پرسیدند، از قول امام علی علیه السلام فرمود: خداوند هیچ آیه‌ای بزرگ‌تر از من و هیچ نبأ عظیمی عظیم‌تر از من ندارد^۵.

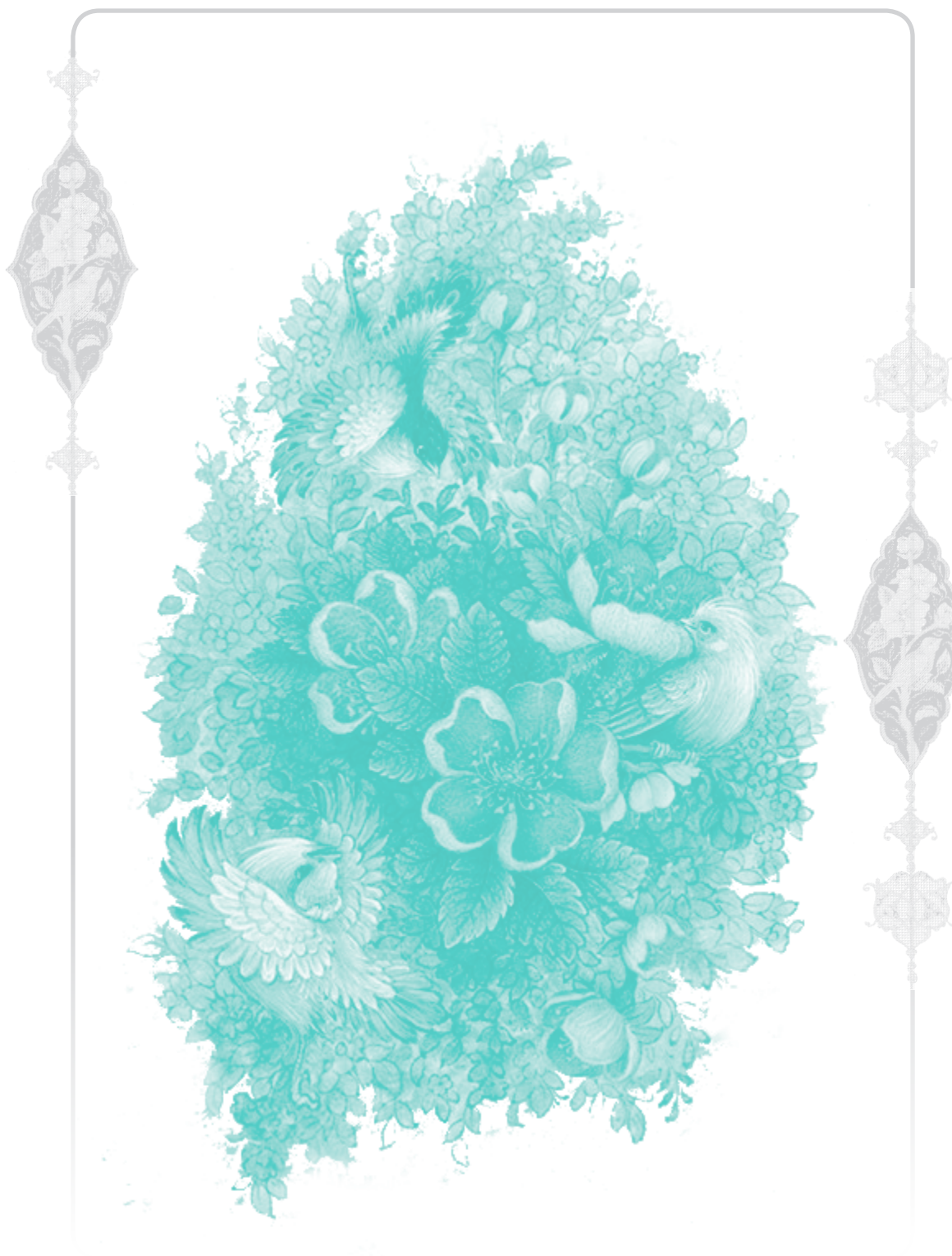
۳- مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۶۶

۲- مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۳۷

۱- درمان با قرآن، ص ۱۳۵

۵- تفسیر ابی حمزه ثمالی، ص ۳۵۰

۴- بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۵۲





درس دوازدهم



شامل:

- ۱ قرائت: آیات ۵۰ تا ۵۷ سوره هود
- ۲ فصاحت و تجوید: واو، هاء و یاء
- ۳ علوم قرآنی: فهم قرآن در آینه قرآن (۲)
- ۴ حفظ نور: سوره نبأ، آیات ۲۱ تا ۴۰

وَ إِلَىٰ عَادٍ آخَاهُمْ هُودًا ۚ قَالَ يُقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ
 مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ ۚ إِنَّكُمْ إِلاَّ مُفْتَرُونَ ﴿٥٠﴾
 يُقَوْمِ لاَ أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ۖ إِنِ اجْرِيَ إِلاَّ عَلَى الَّذِي
 فَطَرَنِي ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٥١﴾ وَيُقَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ
 ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ
 قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا يَهُودُ
 مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ
 وَمَا نَحْنُ بِكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٥٣﴾ إِن نَّقُولُ إِلاَّ اعْتَرَاكَ
 بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ ۗ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي
 بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿٥٤﴾ مِنْ دُونِهِ فَكَيْدُونِي جَمِيعًا
 ثُمَّ لا تُنظِرُونَ ﴿٥٥﴾ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ
 مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلاَّ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا ۚ إِنَّ رَبِّي
 عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٦﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ
 مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ ۚ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ
 وَلا تَضُرُّوهُ شَيْئًا ۚ إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيفٌ ﴿٥٧﴾

صحت ، فصاحت و تجوید حروف واو، هاء و یاء

واو: در فارسی از بین لب و دندان ادا می‌شود. ولی از نظر فصاحت و تجوید باید از

بین دو لب، نرم و بدون فشار تلفظ گردد، مانند :

یَوْمَ وَإِیَاكَ هُوَ کُفْمًا أَفْوَاجًا وَحَدَهُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ
در اصطلاح تجوید، به نرمی واو، **لین** می‌گویند.

هاء: معمولاً درست خوانده می‌شود.

از نظر فصاحت و تجوید، هاء با مقداری دمش در گلو تلفظ می‌شود.

با توجه به نفس بر بودن هاء، نباید برای صرفه‌جویی در نفس، آن را از بینی یعنی تودماغی

یا خیلی سست تلفظ کنیم، مانند : **أَشْهَدُ إِلَهَ إِهْدِنَا عَلَیْهِمْ**
در اصطلاح تجوید، به دمش هاء در گلو، **هاوی** می‌گویند.

همچنین نباید هاء محکم تلفظ شود، مانند :

هُوَ لَهُ بِحَمْدِهِ حَمْدَهُ إِلَیْهِ

یاء: معمولاً درست خوانده می‌شود.

از نظر فصاحت و تجوید، نباید با فشار، محکم و مایل به **ژ** تلفظ شود؛ به ویژه **یاء**

مشدد، مانند : **عَلِیًّا وَلِئِ حَیَّ إِیَّاكَ**

در اصطلاح تجوید، به نرمی یاء نیز، **لین** می‌گویند.

تمرین: آیات درس، سوره حمد، توحید و اذکار نماز را، با رعایت صحت، فصاحت

و تجوید حروف و حرکات بخوانید.



فهم قرآن در آینه قرآن (۲)

گام چهارم در فهم : استفاده از محتوای دیگر آیات در تفسیر

هنگامی که یک حکیم لب به سخن می‌گشاید، مجموعه منسجم و هماهنگی از موضوعات را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد تا به هدف مورد نظر خود دست پیدا کند. از این رو یکی از راه‌ها برای فهم قرآن و منظور حکیم از یک سخن، مراجعه به سایر سخنان او می‌باشد. قرآن کریم که از سوی حکیم‌ترین حکیمان نازل شده است از این قاعده مستثنی نیست و برای فهم معنای یک آیه باید به محتوای سایر آیات قرآن مراجعه نمود.

در درس گذشته با سیاق آیات و تأثیر آن در فهم آشنا شدیم و دانستیم که اولین گام در مراجعه به آیات قرآن برای فهم معنای یک آیه، استفاده از سیاق آیه می‌باشد.

مراجعه به آیات قرآن برای فهم معنای یک آیه، منحصر در سیاق نبوده و یک مفسر برای دریافت معنای دقیق‌تر و عمیق‌تر از آیه، با عبور از سیاق وارد مرحله جدیدی می‌شود. او در این مرحله، حجم بیشتری از آیات در سوره‌های گوناگون را مورد توجه قرار می‌دهد.

به نظر شما این مرحله چه تفاوتی با مرحله پیش از آن یعنی «توجه به سیاق آیه» دارد؟ مفسر در این مرحله به سراغ چه نوع آیاتی خواهد آمد که در مرحله قبل به آن آیات نپرداخته

بود؟



چنانکه دانستیم، مفسران معمولاً در دو گام، از آیات قرآن برای فهم یک آیه بهره می‌جویند :
توجه به سیاق آیه و استفاده از محتوای دیگر آیات در تفسیر.

یک مفسر پس از شناخت آیه در سیاق خود، به سراغ کل قرآن می‌رود و از مفاهیم و مقاصد آیات دیگری که به گونه‌ای در فهم آیه مورد نظر مؤثر هستند، استفاده می‌کند. به بیان دیگر او برای فهم یک آیه، ابتدا از قرائن موجود در آیه و آیات پیرامونی آن استفاده می‌کند و سپس از قرائن موجود در دیگر آیات در کل قرآن بهره‌مند می‌شود.

بدین منظور او هنگام تفسیر یک آیه، پس از شناخت سیاق آن، ابتدا آیاتی را که در سوره‌های گوناگون با آیه مورد نظر ارتباط معنایی دارند استخراج می‌کند؛ سپس با چینش این آیات در کنار یکدیگر از محتوای آنها در تفسیر آن آیه استفاده می‌کند؛ به عبارت دیگر او یک آیه را با کمک تدبر در آیات مشابه آن توضیح می‌دهد و مقصود آن را روشن می‌سازد.
به این نمونه‌ها دقت کنید :

■ نمونه اول :

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ؛ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ... حمد/۷-۶

مفسران، نظریات مختلفی درباره مراد خداوند از «صراط مستقیم» ارائه کرده‌اند. بعضی مفسران با توجه به اینکه این راه، راه نعمت‌یافتگان دانسته شده است، با قرار دادن آیه زیر از سوره نساء در کنار این آیه، مراد از آن را راه انبیاء، صدیقین، شهداء و صالحین دانسته، و از این منظر به تفسیر آیه پرداخته‌اند :

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ

وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا سوره نساء/۶۹

■ نمونه دوم :

إِنَّهُ وَلَقُرْآنٌ كَرِيمٌ؛ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ؛ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ واقعه/۷۹-۷۷

مفسران درباره معنای «لَا يَمَسُّهُ» و «مُطَهَّرُونَ» اختلاف نظر دارند. علامه طباطبایی با توجه به سیاق آیات و قرار دادن آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» سوره احزاب/۳۳

در کنار این آیه، در تفسیر آن می‌نویسد:

با توجه به سیاق آیات که درباره بزرگداشت مقام قرآن است، منظور از «مس» در این آیه، لمس ظاهری نیست و مراد، علم به معارف حقیقی قرآن است که جز پاکان، یعنی کسانی که خدا دل‌هایشان را از هر رجس و پلیدی پاک کرده است، افراد دیگری به معارف بلند آن علم پیدا نمی‌کنند.

منظور از پاکان نیز همان کسانی هستند که خداوند آنها را در آیه تطهیر معرفی کرده است که همان اهل بیت عصمت و طهارت هستند؛ بنابراین علم کامل به معارف حقیقی قرآن مختص اهل بیت پیامبر می‌باشد^۱.

فعالیت کلاسی

(الف) به این آیه دقت کنید:

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ / **انعام/ ۸۲**

آنها که ایمان آوردند، و ایمان خود را با ظلم نیالودند، ایمنی تنها از آن آنهاست و آنها هدایت یافتگانند.

با توجه به این آیه، به نظر شما مراد از «ظلم» در آیه بالا چیست؟

وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ

إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ / **سوره لقمان/ ۱۳**

(ب) این آیه را در نظر بگیرید. در این آیه وجود هر گونه دوستی و شفاعت در روز قیامت نفی شده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ

مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ وَلَا شَفَاعَةً... / **سوره بقره/ ۲۵۴**

ای کسانی که ایمان آورده اید، از آنچه به شما روزی داده ایم انفاق کنید، پیش از اینکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی.

آیه زیر چگونه باعث فهم دقیق‌تر آیه بالا می‌شود؟

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا / **سوره طه/ ۱۰۹**

۱- المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۱۳۷.

ضرورت تفسیر قرآن به قرآن

روش تفسیر قرآن به قرآن در میان مفسران قرن حاضر، جایگاه ویژه‌ای یافته است. «المیزان فی تفسیر القرآن»^۱ و «الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن»^۲، دو نمونه از تفاسیر معاصری هستند که این روش را روش اصلی خود قرار داده‌اند. مفسران، علاوه بر وجود انسجام و ارتباط ظاهری آیات با یکدیگر، که عقل به آن حکم می‌کند، دو دلیل دیگر نیز برای ضرورت تفسیر قرآن به قرآن ذکر می‌کنند:

دلیل قرآنی:

قرآن در خلال آیاتش، خود را این گونه معرفی می‌کند:

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ

سوره نحل/۸۹

هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ **سوره آل عمران/۱۳۸**

مفسران معتقدند اگر قرآن بیان کننده همه چیز است، چگونه ممکن است بیان کننده خود نباشد؟ و اگر قرآن راهنمای مردم به آن چیزی است که برای هدایتشان بدان نیاز دارند، چگونه ممکن است در بزرگ‌ترین نیازشان، که فهم معنای آیات قرآن است، راهنمایشان نباشد^۳. بر این اساس خود آیات قرآن بیان کننده و تبیین‌گر خود هستند و باید در فهم یک آیه از دیگر آیات مشابه آن کمک گرفت.

دلیل حدیثی:

امام علی علیه السلام، قرآن را این گونه معرفی کرده است:

كِتَابُ اللَّهِ... يَنْطِقُ بِعَضِهِ، بِبَعْضٍ وَيَشْهَدُ بِعَضِهِ، عَلَىٰ بَعْضٍ **خطبه ۱۳۳**

کتاب خدا... قسمتی از آن درباره قسمت دیگر سخن می‌گوید و پاره‌ای از آن بر پاره دیگر شهادت می‌دهد.

۱- تألیف سید محمد حسین طباطبائی.

۲- تألیف محمد صادقی تهرانی.

۳- علامه طباطبائی این دلیل را به این صورت در مقدمه تفسیر خود توضیح می‌دهد: وَ حَاشَا أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكُونَ تِبْيَانًا لِنَفْسِهِ وَ كَيْفَ يَكُونُ الْقُرْآنُ هُدًى وَ نَبِيَّةً وَ فُرْقَانًا وَ نَوْرًا مُبِينًا لِّلنَّاسِ فِي جَمِيعِ مَا يَحْتَاجُونَ وَ لَا يَكْفِيهِمْ فِي احْتِيَاجِهِمْ إِلَيْهِ وَ هُوَ أَشَدُّ الْاِحْتِيَاجِ **المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۱**

در این حدیث به صراحت آمده است که برخی آیات قرآن با یکدیگر ارتباط معنایی دارند و یکی، درباره معنای دیگری سخن می‌گوید که از این رو باید در فهم آیات، آیات مرتبط با آن را نیز مورد توجه قرار داد.

توجه به یک نکته مهم :

هنگامی که سخن از تفسیر قرآن به قرآن به میان می‌آید، باید دقت کرد که استفاده از آیات قرآن به عنوان یک منبع اساسی در تفسیر، به معنای نفی دیگر منابع مانند روایات صحیح نیست. درست است که قرآن، خود بیان‌کننده خویش است، اما روایات صحیح نیز می‌تواند در توضیح پاره‌ای از آیات و همچنین به منظور تشریح آیات احکام و قصص، که در قرآن به اختصار بیان شده است، مورد استفاده قرار گیرد.

قرآن، خود تفصیل پاره‌ای از امور و معارف آیات را به عهده سنت و بیان رسول خدا ﷺ گذارده و آن حضرت را معلم و تبیین‌کننده قرآن معرفی کرده است :

وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ **سوره نحل/۴۴**

لازم است بدانیم برخی مفسران معتقدند روش تفسیری معصومان عليهم السلام، همین تفسیر قرآن به قرآن بوده است و از این رو مراجعه به روایات ایشان را برای ارائه تفسیری صحیح و دقیق لازم و ضروری می‌دانند.

فعالیت کلاسی

امام علی علیه السلام در تفسیر واژه «الظالمین» در آیه «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره/۱۲۴) می‌فرماید:
«أَيُّ الْمُشْرِكِينَ لِأَنَّهُ تَعَالَى سَمَى الشِّرْكَ ظُلْمًا»
با توجه به آیاتی که در همین درس خواندید، به نظر شما امام به کدام آیه از قرآن استناد نموده و این تفسیر را ارائه نمودند؟

اندیشه و تحقیق

چه ارتباطی میان «تفسیر قرآن به قرآن» و «تفسیر موضوعی قرآن» وجود دارد؟

یک مفسر برای استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن، باید لوازم مورد نیاز برای تفسیر را از پیش در خود به وجود آورده باشد و با آگاهی کامل از علوم مورد نیاز و تسلط بر تمام آیات قرآن و نیز بهره‌مندی از استدلال‌های صحیح عقلی، از این روش استفاده کند. اگر مفسر بخواهد بدون کسب مقدمات لازم از این روش استفاده کند، ممکن است در یافتن آیات مشابه با آیه مورد نظر به خطا رود که در این حالت، فهم از مسیر اصلی خود خارج خواهد شد و تفسیر نادرستی از آیه را ارائه خواهد کرد.

به این آیات دقت کنید :

إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقُضُ الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ

سوره انعام/۵۷

وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا

وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ

سوره مائده/۴۴

در بحبوحه جنگ صفین، برخی گمراهان از کنار هم قرار دادن این آیات، چنین نتیجه گرفتند :

خداوند در آیه اول، هر گونه حکم و فرماندهی را منحصر در خود می‌داند؛ بنابراین حق هرگونه حکمیت و حکمرانی در امور مسلمانان از آن خداست و نباید به‌دست فردی از انسان‌ها سپرده شود. بر اساس آیه دوم نیز هر کس حکمیت الهی را نپذیرد و از آن سرپیچی کند، کافر است. از این رو نتیجه گرفتند حضرت علی علیه السلام که در ماجرای جنگ صفین به اصرار همین افراد گمراه، حکمیت یک انسان (ابوموسی اشعری در مقابل عمر بن عاص) را پذیرفت، از ایمان خارج و کافر شده است!

این تفسیر اشتباه، نتیجه نادیده گرفتن اتصال و ارتباط آیات در سیاق آنهاست که این چنین مفسر را به خطا و باطل می‌افکند.

خلاصه قواعد فصاحت و تجوید

ترکیب و مجاورت حروف و حرکات، موجب شکل گیری قواعد مختلف تجویدی می شود. در درس های قبل موارد مربوط به هر حرف و حرکت توضیح داده شد و اینک خلاصه آنها:

اول - فصاحت حرکات :

- ۱- کوتاهی و کشیدگی حرکات باید رعایت شود، تا معانی کلمات تغییر نکند.
- ۲- فصاحت حرکات باید رعایت شود، تا لحن به حالت عربی، زیبا و شیوا گردد.
- ۳- از نظر **صحت** قرائت، **سه** حرکت **کوتاه** و **سه** حرکت **کشیده** می باشد؛ ولی از نظر فصاحت و تجوید، **چهار** حرکت **کوتاه** و **چهار** حرکت **کشیده** می باشد؛ زیرا هر یک از فتحه و الف مدی، **دو** حالت نازک و درشت دارد.
- ۴- تلفظ فصیح **چهار** حرکت (فتحه با ۲۰ حرف نازک، الف مدی با ۸ حرف درشت، یاء مدی و واو مدی) مانند فارسی است؛ ولی تلفظ فصیح **چهار** حرکت دیگر با حالت فارسی **تفاوت** دارد؛ یعنی فتحه با ۸ حرف به صورت «أ ولی کوتاه» کسره به صورت «ای ولی کوتاه» ضمه به صورت «او ولی کوتاه» و الف مدی با ۲۰ حرف به صورت «أ ولی کشیده» تلفظ می شوند.

دوم - موارد تفخیم :

- حروف و حرکاتی که درشت تلفظ می شوند و **تفخیم** می گردند، عبارتند از :
- ۱- هفت حرف درشت؛ که چهار حرف (**ص ض ط ظ**) همواره درشت است، تا با «س ذ ت» اشتباه نشود؛ و سه حرف (**خ غ ق**) هرگاه مفتوح یا ساکن باشد، برای فصاحت، تفخیم می شود.
 - ۲- فتحه با ۸ حرف «**ع رَ صَ طَ ظَ غَ قَ**» تفخیم می شود.
 - ۳- الف مدی با ۸ حرف فوق، معمولی و به صورت تفخیم خوانده می شود.
 - ۴- راء با حرکات «**رَ رُ رَا رِ رَوِ**»
 - و راء ساکن بعد از حرکات «**رِ رُ رِ رَوِ**»، تفخیم می شود.
 - ۵- لام لفظ جلاله بعد از فتحه (**لِ الله**) یا بعد از ضمه (**لِ الله**)، تفخیم می شود.

سوم - موارد ترفیق :

- حروف و حرکاتی که نازک تلفظ می‌شوند و **ترفیق** می‌گردند ، عبارت‌اند از :
- ۱- ۲۰ حرف دیگر که تقریباً به حالت معمولی و نازک تلفظ می‌شوند .
 - ۲- فتحه با این ۲۰ حرف که به حالت معمولی و نازک تلفظ می‌گردد .
 - ۳- الف مدی نازک با این ۲۰ حرف که به صورت **ـِ ولی کشیده** تلفظ می‌شود .
 - ۴- راء با حرکات « **رِ رِ رِ** ری » و راء ساکن بعد از کسره و یاء (**یر - یر**)
 - ۵- لام لفظ جلاله بعد از کسره (**ـِ الله**)
 - ۶- نون ساکن و تنوین (**ن ن ن**) نزد ۱۵ حرف نازک :
(ب ت ث ج د ذ ز س ش ف ک م ن و ی)

چهارم - قلقله :

- پنج حرف ساکن (**ب ج د ط ق**) با تکان کوچک و قلقله تلفظ می‌شود .
- ۲۳ حرف ساکن دیگر ، قلقله ندارد و تکان داده نمی‌شود ، به ویژه چهار حرف « **أ ت ض ک** »

پنجم - دمش‌های خاص حروف :

دمش‌های خاصی که برخی حروف را از حروف مشابه خود متمایز می‌کند ، در اصطلاح قرائت دارای نام‌های زیر است :

- ۱- دمش‌ثاء : **نَفْث** برای تفاوت آن با ذال
- ۲- دمش‌حاء : **بَحْه** برای تفاوت آن با عین
- ۳- دمش‌خاء : **خَروره** برای تفاوت آن با غین
- ۴- دمش‌سین و صاد : **صَفیر** برای تفاوت آنها با زاء
- ۵- دمش‌شین : **تَفْشِی** برای تفاوت آن با ژ
- ۶- دمش‌فاء : **نَفخ** برای تفاوت آن با واو فارسی
- ۷- دمش‌ه‌اء : **هاوی** برای تفاوت آن با الف همزه

ششم - قواعد نون ساکن و تنوین :

نون ساکن و تنوین ، سه حالت دارد :

- ۱- نزد ۶ حرف حلقی (أ ح خ ع غ هـ) اظهار و معمولی خوانده می شود.
- ۲- نزد ۲ حرف (ر ل) ادغام و به حرف بعدی تبدیل می گردد.
- ۳- نزد ۲۰ حرف دیگر ، به صورت کشیده در حرف بعد تلفظ می شود.

هفتم - کشش غنه :

غنه به معنای کشش نون و میم است ، و موارد آن عبارت اند از :

- ۱- کشش نون ساکن و تنوین، نزد ۲۰ حرف
- ۲- کشش نون مشدد و میم مشدد
- ۳- کشش میم ساکن نزد میم و باء

هشتم - کشش مد :

مد به معنای افزایش کشش حروف مدی است و در مواردی که روی حروف مدی، علامت مد باشد (..آ ..و ..ج) کشش حروف مدی به میزان دو تا سه برابر افزایش می یابد.

سایر قواعد تجویدی و شرح و توضیح مفصل غنه، مد، سبب مد، اسامی مد، مقدار کشش هر نوع و ظرائف و اصطلاحات آنها که بیشتر جنبه نظری دارد، در کتاب های علم قرائت و تجوید آمده است.

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ﴿١١﴾ لِلطَّاغِينَ مَنَابًا ﴿٢٢﴾ لِبِئْسَ فِيهَا
 أَحْقَابًا ﴿٢٣﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿٢٤﴾ إِلَّا حَمِيمًا
 وَغَسَّاقًا ﴿٢٥﴾ جَزَاءً وِفَاقًا ﴿٢٦﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا
 ﴿٢٧﴾ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا ﴿٢٨﴾ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ
 كِتَابًا ﴿٢٩﴾ فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ﴿٣٠﴾ إِنَّ
 لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿٣١﴾ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ﴿٣٢﴾ وَكَوَاعِبَ
 أَتْرَابًا ﴿٣٣﴾ وَكَأْسًا دِهَاقًا ﴿٣٤﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا
 وَلَا كِذَابًا ﴿٣٥﴾ جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا ﴿٣٦﴾ رَبِّ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُ
 مِنْهُ خِطَابًا ﴿٣٧﴾ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا
 لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَدِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿٣٨﴾ ذَلِكَ
 الْيَوْمَ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَنَابًا ﴿٣٩﴾ إِنَّا
 أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ
 يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَلَيْتَنِي كُنْتُ تُرْبًا ﴿٤٠﴾



ترجمه سوره نبأ، آیات ۲۱ تا ۴۰

[آری] جهنم [از دیر باز] کمینگاهی بوده «(۲۱)» [که] برای سرکشان بازگشتگاهی است «(۲۲)» روزگاری دراز در آن درنگ کنند «(۲۳)» در آنجا نه خنکی چشند و نه شربتی «(۲۴)» جز آب جوشان و چرکابه‌ای «(۲۵)» کیفی مناسب [با جرم آنها] «(۲۶)» آنان بودند که به [روز] حساب امید نداشتند «(۲۷)» و آیات ما را سخت تکذیب می‌کردند «(۲۸)» و حال آنکه هر چیزی را برشمرده [به صورت] کتابی در آورده‌ایم «(۲۹)» پس بچشید که جز عذاب هرگز [چیزی] بر شما نمی‌افزاییم «(۳۰)» مسلماً پرهیزگاران را رستگاری است «(۳۱)» باغچه‌ها و تاکستانها «(۳۲)» و دخترانی همسال و همسان «(۳۳)» و پیاله‌های لبالب «(۳۴)» در آنجا نه بیهوده‌ای شنوند و نه [یکدیگر را] تکذیب [کنند] «(۳۵)» [این است] پاداشی از پروردگار تو عطایی از روی حساب «(۳۶)» پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است بخشایشگری که کس را یاری اعتراض به او نیست «(۳۷)» روزی که روح و فرشتگان به صف می‌ایستند و [مردم] سخن نگویند مگر کسی که [خدای] رحمان به او رخصت دهد و سخن حق گوید «(۳۸)» آن روز، حق و قطعی است پس هر که خواهد راه بازگشتی به سوی پروردگار خود بجوید «(۳۹)» ما شما را از عذابی نزدیک هشدار دادیم روزی که آدمی آنچه را با دست خویش پیش فرستاده است بنگرد و کافر گوید کاش من خاک بودم «(۴۰)»



